

ماهنامه تحلیلی
ویژه هادیان سیاسی بسیج

حد اِپت

سال سیزدهم

سال ۱۳۹۲

شماره - ۱۴۶

استقامت

استقلال

ایستادگر

اقتصاد
مقاومت

پایدار

خودانگیز

ایران

گنجینه
های
ای
جیت
فلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۴۶ - سال ۱۳۹۲

«هدایت»

«ماهنامه تحلیل سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسئول: عبدالله داورزنی

سر دبیر: حمید عبداللهی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

ویراستار: غلامرضا گودرزی

مخاطبان: هادیان سیاسی

همکاران این شماره:

۱- رمضان شعبانی سارویی ۲- علی مرادزاده ۳- عبدالله داورزنی

۴- مهدی سعیدی ۵- بهزاد کاظمی ۶- احد کریم‌خانی

۷- عباسعلی بیگدلی ۸- وحید مهدوی

شمارگان: ۷/۷۷۲

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۶ - ۳۳۲۳۹۶۷۳

پست الکترونیکی هادی (ایمیل): E-mail: ssb۱۱۰@yahoo.com

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی است، بنابراین بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد. انتظار می‌رود هادیان، عزیز ما را یاری فرمایند.
- انتقادهای و پیشنهادهای ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

۱.....	سفن هدایت
--------	-----------

کلام

۵.....	نور
--------	-----

بفش سیاسی

۱۱.....	* تفاوت حقوق بشر در فرهنگ اسلامی و غربی، دلایل اتهام نقض حقوق بشر به ایران
۲۳.....	* نقش آفرینی رهبری مذهبی در نهضت نفت
۳۶.....	* بررسی نقش و ضرورت حضور هادیان سیاسی در فضای مجازی
۵۸.....	* واکاوی دلایل و پیامدهای حوادث اخیر الانبار عراق
۷۳.....	* شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و تهدیدها

بخش اقتصادی

* ضرورت اقتصاد مقاومتی در همه زمان‌ها

«نگاهی تطبیقی بر دیدگاه اقتصادی دولت یازدهم با اقتصاد مقاومتی»..... ۹۳

اندیشه سیاسی اسلام

اندیشه سیاسی علامه محمدحسین طباطبائی ۱۱۱

مفاهیم

قدرت و اقتصاد درونزا..... ۱۲۵

بخش پرسش و پاسخ ۱۳۳

چرایی بی‌اعتمادی به آمریکا

مقام معظم رهبری در دیدار با مردم آذربایجان (۲۸/۱۱/۹۲) اشاره داشتند که بعضی از مسئولین و دولتمردان (قبلی و فعلی) فکر می‌کنند در قضیه هسته‌ای اگر ما با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم موضوع حل می‌شود؛ لذا در برابر اصرار آنها فرمودند: در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛ و افزودند من خوشبین نیستم؛ مخالفتی نمی‌کنم، اما خوشبین نیستم و از این دست جملات که بیانگر عدم اعتماد به آمریکا می‌باشد، نه تنها در بیانات معظم له بلکه در شعارهای امت اسلامی ایران به خصوص در راهپیمایی بزرگ روز ۲۲ بهمن فراوان مشاهده می‌شود که همه‌ی اینها ریشه در عملکرد گذشته و رفتار امروز آمریکایی‌ها دارد.

در یک نگاه اجمالی به تاریخ ایران اسلامی می‌توان دلایل و ریشه‌های این بی‌اعتمادی را به راحتی دریافت که از کجا ناشی می‌شود. دلایلی که ریشه آن با باز شدن پای آمریکایی‌ها به ایران شروع می‌شود و از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ اوج می‌گیرد به گونه‌ای که، نفوذ

گسترده آمریکا در ایران و تداوم آن تا انقلاب اسلامی و سیطره آمریکا در روابط دو کشور را در طول این ۲۵ سال چنان مستحکم کرده که ایران را به یک دست‌نشانده نظامی و سیاسی آمریکا مبدل ساخته است.

اما با وقوع انقلاب اسلامی در ایران دیوار روابط بین ایران و آمریکا، به دلیل حمایت‌های آمریکا از رژیم خونخوار شاهنشاهی و چپاول و غارت ملت مسلمان ایران از یک‌سو و ماهیت استکبارستیزی انقلاب اسلامی از سوی دیگر فرو ریخت و با گذشت بیش از ۳۴ سال از انقلاب اسلامی، روابط جمهوری اسلامی با آمریکا نه تنها بهبود نیافته، بلکه به جای آن دیوار بی‌اعتمادی شکل گرفته که روز به روز بلند و بلندتر می‌شود. البته دلیل آن را باید در رفتار آمریکا با ایران طی چند دهه اخیر جستجو کرد که به عناوین برخی از اقدامات خصمانه آمریکا اشاره می‌شود:

- ۱- کودتای ۲۸ مرداد؛
- ۲- سفارت یا مرکز براندازی؛
- ۳- حمله نظامی در طیس؛
- ۴- کودتای نوژه؛
- ۵- کارگردانی جنگ تحمیلی؛
- ۶- تسلیح شیمیایی صدام؛
- ۷- حمله به هواپیمای مسافری؛
- ۸- تحریم‌های غیرقانونی؛
- ۹- تلاش برای براندازی؛
- ۱۰- سنگ‌اندازی هسته‌ای؛

علی‌رغم استمرار دشمنی‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و برخورد اهانت‌بار مسئولان و سران آنها نسبت به ملت ایران که به چند نمونه آن اشاره می‌شود آیا می‌توان به آمریکایی‌ها خوشبین بود؟

* جک کین فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش آمریکا روز ۲۲ نوامبر

۲۰۱۱ (اول آذر ۱۳۹۰) در جلسه کنگره آمریکا رسماً خواستار ترور مقام‌های ارشد نظامی ایران شد.

* لری فرانکلین رئیس میز ایران در پنتاگون در سال ۲۰۰۳ در شهر نیویورک در مقاله‌ای در فارین پالیسی فاش کرد بسیاری از آنچه در فتنه ۸۸ در ایران اتفاق افتاد در واقع طراحی‌های دولت آمریکا برای ایران بود که از سال ۲۰۰۳ انجام شده بود.

* وندی شرمن، معاون وزیر خارجه آمریکا و مسئول تیم آمریکا در مذاکرات ۵+۱ با ایران در اکتبر ۲۰۱۳ با حضور در کمیته روابط خارجی سنا اعلام کرد که عقیده دارد فریبکاری بخشی از DNA ایرانیان است.

* واین برگر، وزیر خارجه اسبق آمریکا زمانی گفته بود مشکل اصلی ملت ایران است نه دولتین کشور و ریشه ملت ایران را باید کند.

* سوزان رایس، مشاور امنیت ملی آمریکا در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۲ به صراحت اعلام کرد میان آمریکا و اسرائیل درباره ایران هیچ اختلافی وجود ندارد.

* باراک اوباما در ۱۸ آبان ۱۳۹۰ اعلام کرد آمریکا قصد دارد سنگین تحریم‌هایی را که تاریخ به یاد دارد علیه ایران وضع کند.

* دنیس راس، دستیار باراک اوباما در ۲۰ دی ۱۳۹۰ گفت: هیچ کس نباید تردید داشته باشد که آمریکا آماده حمله به ایران است.

* جرج بوش در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ در سخنرانی در کنست اسرائیل ایران را «تنها بانی تروریسم» در جهان خواند.

* بوش در ۲۵ مهر ۱۳۸۶ اعلام کرد: آمریکا آماده است در مقابل ایران و در حمایت از اسرائیل جنگ جهانی سوم را راه بیندازد.

* سناتور باراک اوباما (قبل از ریاست جمهوری) در سخنرانی در مقابل آپیک به تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۸۵ گفت: دولت ایران یک دولت نفرت‌انگیز است.

* کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا روز ۲۸ بهمن ۱۳۸۴ ایران را مرکز دیکتاتوری در جهان خواند.

* ریچارد پرل، مقام ارشد پنتاگون در آبان ۱۳۸۲ می‌گوید سیاست تغییر رژیم ایران برای همیشه در دستور کار آمریکا باقی خواهد ماند.

در همین راستا مقام معظم رهبری فرمودند: ببینید مرتب پی‌درپی اظهارات سخیف آمریکایی‌ها را؛ سناتور بی‌آبروی آمریکایی از صهیونیست‌ها پول می‌گیرد تا برود در مجلس سنای آمریکا به ملت دشنام صریح بدهد، نه اینکه اهانت کند؛ دشنام می‌دهد. رؤسای کشورشان هم همین‌جور، در سطوح مختلف به ملت ایران [اهانت کند].

آیا به راستی به کشوری که آینده او همان گذشته است و ماهیت استکباری آن هیچ‌گونه تغییری نیافته، می‌توان اعتماد کرد؟ آیا به کسانی که رسماً اعلام کردند «در پی خشکاندن ریشه ملت ایران» هستند و برای سرنگونی حکومت اسلامی ایران بودجه رسمی به تصویب می‌رسانند، با تحریم جنگ اقتصادی راه انداخته و دولتمردان آن مثل یک دوره‌گرد در جهان می‌گردند تا پیوندهای ایران با خارج از مرزهایش را قطع کنند، و هرروز به دنبال بهانه‌ای برای نابودی ایران اسلامی نقشه می‌کشند، سر میز مذاکره بنشینیم و به آنها اعتماد کنیم؟

به یقین با توجه فرموده امام و مقتدایمان «ما به آمریکایی‌ها بدبینیم و هیچ اعتمادی به آنان نداریم، دولت آمریکا غیرقابل اعتماد و خودبترترین و غیرمنطقی و عهدشکن است و دولتی در تصرف شبکه صهیونیسم بین‌المللی است که به خاطر صهیونیست‌ها مجبور است با رژیم غاصب مماشات کند و نرمش نشان دهند... لکن ما به هیأت دیپلماسی دولت خدمتگزار خوشبین هستیم، ولی به آمریکایی‌ها بدبینیم. دولت آمریکا غیر قابل اعتماد و خودبترترین و عهدشکن است.



سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»

در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران اهدافی پیش‌بینی شده است که جمهوری اسلامی ایران باید به لحاظ علمی، الگوی اسلامی-ایرانی و اقتصادی در منطقه در نقطه مطلوب قرار گیرد. در حال حاضر ایران اسلامی توانست در تولید علم و فناوری به عنوان هدف اول پیشرفت خوبی به دست آورد، حتی به تعبیر برخی فراتر از افق سند چشم‌انداز حرکت نماید. در رسیدن به هدف دوم که همان تبلیغ هویت اسلامی-ایرانی است؛ با وقایعی که در سال‌های اخیر در منطقه و جهان رخ داده، آثار و برکات انقلاب اسلامی را می‌توان مشاهده کرد. اما در حوزه اقتصاد به عنوان سومین هدف، علی‌رغم جنگ تمام‌عیار غرب علیه جمهوری اسلامی ایران کارهای زیربنایی خوبی صورت پذیرفته که نیاز به تأمل و تلاش بیشتری است تا بتوان به آن رتبه نخست اقتصاد غرب آسیا رسید. از این‌رو ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حقیقت برای رسیدن به آن هدف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله می‌تواند کمک قابل توجهی بنماید.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را می‌توان سیاست دائمی کشور است؛ یعنی یک افق بلند، نه فقط یک افق

۲۰ ساله، در حقیقت سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مسیر رسیدن به آن اهداف عالی اقتصادی مد نظر نظام را هموار می‌سازد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی «هادیان سیاسی بسیج» در بین مخاطبان، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که از سوی رهبر معظم انقلاب با نگاه به مبانی ارزشی، روشمند، در برگیرنده اقتضائات کشور و راهبردی بوده و ناظر به افق پیش روی کشور است را در کلام نور این شماره می‌آوریم. این راهبرد در واقع همان گفتمان انقلاب اسلامی است. گفتمانی که در حقیقت هم تبیین‌کننده «وضع موجود» کشور است و هم ترسیم‌کننده «وضع مطلوب» و هم نشان‌دهنده «مسیر»ی که می‌بایست از وضع موجود به وضع مطلوب رسید است.

بسم الله الرحمن الرحيم

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد.

اکنون با مذاقه لازم و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام،

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می‌گردد.

لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم.

سیدعلی خامنه‌ای ۲۹/بهمن/ماه/۱۳۹۲

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد:

۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

۲- پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

۳- محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین

مناطق و استان‌ها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۴- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی.

۵- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۶- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

۷- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).

۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت رقابت‌پذیری در تولید.

۹- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.

۱۰- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.
- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه.
- استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.

- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.

۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

۱۲- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:
- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان.

- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.

- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

۱۳- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:

- انتخاب مشتریان راهبردی؛

- ایجاد تنوع در روش‌های فروش؛

- مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش؛

- افزایش صادرات گاز؛

- افزایش صادرات برق؛

- افزایش صادرات پتروشیمی؛

- افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.

۱۴- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به ویژه در میادین مشترک.

۱۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

۱۶- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در

ساختارها، منطق‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.

۱۷- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

۱۹- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...

۲۰- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

۲۲- دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:
- شناسایی و به کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.

- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.

- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

۲۳- شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

۲۴- افزایش پوشش استاندارد برای همه محصولات داخلی و ترویج آن.

تفاوت حقوق بشر در فرهنگ اسلامی و غربی و دلایل اتهام نقض حقوق بشر به ایران

بهزاد کاظمی

مفهوم حقوق بشر از مفاهیمی است که از دیر باز، همه اندیشمندان، همه مذاهب و بزرگان حکمت، از آن دم زده‌اند و در مدح آن سخن‌ها گفته‌اند.

اما امروزه واژه و اصطلاح «حقوق بشر» یکی از واژه‌هایی است که اگر چه ظاهری زیبا و فریبنده دارد ولی در فرهنگ سیاسی استکبار و نظام سلطه جهانی از آن سوء استفاده شده و به عنوان ابزاری برای سلطه و فریب و سرکوب ملت‌های مستقل، مفهوم ثانوی یافته است.

در این نوشتار درصددیم به بررسی اجمالی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غربی بپردازیم و دلایل اتهام‌زنی مستمر غرب به ایران اسلامی را در زمینه نقض حقوق بشر بیان کنیم.

مفهوم حق در اصطلاح حقوقدانان

برای «حق» در منابع حقوقی تعریف‌های گوناگونی آمده است. از آن جمله نویسندگان کتاب «مقدمه علم حقوق» می‌نویسد: «حق، امتیازی است که قواعد حقوقی



برای تنظیم روابط اشخاص به سود پاره‌ای از آنان در برابر دیگران ایجاد می‌کند. حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و زوجیت به اعتبار همین معنی است که با عنوان حقوق بشر مورد حمایت قرار می‌گیرد.»

یکی دیگر از حقوق‌دانان می‌نویسد: «افرادی که در درون جامعه زندگی می‌کنند برای تأمین نیازمندی‌های خود حرکت می‌کنند و عمل می‌نمایند، در نتیجه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌نمایند، حرکت و عمل و رابطه آنها نیاز به مرزبندی و تحدید حدود دارد. نتیجه نبودن حد و مرز، تعدی و تجاوز افراد به جان و به دسترنج یکدیگر است.»

مفهوم حقوق بشر

اصطلاح «حقوق بشر» در سده‌های اخیر جایگزین «حقوق طبیعی» و «حقوق انسان» شده است که قدمتی بیشتر دارند. در تعریف اصطلاح «حقوق بشر» گفته‌اند: «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است.» همچنین حقوق بشر را این گونه تعریف نموده‌اند: «حقوق بشر یعنی آن که جان و مال آدمی آزاد باشد و او بتواند به زبان و قلم با دیگران سخن بگوید، حقوق بشر یعنی آن که نتوان کسی را بدون حضور یک هیأت منصفه متشکل از افراد مستقل به مجازات محکوم کرد، یعنی آن که محکومیت کیفری بر حسب مقررات قانونی صورت گیرد، یعنی این که انسان بتواند با آرامش خاطر به هر دین که خود برمی‌گزیند، متدین گردد» (در هوای حق و عدالت، نشر کارنامه، سال ۸۱، ص ۳۹).

حقوق بشر در اسلام

بر خلاف تصور رایج در غرب، حقوق بشر دارای جایگاه مهمی در شریعت اسلامی است و پیامبر گرامی اسلام^(ص) در خطبه حَجَّةُ الوداع به محترم بودن جان و مال و ناموس آدمیان - یعنی همان چیزی که امروز حقوق بشر نامیده می‌شود - تأکید فرموده‌اند.

حقوق بشر اسلامی به دلیل توجه آن به دو بُعد مهم در زندگی انسان یعنی "تعالیم الهی" و "فطرت انسانی" دارای امتیازات قابل توجهی نسبت به حقوق بشر مورد نظر غرب است. اسلام می‌گوید: همه انسان‌ها فرزندان یک پدر و مادرند و دلیلی بر برتری یکی بر دیگری جز به خاطر تقوا وجود ندارد.

انسانی که پیامبران آن را وصف کرده‌اند، چنین ویژگی‌هایی دارد:

انسان موجودی است دارای شرف و حیثیت و کرامت ذاتی که با حکمت بالغه خداوندی به وجود آمده و رهسپار هدف اعلایی است که با مسابقه در خیر و کمال به آن هدف خواهد رسید، مگر این که خود انسان، این ارزش را منتفی سازد و هر کس به این انسان اهانت کند و حقوق او را نادیده بگیرد، با مشیت خداوندی در مقام مبارزه بر آمده است.

آیا این همان انسانی است که امثال توماس هابز و ماکیاولی تعریف کرده‌اند که «انسان» گرگ انسان است، و هیچ حقیقت ارزشی در وجود انسانی واقعیت ندارد؟

حقوق در قرآن؛ آمیزه‌ای از «امتیاز» و «تکلیف»

چنانچه نمونه‌ها و مصادیق حق را در قرآن مورد توجه قرار دهیم، خواهیم یافت که هر حقی بر دو پایه:

۱. امتیازی به صاحب حق؛

۲. تکلیفی بر طرف مقابل، استوار است.

یعنی؛ هر جا تکلیفی جعل شده است در برابر، عده‌ای حق پیدا می‌کنند، مثلاً زمانی که کسی متاعی را از فروشنده‌ای می‌خرد، در برخی موارد، برای خریدار «حق فسخ» قرار داده شده است و مشتری با شرایطی خاص و در زمان تعیین شده، می‌تواند متاع را باز گرداند و پولی را که پرداخته است باز پس گیرد.

نمونه دیگر را در «حق قصاص» می‌توان شاهد بود، به خویشان مقتول

«اولیای دم» حق قصاص داده‌اند، در حالی که قاتل یعنی محکوم، مکلف به تسلیم در برابر قصاص‌کنندگان است.

مبانی حقوق بشر در اسلام و قرآن

۱- خدامحوری و بندگی خدا

اساس تفکر اسلامی در منشأ قانونگذاری و مشروعیت مقررات حقوقی در رابطه با حقوق بشر، خداوند متعال و وحی (توحید محوری) است و قانونی صحیح است که از سوی خدا و از طریق وحی به دست ما رسیده باشد.

طبق دیدگاه اسلامی، بشر به طور تکوینی و تشریعی بنده خداوند متعال است و برخلاف متفکران غربی که انسان را در برابر خدا هم آزاد می‌پندارند، بر تسلیم و فرمانبرداری انسان‌ها در برابر خدا تأکید می‌ورزد.

۲- حقوق طبیعی انسان

از آنجا که از دیدگاه اسلام و قرآن، آفرینش جهان، هدفمند و دارای غایت است و هدف کلی از آفرینش نیز همان کمال انسان است، و از سوی دیگر انسان برای رسیدن به این هدف و مقصد اعلا نیازمند برآورده ساختن خواسته‌های طبیعی و جسمانی است؛ بنابراین او می‌تواند از آنچه در طبیعت است در راستای این هدف بهره جوید و اگر این حق طبیعی برای او نبود راه رسیدن به کمال بسته بود. در نتیجه وجود خواسته‌های طبیعی در انسان ثابت بودن حقوق طبیعی را برای او ایجاب می‌کند.

۳- عدالت

پس از حقوق طبیعی و نیازها و طلب‌های ساختاری وجود انسان، مسأله عدالت و قسط و تحقق و پایداری آن از دیگر مبانی قوانین حقوقی قرآن است. تا آنجا که هدف از رسالت پیامبران، برقراری قسط و عدل معرفی شده است. «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید / ۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها

کتاب و میزان نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند. «و لکلّ امّۃ رسول فاذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط و هم لایظلمون» (یونس / ۴۷)؛ برای هر امتی رسولی است. هنگامی که رسول ایشان به سوی آنان بیاید به عدالت در میان آنها داوری می‌شود و ستمی به آنها نخواهد شد.

۴- مصالح برتر

اساس قانونگذاری در قرآن رعایت مصالح و مفاصد است و مصلحت‌سنجی حقیقی از جمله مهم‌ترین مبانی و معیارهای آرای حقوقی قرآن است. احکام، قوانین، حقوق و ضوابط ارتباط افراد با یکدیگر و افراد با اجتماع و دولت، همگی دارای حکمت و فلسفه خاصی است؛ چرا که در اندیشه این افراد خداوند عالم و حکیم است و لازمه علم و حکمت، رعایت مصالح برتر است، چه در اصل خلقت و آفرینش و چه در تعیین حقوق و قوانین. «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما باطلاً» (ص/ ۲۷) «الذی أحسن کلّ شیء خلقه» (سجده/ ۷).

از دیدگاه اسلام قانونی معتبر است که مطابق با مصالح واقعی انسان‌ها باشد و از این‌رو، ارزش قانون به مطابقت با مصالح مادی و معنوی انسان‌ها است.

مبانی حقوق بشر غربی

حقوق بشر غربی بر مبانی نظری خاصی، همچون خردباوری علمی، فردگرایی اومانیستی، حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی و ... مبتنی است. منظور از خردباوری علمی، باور کردن توانایی آدمی بر شناخت علمی هستی و انسان است، و نیز این که تنها شناخت قابل اعتماد، معرفت علمی است. شناخت علمی نیز شناختی اثبات‌پذیر و یا ابطال‌پذیر است. نظریه‌های علمی، از یافته‌های تجربی، که از راه آزمایش به دست آمده‌اند، گرفته می‌شود.

بر اساس این رویکرد، اولاً، ماورای ماده از حوزه شناخت انسان بیرون است و، در نتیجه، در عرصه تعریف حقوق بشر نقش چندانی ندارد. ثانیاً، خرد مبتنی بر روش علمی و تجربی، قادر به شناخت همه ابعاد هستی، از جمله انسان و نیازهای اوست. ثالثاً، حقوق بشر از حوزه انتظارات از دین، خارج است و در قلمرو عقل بشری قرار می‌گیرد.

مقصود از فردگرایی، برتر دانستن عقل و استدلال فردی بر همه چیز و کنار گذاردن خدا و شریعت الهی از صفحه حیات بشری و خالی کردن آن برای جولان فردیت بر اساس اومانیسم است. در نهایت، می‌توان گفت که در تفکر غربی، فرد برای خود یک کل است و با کل‌های دیگر مثل خود و یا محیط اجتماعی و طبیعی، در تقابل است. به قول نیچه، چنین برداشتی از فردیت، نتیجه انکار خدا و زیستن در جهان بی‌خداست.

اندیشه فردگرایی پیامدهایی دارد؛ از جمله این که حقوق انسان را دارای منشأ فردی و فرد انسانی را موضوع ارزش‌ها قلمداد می‌کند.

از این منظر مراد از حقوق طبیعی، حقوقی است که ناشی از حیثیت ذاتی انسان است و هیچ کدام از عوارض انسانی، نظیر زبان، نژاد، جنسیت و مذهب در آن دخالت ندارد، مثل: حیات، آزادی، برابری و مالکیت. بنیاد حقوق طبیعی انسان بر تمایلات و غرایز بنیادی او نهاده شده و آنچه به صورت مطلق برای او وجود دارد همین حقوق طبیعی است. وظایف نیز در این حوزه محدود می‌شوند.

مبانی معرفت‌شناختی غربیان و دیدگاه آنان در زمینه اصالت فرد و پذیرش حقوق طبیعی مطلق و بنیادی، موجب شد تا جامعه امری اعتباری و مبتنی بر قرارداد اجتماعی پنداشته شود. بنابراین نگرش، قرارداد اجتماعی نقش ویژه‌ای در تنظیم قوانین و تفصیل مواد مربوط به حقوق بشر خواهد داشت.

طرفداران این رویکرد، قرارداد اجتماعی را تنها منبع حق می‌دانند و

معتقدند که حقوق، پس از تشکیل جامعه، موضوعیت می‌یابد.

مقایسه حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر غربی

پس از آشنایی اجمالی با مبانی حقوق بشر غربی، در می‌یابیم که این مبانی با اسلام سازگار نیستند؛ زیرا:

از نظر متفکران دینی، خردباوری به معنای غربی (توانایی انسان به شناخت تام و جامع توانمندی‌ها و نیازهای خویش) پذیرفته نیست و چنین روشی نمی‌تواند ما را به شناخت واقعی انسان رهنمون سازد.

روش علمی شناخت، به دلیل محدودیت‌هایش در قالب استقرارگرای و ابطال‌پذیری، صرفاً دارای ارزش عملی است و در مقام عمل سودمند خواهد بود، و از واقع‌نمایی و ارائه حقیقت نظام هستی عاجز است. پوپر، فیلسوف مادی‌گرای غرب می‌گوید:

بدین سان بنیاد تجربی علم عینی هیچ چیز مطلقاً ندارد. علم بر اساس مستحکمی استوار نیست و گویی مبنای تهورآمیز نظریه‌های آن بر باتلاقی افراشته شده است و همانند ساختمانی است که بر ستون‌هایی استوار شده که در درون باتلاقی فرو رفته‌اند، اما نه به سوی شالوده‌ای طبیعی و معلوم، و اگر از فرو بردن عمیق ستون‌ها باز می‌ایستیم از آن رو نیست که به زمین رسیده‌ایم، ما فقط توقف می‌کنیم که راضی شده باشیم.

ما معتقدیم که تعیین حقوق بشر، از یک سو، مبتنی بر مقدماتی نظیر شناخت نظام هستی و شناخت نیازهای کاذب از نیازهای واقعی است، و چنین شناختی، بدون استمداد از وحی، حتی برای خردمندان ممکن نیست، و از سوی دیگر، تعیین حقوق جهانی برای بشر مبتنی بر وجود اصولی فراتر از دیدگاه انسان‌هاست؛ زیرا انسان‌ها به دلیل اختلاف علاقه‌ها، سلیقه‌ها، و آداب و رسوم نمی‌توانند به وحدت نظر برسند؛ بنابراین، به مرجع مشترکی که فراتر از قراردادهای دیدگاه بشری باشد نیاز است.

در بینش توحیدی، خداوند، هستی محض و مطلق است و همه عالم در هستی خود وابسته به اوست. علم خداوند به تمام هستی و ابعاد حیات آدمی، توانایی‌ها، نیازمندی‌ها و استعدادها، تام و کامل است، و تنها خداوند است که راه سعادت و مسیر کمال بشر را می‌داند و قادر به هدایت اوست. از این رو دین شامل حقوق بشر نیز می‌شود، به عبارت دیگر، حقوق بشر در قلمرو انتظار از دین قرار دارد.

فردگرایی غربی نیز با بینش اسلامی، ناسازگار و با بینش توحیدی در تعارض است؛ زیرا فردگرایان، جنبه مادی حیات و تمایلات بشری را اصیل می‌دانند و منکر هرگونه اقتدار برتر از انسان هستند، در صورتی که بنابر جهان‌بینی توحیدی، انسان در اصل هستی و تداوم حیاتش، به موجود برتر از خویش نیازمند است. درست است که انسان، فاعل افعال خویش و در برابر آن مسئول است، ولی فاعلیت وی افسارگسیخته نیست، بلکه در سلسله علل طولی به خداوند منتهی می‌شود. به دیگر سخن، فاعلیت انسان از نظر حدوث و بقا در گرو اراده ذات حق است و بدون آن، هیچ امری محقق نمی‌شود.

حقیقت این است که اومانیسم و فردگرایی در فلسفه ی غرب، به جای احترام، باعث فروکاهی شخصیت انسان شده است، چنان که استاد شهید مطهری می‌فرماید:

در فلسفه غرب سال‌هاست که انسان از ارزش و اعتبار افتاده... و تا حد یک ماشین تنزل کرده، روح و اصالت آن مورد انکار واقع شده است... از نظر برخی فلسفه‌های نیرومند غربی، انسان شیئی است که محرک او جز منافع اقتصادی نیست، دین و اخلاق و فلسفه و علم و ادبیات و هنر هم روبناهایی هستند که زیربنای آنها طرز تولید و پخش و تقسیم ثروت است.

گذشته از تعارض رویکرد اصالت انسان با جهان‌بینی توحیدی، نگرش مزبور با تفسیر متون دینی (قرآن و سنت) از انسان نیز، ناسازگار است. از دیدگاه قرآن کریم انسان فقط حیوان مادی نیست، بلکه موجودی است

برگزیده خداوند، مرکب از روح و جسم، دارای فطرتی خدا آشنا، امانت‌دار خدا، مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت، آشنا به خیر و شر، کمال‌پذیر، برخوردار از کرامت ذاتی، شایسته بهره‌مندی از نعمت‌های الهی و مسئول در برابر خداوند خویش.

اعتقاد به چنین مقام و منزلتی برای انسان با آنچه فردگرایان غرب و اومانیست‌ها به آن معتقدند، تفاوت بنیادین دارد، و تقدم انسان‌شناسی اسلام بر دیدگاه فردگرایان به خوبی مشخص می‌شود.

اما حقوق طبیعی‌ای که در بینش اومانیستی مطرح است - طبیعت بشر فارغ از پیوندش با موجودی فراتر (خداوند) خاستگاه حقوقی مطلق و بنیادی دارد - بدون تردید با بینش اسلامی در تعارض است؛ زیرا طبیعت انسان، به خودی خود و صرف نظر از اتصال و پیوند آن با خداوند و هدف‌مندی وی، نمی‌تواند به وجود آورنده حقی باشد. شهید مطهری در اینباره می‌فرماید:

از نظر ما حقوق طبیعی از آنجا پیدا شده است که دستگاه خلقت با روشن‌بینی و توجه به هدف، موجودات را به سوی کمالاتی که استعداد آنها را در وجودشان نهفته است، سوق می‌دهد. هر استعداد طبیعی منشأ یک حق طبیعی است... استعدادهای طبیعی مختلف‌اند. دستگاه خلقت هر نوع از انواع موجودات را در مداری مخصوص به خود قرار داده است و سعادت او را هم در این قرار داده که در مدار طبیعی خویش حرکت کند. دستگاه آفرینش در این کار خود هدف دارد....

به دیگر سخن در اسلام، آزادی بدون مسئولیت و در واقع حقوق بشر بدون الزامات و تکالیف وجود ندارد. این تفکر که انسان قطع نظر از پذیرفتن خداوند و عمل کردن به وظایف و مسئولیت‌های خلیفه‌اللهی بر روی زمین، از حقوق طبیعی یا ذاتی برخوردار باشد، به کلی با نگرش اسلامی بیگانه است. به این ترتیب، حقوق طبیعی در قرائت اومانیسم دوران مدرن، بر اساس مبانی اسلامی توجیه‌پذیر نیست. همچنین این مبنا که فقط قرارداد اجتماعی

موجد حق باشد نیز، پذیرفته نیست؛ چون از دیدگاه اسلام حقوق فطری بشر بر اساس حکمت الهی از سوی خداوند به انسان عنایت شده و هدف آن تحقق کمال انسانی است.

از آنچه گفته شد به خوبی روشن می‌شود که مبنای حقوق بشر غربی با تفسیر ویژه آن، با دیدگاه اسلام سازگاری ندارد؛ چراکه برخلاف رویکرد اومانیسم، از دیدگاه اسلام، خدامحوری مورد قبول است و خرد بشر در عرصه شناخت خودکفا نیست، بلکه محتاج هدایت الهی است. همچنین انسان فطرتاً هم محق است و هم مکلف، و مکلف بودنش با فردیت انسانی وی تنافی ندارد. منابع استنباط حقوق بشر در اسلام، قرآن، سنت و عقل است نه قرارداد اجتماعی، زیرا قرارداد اجتماعی؛ حق‌آفرین نیست و ایجاد استحقاق نمی‌کند. بشر در اصل وجود و تداوم حیاتش نیازمند وجودی مطلق و برتر است؛ کسی که خالق جهان و انسان است، حقیقت انسان، سعه وجودی، استعدادها و نیازها و مسیر سعادت و کمال او را می‌شناسد و می‌تواند او را به سوی سعادت هدایت کند؛ بنابراین، دیگران نه حق جعل حقوق برای انسان را دارند و نه می‌توانند حقوق متناسب با هویت انسان را بشناسند.

حقوق بشر از منظر اسلام به لحاظ کمی و کیفی بسیار گسترده، جامع و فراتر از اعلامیه جهانی حقوق بشر است. به نظر می‌رسد تفاوت‌های حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر غربی را به طور کلی می‌توان در سه مساله خلاصه کرد:

(۱) مبنا و منشأ حقوق: که بانیان اعلامیه معمولاً منشأ حقوق بشر را طبیعی می‌دانند و اسلام، آن را الهی می‌داند.

(۲) انسان‌شناسی: که بانیان اعلامیه در حقوق بشر به جنبه الهی، معنوی و اخروی بشر توجه ندارند و آن را دخالت نمی‌دهند و تنها برای زندگی دنیوی و اجتماعی و حل مشکلات دنیوی او برنامه‌ریزی می‌کنند، ولی اسلام به جنبه الهی، معنوی و اخروی انسان نیز در این امر عنایت دارد.

۳) برخی از اصول و فروع حقوق: یعنی این دو دیدگاه حقوقی در برخی از اصول و فروع با هم متفاوتند.

دلایل اتهام نقض حقوق بشر به ایران

از جمله سازوکارهایی که با جدیت برای فشارآفرینی بر کشورمان در دستور کار غرب قرار گرفته، مبحث «حقوق بشر» است.

باید به این نکته توجه داشت که این انتقادهای عمدتاً به دلایل سیاسی و بدون در نظر گرفتن حقوق واقعی بشر بر مبنای فطرت اصلی انسانها مطرح میشوند و آنها عمدتاً تعریف محدود و ضعیفی از حقوق بشر را که مبتنی بر نیازهای مادی است مبنای انتقادهای خود از کشورهای اسلامی به خصوص ایران قرار می‌دهند.

البته رفتارهای دوگانه غرب نیز در رابطه با حقوق بشر کاملاً آشکار است به گونه‌ای که هیچ اتهامی علیه عربستان و یا کشورهای دیگر که متحد سیاسی غرب به شمار می‌روند و به موازین جهانی حقوق بشر بی‌توجه هستند مطرح نمی‌شود، ولی ایران هدف اتهامات و انتقادات آنها قرار دارد. با توجه به مجال اندک در نوشتار حاضر این دلایل به صورت فهرستوار ارائه می‌شود:

۱- تضعیف ایمان و عقیده عمیق الهی با القای تصویر خشن و غیر عادلانه و نقض حقوق بشری از قوانین اسلامی در ایران که ام‌القرای اسلام ناب محسوب می‌شود؛

۲- مقابله با الهام‌بخشی انقلاب اسلامی برای هویت‌یابی مسلمانان و رویارویی با دشمنان مشترک به ویژه آمریکا و صهیونیسم؛

۳- بیگانگی از هویت اسلامی در زمینه حقوق بشر و جلوگیری از بازیابی هویت حقیقی و اسلامی ملت‌های مسلمان با صدور و گسترش تفکر و مبانی حقوق اسلامی از ایران؛

- ۴- رویارویی ایران اسلامی با منافع نظام سلطه و عدم همراهی با قدرت‌های بزرگ غربی؛
- ۵- پیش‌گیری از الگو شدن نظام جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی برای جوامع اسلامی و ملل آزاده جهان؛
- ۶- تلاش برای ناتوان‌نمایی اسلام و مردم‌سالاری دینی در اداره جامعه؛
- ۷- سیاه‌نمایی و معرفی چهره منفی و خشن و ضد بشری از نظام جمهوری اسلامی؛
- ۸- مبارزه با گرایش روزافزون در جهان به اسلام ناب از طریق الگوگیری از ایران اسلامی؛
- ۹- القای برتری‌طلبی و ایران‌هراسی در دنیا و منطقه؛
- ۱۰- ماهیت متفاوت مبانی و تعریف غرب و اسلام از حقوق بشر؛
- ۱۱- تضعیف تفکر مقاومت و امید به تغییر محاسبه در ایران تحت فشار دشمن؛
- ۱۲- القای عدم پیشرفت و تجدد در صورت حفظ هویت دینی و ملی.

کتابنامه:

۱. فلسفه حق در اندیشه سیاسی آیت‌الله مطهری - مجله علوم سیاسی - بهار ۱۳۸۰ - شماره ۱۳
۲. فقه سیاسی - عباسعلی عمید زنجانی
۳. فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۶
۴. مجله پژوهش‌های قرآنی - ش ۱۶، مقاله قرآن و حقوق انسان
۵. سایت تبیان
۶. باشگاه خبرنگاران
۷. خبرگزاری فارس

نقش آفرینی رهبری مذهبی در نهضت نفت

مهدی سعیدی

یکی از مهم‌ترین سرفصل‌ها و نقاط عطف تاریخ معاصر ایران زمین را می‌توان نهضت مبارزاتی ملت ایران برای ملی شدن صنعت نفت دانست. این حادثه تاریخی که حدود ۵۰ سال پیش با محوریت قطع دست استعمار پیر از طلای سیاه سرزمین‌مان شکل گرفت، درس‌ها و عبرت‌های فراوانی پیش روی امروز ما دارد که مروری بر آن می‌تواند چراغ راه امروزمان باشد.

سرآغاز نهضت ملی نفت

ماجرای نهضت نفت اینگونه آغاز شد که بعد از انتخابات مجلس شانزدهم در پاییز ۱۳۲۸ و بهار ۱۳۲۹، با تشکیل فراکسیون اقلیت «میلیون» به رهبری دکتر محمد مصدق، فرصت مناسبی برای طرح مطالبه دیرین خلع ید استعمار پیر انگلیس از ثروت ملی نفت و اوج‌گیری مبارزات استقلال‌خواهانه و ضداستعماری ملت ایران فراهم آمده بود.

سال ۱۳۲۹ در پی بازگشت آیت‌الله کاشانی از تبعید لبنان و استقبال پرشکوه مردم و گروه‌های سیاسی ملی، قیام عمومی علیه شرکت نفت انگلیس گسترش یافت. آیت‌الله کاشانی که در بهمن ۱۳۲۷ در ۷۰ سالگی با خشونت و ضرب و شتم، دستگیر و پس از مدتی حبس در قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد به لبنان تبعید شده بود، در اول بهمن ۱۳۲۷ طی اعلامیه شدیدالحنی خواستار «لغو امتیاز» نفت شده بود. وی در بیانیه‌ای از تبعیدگاه خود، علت واقعی بازداشت و تبعید خود را همین موضوع و اقدام علیه سیاست استعماری انگلیس ذکر کرد.

آیت‌الله کاشانی و «جبهه ملی» به رهبری دکتر مصدق در مجلس شورا و مطبوعات و اجتماعات مردمی، خواستار ملی شدن صنعت نفت شدند و این

خواسته مورد حمایت مردم و تنی چند از علمای برجسته نظیر آیت‌الله‌العظمی خوانساری (از مراجع ثلاث قم)، آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی و گروه کشیری از روحانیون فعال و مبارز قرار گرفت.

در این میان آنچه بیش از هر چیز در موفقیت ملت ایران نقش داشت و نمی‌توان بدون توجه به آن ماجرای نهضت نفت را تحلیل نمود، نقش رهبری مذهبی این ماجرا با پیشگامی حضرت آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره این نقش کلیدی می‌فرماید:

«مرحوم کاشانی کسی است که به کمک او دکتر مصدق و دیگر سران نهضت ملی شدن صنعت نفت توانستند حمایت مردم را به این حرکت جلب کنند؛ و الاً حمایت مردم جلب نمی‌شد. کسی مصدق را نمی‌شناخت؛ کسی معنای ملی شدن صنعت نفت را نمی‌دانست؛ توده‌های عظیم مردم که رأی و حضور و اقدام آنها در تحولات اجتماعی تعیین‌کننده است، در جریان وارد نبودند و برای آنها توضیح داده نشده بود. دستگاه دربار که مخالفت چیزفهمی مردم بود، خودش هم عامل دست انگلیسی‌ها بود. روشنفکران و سیاسیونی که جهت حرکتشان این بود، وسیله و راهی نداشتند و مردم به آنها اعتماد نمی‌کردند.

مرحوم آیت‌الله کاشانی وارد میدان شد. سابقه این مرد را، علما می‌شناختند و مردم ایران هم به او ارادت داشتند. او کسی بود که به وسیله قشون غاصب مداخله‌گر انگلیس در ایران، از کشور تبعید شده بود... وقتی که از تبعید به تهران برگشت، امواج احساسات و ارادت مردم نسبت به این روحانی مجاهد و مبارز، چنان توفانی به راه انداخت که همه دشمنان را پس زد و انگلیسی‌ها و دیگران حساب کار خود را کردند و فهمیدند که مبارزه با این عالم روحانی به جایی نخواهد رسید.» (۸۰/۸/۲۰)

آیت‌الله کاشانی به عنوان سمبل روحانیت سیاسی با درک موقعیت و اهمیت موضوع و ابتکار عمل، شعار ملی شدن نفت را از بین معدود نخبگان

سیاسی به سطح عمومی کشاند و به بسیج مردمی همت گماشت.

آیت‌الله کاشانی با یک اعلامیه، مردم را دعوت کرد تا برای ملی شدن صنعت نفت در اول دیماه در مسجد شاه (امام خمینی فعلی) اجتماع نمایند. در این اجتماع که به وسیله مجمع مسلمانان مجاهد، سازماندهی شد، آیت‌الله اعلام نمود: «برای استرداد نفت از دشمنان دیانت و مملکت و ملی نمودن نفت، سه بعدازظهر جمعه، اول دی (سیزدهم ربیع‌الاول) در مسجد شاه شرکت نمایند».

آیت‌الله کاشانی برای این که مدام روح مبارزه را در کالبد نهضتی که آغاز شده بود بدمد، مردم را مجدداً برای اجتماع روز هشتم دیماه در میدان بهارستان دعوت کرد. انتخاب میدان بهارستان برای این بود که هم حمایتی از نمایندگان جبهه ملی شده باشد و هم زنگ خطر را در گوش نمایندگان مخالف ملی شدن نفت به صدا درآورد. "حسنین هیکل" روزنامه‌نگار مصری که در آن ایام در ایران به سر می‌برده، آن روز عظیم را چنین توصیف می‌کند: «صدای آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی در تمام گوشه و کنار دنیا همچنین می‌پیچد: سگ‌های انگلیس! از کشور ما خارج شوید و نفت ما را رها کنید... سیل جمعیت از طریق خیابان‌هایی که به میدان بهارستان منتهی می‌شد، در حال فریاد و شعار دادن پیش می‌رفتند... جمعیت با جوش و خروش مانند امواج دریا و مانند قضا و قدر الهی به سوی پارلمان پیش می‌رفتند، ولی هنگامی که مردم به مقر پارلمان رسیدند، به ناگاه افراد پلیس که در بالای ساختمان مجلس بودند، مواضع خود را ترک کردند؛ زیرا طبق یک دستور از کاخ مرمر گفته می‌شد که در مقابل آیت‌الله مقاومت نکنید».

رزم‌آرا، نخست‌وزیر وابسته به انگلیس، به عنوان مخالف سرسخت ملی شدن صنعت نفت، این کار را غیرعملی خوانده، مردم را از خطرهای آن ترساند و در ۱۳ اسفند ۱۳۲۹ مخالفتش را با ملی شدن صنعت نفت، در جلسه کمیسیون نفت مجلس، تکرار کرد، تا آنجا که به دلیل اقتدار و موقعیت

ویژه‌اش به بزرگ‌ترین مانع تحقق خواست ملی مبدل شد. ولی او نیز نتوانست مانع اراده ملت شود و سرانجام سه روز بعد، در مسجد شاه، به ضرب گلولهٔ جوان غیور ملت ایران، "خلیل طهماسبی"، عضو گروه "فداییان اسلام" به قتل رسید.

فردای قتل رزم‌آرا، همه چیز برای تحقق ملی شدن صنعت نفت فراهم شده بود و مخالفان وابسته به سفارت انگلیس جرأت ابراز وجود نداشتند و اینگونه بود که در روز ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون نفت پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را تصویب و اعلام کرد و سرانجام چند روز بعد در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹، در پی تظاهرات عظیم مردم در خیابان‌ها، مجلس شورای ملی اصل ملی شدن صنعت نفت را تصویب نمود و در ۲۹ اسفند این اصل در مجلس سنا نیز به اتفاق آرا به تصویب رسید.

نخست‌وزیری مصدق

در روز ۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ کمیسیون نفت قانون ۹ ماده‌ای طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت را به اتفاق آرا تصویب کرد و نمایندگان مجلس نیز در روزهای بعد آن را تأیید نمودند. در این بین حسین علا که بعد از ترور رزم‌آرا نخست‌وزیر شده بود از سمت خود استعفا کرد. در این ایام در محافل سیاسی شایع شده بود که سیدضیاً به نخست‌وزیری خواهد رسید، اما ورق به نحوی دیگری رقم خورد و این مصدق بود که به پیشنهاد یکی از نمایندگان مجلس به عنوان نخست‌وزیر مطرح و با رای نمایندگان به عنوان نخست‌وزیر منتخب برگزیده شد.

در همین جا نیز بدون حمایت و تأیید آیت‌الله کاشانی که آن روز نمایندگی مردم را در مجلس شورای ملی بر دوش می‌کشید، امکان انتخاب مصدق با رأی بالا حمایت نداشت؛ چرا که به فرموده حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: «علی‌رغم این که محمدرضا موافق نخست‌وزیری مصدق نبود، به

پشتیبانی حمایت مردمی، مصدق نخست‌وزیر شد. اگر مرحوم آیت‌الله کاشانی این حمایت عظیم مردمی را برای مصدق به وجود نمی‌آورد، او نخست‌وزیر نمی‌شد.» (۸۰/۸/۲۰)

انتخاب مصدق به نخست‌وزیری گام مهم دیگری در نهضت استقلال‌طلبی ملت ایران بود. در این دوران نیز تمام آبرو و اعتبار آیت‌الله کاشانی صرف حمایت از دولت مصدق شد و به عبارتی مشروعیت مردمی دولت مصدق به اعتبار کاشانی اعتبار یافته بود.

آیت‌الله کاشانی نمایندگانی را برای روشنگری به شهرها می‌فرستاد و از روحانیون مناطق می‌خواست تا از نهضت نفت و دولت مصدق حمایت کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در آن روزگار دوران نوجوانی خود را سپری می‌کرد به نقش آیت‌الله کاشانی چنین اشاره می‌کند:

«زمان نوجوانی ما با اوقات مصدق مصادف بود. من یادم است در سال ۱۳۲۹، وقتی که مصدق، تازه روی کار آمده بود و مرحوم آیت‌الله کاشانی با او همکاری داشتند، مرحوم آیت‌الله کاشانی نقش زیادی در توجه مردم به شعارهای سیاسی دکتر مصدق داشتند؛ لذا کسانی را به شهرهای مختلف می‌فرستادند که برای مردم سخنرانی کنند و حرف بزنند. از جمله در مشهد، سخنران‌هایی می‌آمدند. من دو نفر از آن سخنران‌ها و سخنرانی‌هایشان را کاملاً یادم است؛ آنجا با مسائل مصدق آشنا شدیم.» (۷۶/۱۱/۱۴)

آیت‌الله کاشانی در این مسیر به واسطه اعتباری که در حوزه‌های علمیه داشت از حمایت همه‌جانبه علما و روحانیون بزرگ سراسر کشور برخوردار بود. به عنوان مثال آیت‌الله قمی رهبری آیت‌الله کاشانی را طی فتوایی تأیید کرد و آن را ملاک حقانیت لزوم ملی شدن نفت اعلام نمود و چنین نوشت: «با توجه به این که مثل حضرت آیت‌الله آقای حاج ابوالقاسم کاشانی دام ظلّه که از اول عمر و زندگانی خود اشتغال به اصلاح امور مسلمین و خیرخواهی مردم و مبارزه با دشمنان دین و دنیای مسلمین بوده‌اند و در مقام دفاع از

حقوق حقه ایرانیان از هیچ‌گونه فداکاری و مبارزه دریغ ننموده‌اند و با اطلاع کاملی که از سیاست دارند و در رأس این نهضت مقدس قرار گرفته‌اند و با کمال جدیت، امر و قیام می‌فرمایند بر ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور، راهی برای شبهه باقی نماند. بنابراین بر تمام مسلمین و هموطنان عزیز حتم و لازم است که نهایت سعی و کوشش را مبذول دارند تا گریبان خود را از چنگال جابرانه اجانب خلاص، و سعادت را نصیب خود نمایند.»

استعفای مصدق

انتخابات مجلس هفدهم در راه بود و دربار و وابستگی به سلطنت در کنار ایادی انگلیس و دیگر بیگانگان تلاش داشتند تا در این انتخابات با تسخیر مجلس دولت ملی را به سقوط بکشانند؛ بنابراین تلاش‌های سیاسی و اقدامات همه‌جانبه برای تسخیر مجلس هفدهم آغاز شده بود. به رغم همه محدودیت‌ها و زمینه‌ها و ریشه‌های تقلب و اعمال نفوذ، انتخابات به نحوی برگزار شد که همه نیروها در مجلس، نماینده داشتند.

در شهرهای بزرگ، جبهه ملی بیشتر کرسی‌ها را صاحب شد. در تهران که مجموع آرا دو برابر انتخابات پیشین بود، جبهه ملی همه دوازده کرسی را به دست آورد، اما در بیشتر حوزه‌های دیگر استان‌ها به ویژه نواحی روستایی، مخالفان موفق‌تر بودند. نتیجه انتخابات دوره هفدهم برخلاف انتظار دکتر مصدق بود. همه مخالفان دولت در مجلس شانزدهم که با دربار بستگی داشتند، از شهرستان‌ها انتخاب شده بودند.

پس از دو ماه کشمکش‌ها و درگیری‌های فراوان در مجلس بر سر تصویب اعتبارنامه‌های نمایندگان و رسمیت یافتن مجلس هفدهم، ۵۳ نفر از ۶۶ نماینده حاضر رأی تمایل به ادامه نخست‌وزیری دکتر مصدق دادند.

اما در این بین حادثه‌ای به وقوع پیوست که فضا را به یکباره دگرگون کرد. مصدق از مجلس تقاضای شش ماه اختیارات تام نموده بود، همچنین از

شاه خواست که «وزارت جنگ» را - با همهٔ اختیارات - به وی بسپارد، شاه نپذیرفت و مصدق روز ۲۵ تیر بدون اطلاع دوستان، همکاران، مشاوران یا وزیران کابینه استعفا کرد.

مصدق در استعفانامهٔ خود به این موضوع اشاره کرده بود که چون به وزیر جنگ مورد اعتمادی نیازمند بود و شاه هم فرد مورد نظر را نپذیرفت، استعفا می‌دهد تا اعلی‌حضرت فرد مورد اعتماد و مجری سیاست‌هایش را به نخست‌وزیری تعیین کند.

این اقدام بدون تدبیر مصدق نهضت را در آستانه شکست قرار داده بود. دکتر مصدق بعدها در «خاطرات و تألمات» می‌نویسد: «اکنون اعتراف می‌کنم که راجع به استعفا خطای بزرگی مرتکب شدم. چنانچه قوام‌السلطنه آن اعلامیه کذایی را نمی‌داد و با مخالفت صریح مردم مواجه نمی‌شد و دولت خود را تشکیل می‌داد و قبل از اینکه دادگاه (لاسه) اعلام رأی کند دولتین ایران و انگلیس روی این نظر که اختلاف در صلاح دولتین نیست دعوای خود را از دیوان لاهه پس می‌گرفتند و کار به نفع دولت انگلیس تمام می‌شد و زحمات هیأت نمایندگی ایران به هدر می‌رفت.»

قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱

در ۲۶ تیر ۱۳۳۱ مجلس در غیاب نمایندگان عضو «جبههٔ ملی» به نخست‌وزیری احمد قوام (قوام‌السلطنه) رأی تأمیل داد و شاه نیز فرمان نخست‌وزیری او را صادر کرد. شاه، در این فرمان، قوام را با لقب «جناب اشرف» مخاطب ساخته بود که به دنبال حوادث آذربایجان - عملاً - پس گرفته شده بود. قوام پس از دریافت فرمان، اعلامیهٔ شدیدالحن و تندی صادر کرد. دو تن از زیردستان قوام به سفارت انگلیس اطلاع داده بودند که او خیال دارد مثل یک دیکتاتور عمل کند و بسیاری از مخالفانش را به زندان بیندازد و مجلس را منحل سازد. «اعلامیهٔ قوام حاکی از قصد او بود، ولی به جای

ترساندن مخالفان، آنها را تحریک کرد. تعبیراتی چون «وای بر حال کسانی که در اقدامات مصلحانه من اخلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند یا نظم عمومی را بر هم زنند. اینگونه آشوبگران با شدیدترین عکس العمل از طرف من روبه‌رو خواهند شد» و یا «به عموم اخطار می‌کنم که دوره عصیان سپری شده است و روز اطاعت از اوامر و نواهی حکومت رسیده است»، مردم را خشمگین‌تر ساخت.

خبر انتصاب قوام و مخالفت قاطع آیت‌الله کاشانی، تهران را در ناآرامی و تظاهرات اعتراض‌آمیز فرو برد و از همان روز ۲۶ تیر بین مردم و قوای نظامی برخوردهای پراکنده‌ای رخ داد. وحدت و هماهنگی مردم در برابر دربار، که بازتابی از اتحاد رهبران مذهبی و سیاسی بود، برگ دیگری بر قهرمانی‌های مردم ایران افزود. روز ۲۶ تیر یک روز پس از استعفای مصدق، اعلامیه شدیدالحن و قاطع آیت‌الله کاشانی خطاب به ملت در مخالفت با قوام و حمایت از دولت دکتر مصدق انتشار یافت. در این اعلامیه که صلابت انقلابی و عزم ملی در آن بارز بود، چنین آمده بود: «احمد قوام باید بداند در سرزمینی که مردم رنج‌دیده آن، پس از سال‌ها رنج و تعب، شانه از زیر دیکتاتوری بیرون کشیده‌اند نباید رسماً اختناق افکار و عقاید را اعلام و مردم را به اعدام دسته جمعی تهدید نماید. من صراحتاً می‌گویم: بر عموم برادران مسلمان لازم است که در این جهاد اکبر کمر همت بربندند و برای آخرین مرتبه، به صاحبان سیاست استعمار ثابت کنند که تلاش آنها در به دست آوردن قدرت و سیطره گذشته محال است.»

در مقابل قوام پیشنهاد سازش داد و به کاشانی پیغام داد نیمی از پست‌های کابینه را در اختیار او قرار می‌دهد به شرطی که با دولت وی همکاری کند. اما پیام‌رسانان او - دکتر علی امینی و حسن ارسنجانی - از نزد آیت‌الله دست خالی بازگشتند. شاه وزیر دربار را با همان مأموریت نزد کاشانی فرستاد، اما او هم نتیجه‌ای نگرفت و اوضاع را بدتر کرد، چون کاشانی از

طریق علاء به شاه پیغام داد: «اگر در بازگشت دولت دکتر مصدق تا فردا اقدام نفرمایند دهانه تیز انقلاب را با جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهیم کرد.»

سرانجام با قیام همه‌جانبه مردم در ۳۰ تیرماه سال ۱۳۳۱ قوام استعفا کرد و گریخت. شاه هم، زیر فشار قیام مردم، مجدداً فرمان نخست‌وزیری دکتر مصدق را صادر کرد و مردم پیروزی قیام ۳۰ تیر را جشن گرفتند. در شب سی و یکم تیرماه خبر اعلام رأی دیوان داوری لاهه مبنی بر عدم صلاحیت آن دادگاه در رسیدگی به شکایت دولت بریتانیا راجع به مسأله نفت به تهران رسید و این رأی، که حقانیت مردم ایران را در مبارزه با استعمار به ثبوت می‌رساند، پیروزی مردم را تکمیل کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر نقش آیت‌الله کاشانی در بازگرداندن دوباره مصدق به قدرت چنین تاکید می‌ورزند:

«بعد در سال ۱۳۳۱ که ضد حمله دربار علیه مصدق شروع شد و او از نخست‌وزیری برکنار گردید، فقط یک عامل توانست مجدداً قدرت را به مصدق برگرداند و او مرحوم آیت‌الله کاشانی بود. اینها جزو واضحات تاریخ است؛ جزو حوادثی است که کسانی که آن روز بودند، دیده‌اند و از قضایای آن خبر دارند و به‌روشنی می‌دانند چه گذشته است؛ لیکن عده‌ای عمداً اینها را کتمان می‌کنند و نمی‌گذارند این حرف‌ها به گوش نسل حاضر برسد؛ که البته مقاصدشان معلوم است.

وقتی شاه، قوام‌السلطنه را به جای مصدق به نخست‌وزیری انتخاب کرد، مرحوم آیت‌الله کاشانی در مقابل قوام‌السلطنه اعلامیه داد؛ مردم کفن پوشیدند و در تهران و شهرهای دیگر به خیابان‌ها آمدند؛ لذا قوام‌السلطنه سه روز بیشتر نتوانست به عنوان نخست‌وزیر بماند. اصلاً مگر می‌شد در مقابل امواج عظیم مردم که آیت‌الله کاشانی راه انداخته بود، مقاومت کرد؟ لذا قوام‌السلطنه کنار رفت و دوباره مصدق بر سر کار آمد. انگلیسی‌ها نفت ایران

را ملک شخصی خود به حساب آورده بودند و ده‌ها سال استفاده غاصبانه می‌کردند و مال ملت ایران را تقریباً مفت می‌بردند و دربار سلطنت هم برای این که چهار روز بیشتر به حکومت ننگین خود ادامه دهد، با انگلیسی‌ها همکاری می‌کرد. اما این بساط را نهضت ملی شدن صنعت نفت به هم زد، که عامل و سرچشمه اصلی جوشش در این نهضت، همین مرد بزرگ و شجاع بود: مرحوم آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی. «(۸۰/۸/۲۰)

حرکت در مسیر اختلاف و شکست نهضت

اما متأسفانه مصدق بعد از انتخاب مجدد به عنوان نخست‌وزیر، خواسته یا ناخواسته بر مسیری گام نهاد که خواست دربار و بیگانگان تأمین می‌شد و نتیجه آن جز سقوط خود و نهضت ملت ایران نبود. این سناریو که توسط جریان‌های مشکوک و وابسته به بیگانه هدایت می‌شد بر مبنای ایجاد جدایی بین رهبران نهضت و به ویژه منزوی نمودن آیت‌الله کاشانی طراحی شده بود. به کارگیری افراد و اشخاص مشکوک و بدنام و بدسابقه توسط مصدق، حذف عناصر خوشنام و مورد اعتماد آیت‌الله کاشانی از قدرت، درخواست افزایش اختیارات نخست‌وزیر و تضعیف و کوتاه کردن دست مجلس از قانون‌گذاری به عنوان مهم‌ترین نهاد قانونی پشتوانه دولت مصدق و در گام بعد درخواست انحلال مجلس، نمونه‌هایی از اقدامات ناصوابی بود که دکتر مصدق در تضعیف نهضت ملی نفت انجام دارد.

این اقدامات که با مخالفت‌های جریان‌های مذهبی و در رأس آن آیت‌الله کاشانی همراه بود، زمینه کدورت و جدایی آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق را فراهم آورد.

کانون‌های توطئه‌گر نیز از این فضا سود می‌بردند. به عنوان مثال دکتر عبدالله شهبازی در این باره بیان می‌دارد: «طبق مندرجات بولتن "دکتر ویلبر"، که یک سند داخلی سیا است که اخیراً علنی شده، می‌دانیم که یکی

از طرح‌های سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا برای تشدید اختلاف، انداختن بمب به خانه علما به نام هواداران مصدق بود. در چارچوب این طرح است که در ۱۰ مرداد ۱۳۳۲ یعنی ۱۵ روز پیش از شروع عملیات، گروهی به نام هواداران مصدق با چوب و چماق به خانه کاشانی حمله کردند و نارنجکی به داخل خانه پرتاب نمودند که به مجروح شدن عده‌ای انجامید. شبکه‌های خرابکار فوق همچنین نامه‌هایی با امضای حزب توده برای علما، به ویژه آیت‌الله العظمی بروجردی، می‌فرستادند و آن‌ها را تهدید می‌کردند که به زودی ما قدرت را به دست خواهیم گرفت و شما را دار خواهیم زد.»

این همه کار را به آنجا کشاند که مردمی که در ۳۰ تیرماه سال ۱۳۳۱ آنچنان شجاعانه وارد صحنه دفاع از مصدق شده بودند، یک سال بعد در روز ۲۸ مردادماه سال ۱۳۳۲ با خانه‌نشین شدن و انزوای سیاسی آیت‌الله کاشانی توسط جریان‌های ملی‌گرا، تنها نظاره‌گر بی‌تفاوت صحنه سیاست باشند و برای دفاع از دولت ملی اقدامی ننمایند و این حقیقتی بود که ملی‌گرایان تا آن زمان به حقیقت آن پی نبرده بودند.

بررسی وضعیت تأسفبار و عبرت‌انگیز نهضت ملی نفت، توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است که در عبارات زیر بدان اشاره نموده‌اند:

«بخش بسیار مهم این ماجرا این است که الان عرض می‌کنم و این مطلبی است که می‌خواهم به خصوص جوانان ما به آن توجه کنند. دشمن فهمید که راز پیروزی ملت ایران چیست؛ لذا درصدد برآمد تا سیاسیون و سرمداران دولتی را از روحانیت و دین جدا کند. آنها را از آیت‌الله کاشانی جدا کردند و بینشان فاصله انداختند و متأسفانه موفق هم شدند. از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که مرحوم آیت‌الله کاشانی توانست ملت ایران را آن‌طور به صحنه بیاورد، تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که عوامل آمریکا در تهران توانستند مصدق را سرنگون و تمام بساط او را جمع کنند و مردم هیچ حرکتی از خود نشان

ندادند، یک سال و یک ماه بیشتر طول نکشید.

در این یک سال و یک ماه، با وساطت ایادی ضد استقلال این کشور و با توطئه دشمنان این ملت، دکتر مصدق مرتب فاصله خود را با آقای کاشانی زیاد کرد، تا این که مرحوم آیت‌الله کاشانی چند روز قبل از ماجرای ۲۸ مرداد نامه نوشت - همه این نامه‌ها موجود است - و گفت من می‌ترسم با این وضعی که دارید، علیه شما کودتا کنند و مشکلی به وجود آورند. دکتر مصدق گفت: من مستظهر به پشتیبانی مردم ایران هستم! اشتباه او همین جا بود.

ملت ایران را سرانگشت روحانیت - کسی مثل آیت‌الله کاشانی - وادار می‌کرد که صحنه‌ها را پُر کند و به میدان بیايد و جان خود را به خطر بیندازد. در ۲۸ مرداد که کاشانی منزوی و خانه‌نشین بود - و در واقع دولت مصدق او را منزوی و از خود جدا کرده بود - عدم حضور او در صحنه موجب شد که مردم نیز در صحنه حضور نداشته باشند؛ لذا کودتاجی‌های مأمور مستقیم آمریکا توانستند بیايند و به راحتی بخشی از ارتش را به تصرف درآورند و کودتا کنند. یک مشت اوباش و الواط تهران را هم راه انداختند و مصدق را سرنگون کردند. پس از آن، دیکتاتوری محمدرضاشاهی به وجود آمد که بیست و پنج سال این ملت زیر چکمه‌های دیکتاتوری او لگدمال شد و ملی شدن صنعت نفت هم در واقع هیچ و پوچ گردید؛ چون همان نفت را به کنسرسیومی دادند که آمریکایی‌ها طراحی آن را کردند. هرچه دشمن خواست، همان شد؛ به خاطر جدا شدن از روحانیت و دین. اینها عبرت است.» (۸/۸/۲۰)

جمع‌بندی

نگاه عبرت‌آموز به حوادث تاریخی، ضرورتی است که می‌تواند مانع تکرار اشتباهات و خطاهای گذشته و شناخت نقاط قوت و توانمندی‌های یک ملت شود. نهضت ملی نفت، حرکتی بود که می‌توانست دستاوردهای بزرگی را

برای ایران زمین به همراه داشته باشد که متأسفانه با خطاهای فاحش انقلابیون و مکر و ترفند دشمنان، نهضت با حاکمیت رژیم کودتا به اتمام رسید و در صدر این خطاهای فاحش، حذف رهبر واقعی نهضت بود.

این خطای فاحش برخاسته از تحلیلی نادرست و برداشتی انحرافی از ماهیت جامعه ایران و نهضت مبارزاتی ملت بود که در آن تأکید بر اسلام و آموزه‌های دینی، کم‌رنگ دیده می‌شد و تلاش داشت تا با عنوان مجعول و محدودی چون "ملی‌گرایی" تحلیل شود. این در حالی بود که به اعتراف تمامی کارشناسان و محققان منصف، این رهبری مذهبی و در راس آن پیشوایی آیت‌الله کاشانی بود که موضوع ملی شدن صنعت نفت را به یک جنبش اجتماعی و نهضت مردمی مبدل نمود و اگر رهبری و هدایت ایشان نبود، نهضت در همان مراحل ابتدایی شکل‌گیری ناکام می‌ماند.

این عبارت دقیق حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌تواند پایان‌بخش این نوشتار باشد:

«تا وقتی روحانیت وسط میدان بود - که مرحوم آیت‌الله کاشانی یکی از اصلی‌ترین محورهای این مبارزه بود - ملت در میدان حضور داشت، اما وقتی با سوءرفتارها، کج‌سلیقگی‌ها و انحصارطلبی‌ها دست روحانی روشنفکر و آگاه و شجاعی مثل مرحوم کاشانی کوتاه شد، ملت هم کنار کشید و رؤسای دولت نهضت ملی تنها ماندند؛ لذا دشمن آمد و با آنها هر کار می‌خواست، کرد.» (۸۱/۳/۱۴)

بررسی نقش و ضرورت حضور هادیان سیاسی در فضای مجازی

رمضان شعبانی سارویی

چکیده:

امروزه با وقوع انقلاب اطلاعاتی و ایجاد جغرافیای مجازی؛ پیدایش اجتماعات مجازی، اطلاع‌رسانی، و تبادل اطلاعات و نظرات از شناخته‌شده‌ترین کارکردهای فضاهای مجازی به شمار می‌آیند. در چنین وضعیتی، فضای مجازی به عنوان یک فضای اندیشه پویا و سازمان‌یافته عمل می‌کند که کارکردهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای را برای نظام‌های سیاسی در بردارد. فضایی که به صورت یکپارچه در نظر گرفته می‌شود و از ویژگی‌هایی چون بی‌مکانی، فرا زمانی، صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی، قابل دسترسی بودن همزمان، روی فضا بودن و برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و نیز آزادی از هویت است. همین واقعیت‌های مجازی است که ظرفیت‌ها و چالش‌های گسترده‌ای را می‌تواند برای یک جامعه به وجود آورد.

در نظام جمهوری اسلامی که برخاسته از یک انقلاب فرهنگی بوده و دارای پیام الهی برای همه ملت‌هاست، و از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز آماج حمله‌های سخت و نرم نظام سلطه بوده، استفاده از میدان فضای مجازی، یکی از عرصه‌های نوین و گسترده هم‌اوردی است که می‌تواند نقش دوسویه تهدید- فرصت را ایجاد نماید. هم‌زادی فضای مجازی در کشور و هادیان سیاسی در بسیج در دو دهه گذشته، تأملاتی را در شرایط کنونی ایجاد نموده است. این مقاله تلاش دارد مناسبات هادیان سیاسی و فضای مجازی را بررسی و تحلیل کند.

کلید واژه‌ها:

فضای اطلاعات، فضای مجازی، جامعه مجازی، هادیان سیاسی

مقدمه

در تاریخ تمدن جهان، بشریت شاهد نقطه عطف‌هایی بوده که چهره دنیا را عوض کرده است. یکی از این نقاط، اختراع ماشین چاپ بود. گام دیگر در این زمینه اختراع تلگراف بود که دور را نزدیک کرد و به تعبیر شهید مطهری «اگر تلگراف نبود، معلوم نبود که میرزای شیرازی می‌توانست پیام خود در قضیه تحریم تنباکو را از سامرا به ایران برساند». همچنین با پیدایش اینترنت و فضای مجازی دنیا وارد مرحله جدیدی شد. واقعیت این است که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، فضایی را به وجود آورده که «جامعه اطلاعاتی» در آن شکل گرفته و جامعه را به سوی ساختاری دانش‌بنیان پیش می‌برد. این فضا تمام ساحت‌های حیات بشری را دچار تحولاتی عمیق ساخته است. در نتیجه اطلاعات و ارتباطات دو شاخص و عنصر مهم در عصر اطلاعات محسوب می‌شود که در بر گیرنده سه گستره بنیادین «فضای اطلاعات»، «فضای سایبر» و «فضای اندیشه» است.

گسترش روزافزون فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، نظیر شبکه‌های ماهواره‌ای، تلفن همراه و اینترنت و نیز تأثیر آن بر ساختارها و مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه، باعث شده است تا بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران، همچون «مانوئل کاستلز» از پدیده‌ای به نام «جامعه شبکه‌ای» در دوره معاصر یاد کنند. در عرصه فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان نسل پیشرفته‌ای از رسانه‌های اجتماعی در محیط وب ۲، امکانات تعاملی قابل توجهی برای کاربران اینترنتی فراهم آورده‌اند. این شبکه‌ها علاوه بر ارائه خدمات به کاربران خود، رسانه‌هایی هستند که به راحتی می‌توانند به سیستم‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

کشورها آسیب جدی وارد کنند و محیط امنیتی کشورها را با چالش‌های جدی روبه‌رو سازند و در بلند مدت باورهای مذهبی و هنجارهای جامعه را کم‌رنگ و در نهایت جامعه را با استحاله فرهنگی مواجه کنند.

در چنین فضایی، «جبهه انقلاب اسلامی» که در صدد تغییر نظم مسلط استکباری در دنیا به سمت نظامی جدید بر پایه مردم‌سالاری دینی است و در مقابل نیز، «جبهه استکبار» جبهه فرهنگی سیاسی تقابل با انقلاب اسلامی را شکل داده است، مهم‌ترین آوردگاه و محل منازعه در گستره‌ای وسیع، عرصه «فضای مجازی» است.

یکی از بسترهای رساندن پیام انقلاب و مقابله با پیام‌های دشمنان انقلاب اسلامی در جهان امروز، عرصه فضای مجازی است. در تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، جملاتی مانند: امروز در یک «سونامی اطلاعات» قرار داریم. و نیز فرمودند: «این حوزه به اندازه انقلاب اسلامی اهمیت دارد». و یا در مقام تشبیه فرمودند: «این فضا مثل یک رودخانه پر از آب و خروشان است که می‌آید و دائماً هم بر آب آن افزوده و خروشان‌تر می‌شود. اگر ما برای این رودخانه تدبیر کنیم و برنامه داشته باشیم، زهکشی و هدایت کنیم این رودخانه را تا به سد بریزد، می‌شود فرصت. اگر رهايش کنیم و برنامه‌ای برای آن نداشته باشیم، می‌شود یک تهدید» (شاه کرمی، روزنامه جوان، ۱۳۹۲). همگی این نکات حکایت از اهمیت این فضا و دستور راهبردی رهبری در تأسیس شورای عالی فضای مجازی در کشور برای ساماندهی این حوزه است.

با این توصیف، مهم‌ترین ضرورت نظری و کاربردی از سوی هادیان سیاسی به عنوان یک نهاد سیاسی فرهنگی از بسیج که نقش و رسالت توسعه شبکه‌های اجتماعی و عمق‌بخشی داخلی و خارجی انقلاب اسلامی را عهده‌دار است عبارتند از:

۱- با تبیین و تحلیل علمی فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و

قابلیت‌ها و توانایی‌های این فضا به بخشی از انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری در امر مهندسی و مدیریت فرهنگی فضای مجازی پاسخ داده می‌شود.

۲- در مواجهه با جنگ نرم دشمن با بهره‌گیری از شناخت حاصل از فضای مجازی می‌توان با توفیق بیشتر عمل کرد. از آنجا که نهادهای فرهنگی به ویژه بسیج با بهره‌گیری از رویکرد نرم در صدد پاسداری از انقلاب و نظام اسلامی هستند، این مطالعه امکان مقدماتی مهندسی فرهنگی و تهیه پیوست فرهنگی فضای مجازی را فراهم می‌نماید.

۳- از سوی دیگر با توجه به اینکه امروزه فضای مجازی کارکردهای مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ارتباطاتی دارد و از سوی دیگر فلسفه وجودی بسیج بر پایه مقابله با تهدیدهای انقلاب اسلامی و عمق بخشی فرهنگی است، این مأموریت ما را وادار می‌دارد تا اولاً با ارائه معیارهای تبیینی از فضای مجازی، همواره برآوردی دقیق از وضعیت آن نماییم، ثانیاً تخمین و پیش‌بینی درستی از اوضاع فضای مجازی داشته باشیم و ثالثاً با موضع فعال نسبت به تصمیم‌های اجرایی نظام، و موضع‌گیری مناسب در عرصه تعاملات اجتماعی و عملیات جبهه فرهنگی انقلاب، با رویکرد فرصت ساز و حضور فعال در فضای مجازی، نظام اسلامی را از تهدیدهای احتمالی آن مصون‌سازی نماییم.

بر این اساس و با توجه به رسالت قانونی شبکه هادیان سیاسی در بسیج در فزایی گسترده بیست میلیون بسیجی در سراسر کشور و ضرورت بهره‌گیری از روش‌های نوین در این عرصه، این نوشتار در صدد تبیین مناسبات هادیان سیاسی و فضای مجازی است. روش نوشتار حاضر برای درک و تبیین نقش هادیان سیاسی در فضای مجازی، بهره‌گیری از رویکرد توصیفی تحلیلی است و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است.

بنابراین سؤال اصلی این مقاله این است که نسبت «هادیان سیاسی» و «فضای مجازی» چیست؟

برای پاسخگویی به این سؤال، سؤال‌های فرعی زیر طرح می‌شود:

۱. فضای مجازی چیست و با چه ویژگی‌ها و خصوصیات شناخته می‌شود؟

۲. وضعیت دشمن و خودی در فضای مجازی چگونه است؟

۳. شبکه هادیان سیاسی چیست و دارای چه کارکردهایی است؟

۴. نسبت هادیان سیاسی و فضای مجازی چگونه است؟

۵. نقش و رسالت هادیان سیاسی در فضای مجازی چیست؟

الف) مفهوم‌شناسی

در تعریف مفاهیم و واژگان اصلی، مهم‌ترین مفاهیم کاربردی در این مقاله عبارتند از :

۱- **فضای مجازی:** فضایی است که از ترکیب صدها هزار رایانه تحت شبکه‌های ارتباطی ایجاد شده و در آن سامانه‌های بسیاری به وجود آمده که با تعامل با یکدیگر عمل می‌نمایند. اینترنت به عنوان بزرگ‌ترین شبکه در فضای سایبر است. امروزه بیشتر زیر ساخت‌های کشورهای در قالب این فضا تعریف می‌شوند.

۲- **جامعه شبکه‌ای:** نوع تازه‌ای از سازمان و تشکیلات است که به تدریج و بر دیگر سازمان‌ها و تشکیلات سلطه پیدا کرده است و نقش محوری در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید در قرن معاصر دارد. در فضای متکی به واقعیت مجازی، بازیگران جنبش‌های اجتماعی، از رسانه‌های حامل نهادها به صورت تمام‌عیار بهره‌برداری می‌کنند. انتقال آنی اطلاعات و داده‌ها، فواصل زمانی را از میان برداشته و نظم طبیعی حاکم را به کلی دگرگون می‌سازد و فعالان این جنبش‌ها را در دستیابی به مقاصدشان یاری می‌رساند.

۳- شبکه اجتماعی مجازی: شبکه‌ای تشکیل شده از «افراد» و «روابط» بین آنهاست. جنس این روابط و وابستگی‌ها، دوستی، تجارت و علایق یا آرمان‌های مشترک در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد؛ اگر این شبکه‌ها در فضای سایبر و اینترنت فعالیت نمایند شبکه اجتماعی مجازی نامیده می‌شوند. این شبکه‌ها می‌توانند بدون محدودیت گسترش پیدا کنند. ضمن اینکه شبکه‌های کوچک‌تر و زیرشبکه‌ها می‌توانند به صورت زنجیروار به هم متصل شوند. به عبارت دیگر شبکه اجتماعی مجازی مجموعه‌ای از وبسایت‌هایی است که به کاربران امکان می‌دهد، علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند.

۴- رسانه‌های اجتماعی: به مجموعه سایت‌ها و ابزارهایی اطلاق می‌شود که در فضای ایجادشده به وسیله رسانه‌های نوین از قبیل شبکه‌های ارتباطی، اینترنت و تلفن‌های همراه، متولد شده و رشد پیدا کرده‌اند. رسانه‌های اجتماعی شامل: پخش اینترنتی، تالارهای گفتگو، وبلاگ‌ها، تلفن همراه و پیامک، خود ویرایشگران (ویکی‌ها)، آر اس اس Rss، میکرو بلاگ، و شبکه‌های اجتماعی هستند.

۵- هادیان سیاسی: شبکه‌ای متشکل از نیروهای علاقه‌مند و فهیم سیاسی که با داشتن روحیه انقلابی، معرفت اسلامی و بصیرت و هوشمندی سیاسی، که با تجزیه و تحلیل مستمر مسائل سیاسی برای نیروهای بسیجی در سراسر کشور، در صدد پاسداری نرم از انقلاب و نظام اسلامی است.

ب) چارچوب نظری

نکته اول: فضای مجازی چیست و با چه ویژگی‌ها و خصوصیاتش شناخته می‌شود؟

فضای مجازی، مکان‌های مجازی به شمار می‌روند که در آنها افراد با

یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و این ارتباط از طریق فناوری‌های اینترنتی ممکن شده است. فضای مجازی نه تنها زیرساختِ ابزاریِ ارتباطاتِ دیجیتالی است که اقیانوس اطلاعاتی است که انسان‌ها در آن زیرساخت‌ها را کنترل کرده و توسعه می‌دهند. اینترنت به علت داشتن ویژگی‌های خاص در مقایسه با دیگر وسایل ارتباط جمعی، به عنوان حوزه عمومی مجازی تلقی می‌شود.

مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های فضای مجازی عبارتند از: هویت واقعی‌تر شدن، به اشتراک‌گذاری و یادگیری هر چه سریع‌تر اطلاعات، بسیج‌کنندگی و سازماندهی افراد در محیط واقعی یا در محیط مجازی (کمپین)، تعمیق دوستی‌ها، قابلیت اعتماد، شکل‌گیری حلقه‌های مخاطبان، قدرت کندوسازی و قابلیت لینک‌دهی، استناد و تعمیم به فیلم، عکس و صدا، استفاده از چند رسانه‌ای‌ها (فیلم، صوت، عکس، انیمیشن، متن و گرافیک و لینک)، ادغام فناوری‌های وب ۲، پرستیژ اجتماعی، قابلیت گپ یا چت کردن، نقد بی‌رحمانه حاکمیت و سیاستمداران، دنبال کردن و دنبال شدن، باز انتشار اخبار، خرد جمعی، جهانی بودن (حذف مرزهای زبانی)، سرگرمی، شوخی و سرکار گذاشتن افراد، سفارشی شدن محتوا، جستجو شدن، اطلاع‌رسانی و خبررسانی، رسانه نسل جوان، رسانه جایگزین، ترکیب با تلفن همراه، شفاف شدن بیش از گذشته، ابتکار و خلاقیت، ساختار دموکراتیک، قدرت سرمایه اجتماعی، تحرک اجتماعی، ارتباطات غیر رسمی است.

در این عرصه باید اذعان داشت که ابزارهای مهم فضای مجازی عبارتند از:

۱. خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری؛

۲. وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌ها؛

۳. سایت‌های به اشتراک گذاری؛

۴. مسنجر؛

۵. تالارها و انجمن‌های گفتگو؛

۶. سرویس‌های ایمیل؛

۷. گروه‌های مجازی؛

۸. شبکه‌های اجتماعی.

نکته دوم: وضعیت دشمن و خودی در فضای مجازی چگونه است؟

۱- وضعیت دشمن در فضای مجازی و بررسی تهدیدهای

شبکه‌های اجتماعی مجازی

برخی راهبردشناس‌ها، حوزه مجازی را پنجمین حوزه از نبرد می‌دانند. تحلیل‌گران نظامی، حوزه مجازی را به عنوان یک دامنه جدید در حوزه جنگ به رسمیت شناخته‌اند که اهمیت آن در حال حاضر در حال فزونی گرفتن از سایر حوزه‌هاست.

امروزه در تئوری‌های نظری اندیشمندان غربی از جمله یورگن هابرماس اندیشمند آلمانی، اینترنت طلایه‌دار جنبش‌های نوین اجتماعی است. او می‌گوید: می‌توان از اینترنت برای توانمندسازی جنبش‌های مدنی، اجتماعی و سیاسی استفاده کرد. اینترنت ابزار پیشبرد دموکراسی امریکایی در ایران و دیگر کشورهاست. سازماندهی از طریق اینترنت به صورت ابزاری برای پیشبرد دموکراسی و توانا ساختن شهروندان به اعتراض بر ضد نتایج مشکوک انتخابات است.

ایالات متحده آمریکا به عنوان حامی و پدیدآورنده آنها، ابزار جدیدی را به منظور تهدیدزایی در قبال کشورهای مخالف خود یافت. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که با سیاست‌های هژمونیک‌گرایانه و تقابلی آمریکا هم‌راستا نبوده است، هدف این شبکه‌ها قرار گرفته است.

همچنین شبکه‌های مجازی در راهبردهای امنیت ملی آمریکا جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند، به طوری که از آن به عنوان ابزار نوین قدرت نرم آمریکا سخن گفته‌اند. در نهایت این شبکه‌ها به دلیل وضعیت پیچیده جغرافیای

مجازی به صورت فضای اندیشه‌ای در خدمت راهبرد ملی آمریکا قرار می‌گیرند و نقش تهدیدزا را ایفا می‌کنند. در این جهت، شبکه‌های اجتماعی مجازی آمریکا به ویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران بر اساس شاخص‌های تقابلی ایالات متحده در حوزه شبکه‌سازی گروه‌های هم‌راستا، ایجاد جنبش‌های اجتماعی و خبرنگاری خیابانی اقدام کردند که در هر یک از این حوزه‌ها، شبکه‌هایی نظیر توئیتر، فیس‌بوک و مای اسپیس پررنگ‌تر می‌نمود. هر یک از این شبکه‌ها با تقسیم وظایف به نوعی فضای اندیشه‌ای در فضای ملتهب پس از انتخابات را پیش بردند و در نهایت در خدمت راهبرد تهدید ایران قرار گرفتند.

شبکه‌سازی یکی از فرآیندهای اصلی در طراحی و مدیریت موفق راهبرد براندازی نرم آمریکا در قبال کشورهای مسلمان است. براندازی نرم که با عباراتی همچون نافرمانی مدنی در تشکل‌های دانشجویی، حمایت از فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی و پیوستن به جنبش‌های مدنی از آن یاد شده، از مدت‌ها پیش به طور جدی در دستور کار این کشور قرار گرفته است. اما اینگونه از مبارزه‌ها نیاز به تدوین و تئوریزه کردن داشت که این وظیفه را «جین شارب» - تئوریسین مبارزه‌های خشونت پرهیز - به خوبی برعهده گرفت. به نظر شارب تمامی جوامع در گذار جبری به سوی دموکراسی هستند و او توصیه می‌کند که بهترین راه برای این گذار، به کار بردن مبارزه‌های خشونت پرهیز و نافرمانی مدنی است.

از سوی دیگر در دنیا بالغ بر دو میلیارد سایت و وبلاگ وجود دارد که همه آنها بر سرورهایی سوار هستند و عمده این سرورها در کشورهای غربی به ویژه در آمریکا قرار دارند. وقتی ما سندی را در این فضا منتشر می‌کنیم قبل از اینکه به وسیله کاربر دیده شود توسط مدیران سرورها مشاهده می‌شود و یا در مسنجر قبل از اینکه نوشته شما به دوست‌تان برسد در سایت

ارائه‌دهنده مسنجر خوانده می‌شود. از این لحاظ بزرگ‌ترین سرویس‌های وبلاگی در اختیار دشمن است.

شاهرگ اینترنت در دستان سردمداران (صهیونیست‌ها) است و اگر منافعشان در خطر بیفتد می‌توانند بخش عظیمی از مردم دنیا از جمله ایران را از دسترسی به آن محروم نمایند. در حوزه سرویس‌های پیام‌نگار به جرأت می‌توان گفت تمامی سرویس‌دهنده‌های این ابزار دست غربی‌هاست. بزرگ‌ترین شبکه‌های اجتماعی از جمله فیس‌بوک با ۵۰۰ میلیون کاربر و توییتر با ۲۵۰ میلیون کاربر متعلق به آمریکاست. بزرگ‌ترین خبرگزاری‌های دنیا متعلق به غربی‌ها و عمدتاً وابسته به صهیونیست‌هاست. در سال ۲۰۱۰ فقط آمریکا مبلغ ۳۵۰ میلیون دلار برای مدیریت جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران هزینه کرده است که نمونه آن در فتنه ۸۸ بود.

چرخه هدایت افکار عمومی (براندازی نرم) در فعالیتهای سازمانی غرب در فضای مجازی شامل موارد زیر است:

۱. شبکه بررسی و طرح‌ریزی (اتاق فکر)؛

۲. شبکه جمع‌آوری و تولید محتوا؛

۳. شبکه توزیع و بازانتشار؛

۴. شبکه عملیات و اقدام؛

۵. شبکه پشتیبانی، ایجاد امنیت و دسترسی آزاد.

با این شرح، چگونگی تأثیر فضای مجازی بر مؤلفه‌های امنیت اجتماعی جامعه دینی ایران شامل: مخدوش نمودن هویت ملی و جایگزینی هویت جهانی به جای آن؛ تضعیف ارتباطات اجتماعی در فضای حقیقی؛ توسعه فضای بی‌اعتمادی از طریق پخش شایعات؛ تحلیل علایق مخاطبان و طراحی سناریوهای مقابله اجتماعی و گسترش جنگ نرم؛ توسعه پدیده ایران‌گریزی (فرار مغزها، منابع و سرمایه‌ها)؛ جذب افراد آسیب‌پذیر به جریان‌های غالب؛

مخدوش نمودن امنیت اقتصادی به دلیل فقدان سیستم کنترل مالکیت معنوی؛ مخدوش نمودن چهره بین‌المللی نظام و کشور؛ تضعیف عقاید مذهبی از طریق گسترش شبهات در جامعه؛ ترویج فرهنگ‌های مختلف در جامعه (همچون فرهنگ فمینیسمی) و شکاف بین نسلی به دلیل عدم توازن سنی کاربران است.

فضای مجازی چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی در ابعاد زیر فراهم می‌کند که عبارتند از:

(الف) ابعاد فرهنگی: شامل فضایی برای انتقال و انتشار هنجارهای ارزشی و اخلاقی بیگانه در جامعه، بسترسازی برای تهاجم فرهنگی، چالش‌های انتقادی ستیزه‌جویانه در مباحث اعتقادی و اخلاقی و ایجاد محرک‌های قومی برای تبادلات فرهنگی غیر قابل کنترل است.

(ب) ابعاد اجتماعی: شامل مرکز ارتباطات نامتعارف بین قشر جوان، وقوع جرایم رایانه‌ای و اینترنتی، گسست بین نسلی، انحرافات اخلاقی و فردی، پنهان‌سازی هویت، ایجاد مطالبات جدید اجتماعی، تهدید بنیان خانواده‌ها، تغییر نقش‌های اجتماعی، اعتیاد اینترنتی و شکل‌گیری حوزه فرهنگ‌های مجازی است.

(پ) ابعاد سیاسی: شامل ایجاد گروه‌های سیاسی مجازی، اختلال در روند کنترل جریان اطلاع‌رسانی، انتقال مستقیم اندیشه‌ها و دیدگاه‌های جریان معاند به داخل، ایجاد گروه‌های فشار ذی‌نفوذ مجازی، ایجاد مطالبات جدید سیاسی و دموکراسی دیجیتال است.

(ت) ابعاد بین‌المللی: شامل کانون ورود بازیگران جدید به عرصه مناسبات بین‌المللی، افزایش فشارهای بین‌المللی به کشور، افزایش ضریب نفوذ جریان‌های بین‌المللی، افزایش همگرایی گروه‌های داخلی و همفکر و کاهش نفوذ رسانه‌های ملی و داخلی است.

ث) ابعاد امنیتی - اطلاعاتی: شامل فضایی برای دعوت به تشکیل تجمعات و اجتماعات، ارتباط با گروه‌های برانداز و معاند، جاسوسی مجازی، انتقال و انتشار اطلاعات طبقه‌بندی شده بر روی اینترنت، جایگزینی رسانه‌ای، کاهش اقتدار سیستم امنیتی - اطلاعاتی کشور، ظهور مکانیسم‌های جدید شایعه‌سازی و آموزش‌های مخرب از جمله تروریسم، مواد مخدر و گروه‌های ضاله است.

۲- بررسی وضعیت خودی در فضای مجازی

در عصری که اطلاعات مبنای قدرت است و هر کس اطلاعات بیشتر داشته باشد دارای قدرت بیشتری است، سرچشمه اطلاعات نیز در رسانه‌های دیجیتال نهفته است. حال که شرایط به گونه‌ای شده است که خواسته یا ناخواسته به قرن بیست و یکم و عصر فراصنعتی پرتاب شده‌ایم، پس بهتر است به ابزار و وسایل زندگی در این قرن مجهز باشیم. در اختیار داشتن فناوری‌های نوین و رسانه‌های مجازی جدید یکی از مهم‌ترین ابزارهای زندگی در این دوران عجیب و پرتلاطم است.

در شرایط فعلی وجود بیش از ۱۸ میلیون کاربر اینترنت، ضریب نفوذ ۲۷ درصدی اینترنت، ثبت بیش از ۱۰ میلیون وبلاگ فارسی، استفاده حدود ۱۴ میلیون کاربر تلفن همراه از سرویس‌های gprs و حدود ۴ میلیون کاربر از اینترنت پرسرعت، گوشه‌های از حضور پررنگ اینترنت در زندگی ایرانیان است. گشت‌وگذار در فضای مجازی به بخشی اجتناب‌ناپذیر از زندگی افراد به ویژه جوانان و نوجوانان تبدیل شده است. با این همه، ایران چهارمین قدرت سایبری جهان است و البته می‌تواند از این هم جلوتر رود و قدرت ایران را در فضای جهانی به منصفه حضور رساند.

در بررسی چرایی ضعف تشکیل شبکه‌های مجازی در حوزه خودی موارد زیر قابل توجه است:

- جدی نگرفتن جنگ نرم و لیبیک نگفتن به فرمان ولی امر؛
- پنجره‌های باز دنیا به روی کشور ما و بسته بودن پنجره‌های کشور ما به سوی دنیا؛

- ضعف آگاهی نسبت به آسیب‌ها و تهدیدهای فضای مجازی؛
- عدم به کارگیری جدی شبکه‌های اجتماعی موجود در جامعه (مسجدها، هیأت‌ها، تکیه‌ها).

مهم‌ترین آسیب‌های عملکرد جبهه خودی در خصوص فضای مجازی عبارتند از:

- ضعف ستاد فرماندهی قرارگاه سایبری کشور؛
- ضعف اجرای پارتیزانی عملیات‌های محتوایی در فضای وب فارسی؛
- عدم وجود نمایه کلی از امکانات و توانمندی‌ها و راهبردهای دشمن در صحنه؛

- ضعف شناخت، ساماندهی، سازماندهی و آموزش نیروهای خودی؛
- ضعف تمرکز بر شناخت روش عملیات در صحنه دشمن؛
- عدم استفاده از همه ظرفیت‌های داخل کشور.

گام سوم: هادیان سیاسی چیست و دارای چه کارکردهایی است؟

شبکه هادیان سیاسی عبارت است از مجموعه‌ای هدفمند، سازمان‌یافته، مرتبط، منسجم و هماهنگ از نیروهای متعهد و توانمند، که برای نیل به هدف ارتقای آگاهی، بینش، بصیرت و هدایت سیاسی آحاد جامعه ۲۰ میلیونی بسیج سازماندهی و به کارگیری می‌شود.

مهم‌ترین اصول حاکم بر فعالیت هادیان سیاسی عبارتند از:

۱. اصل خردورزی و بصیرت‌افزایی؛
۲. اصل تدین، ولایت‌مداری و روحیه جهادی و انقلابی؛
۳. اصل تقدم تزکیه بر تعلیم؛

۴. اصل تربیت محوری و معنویت افزایی؛
۵. اصل منزلت و عزت ورزی؛
۶. اصل الگودهی و اسوه پروری؛
۷. اصل نخبه پروری و کادرسازی؛
۸. اصل هدایت و راهنمایی؛
۹. اصل مشارکت و مشاورت پذیری؛
۱۰. اصل رشد و توانمندسازی؛
۱۱. اصل انعطاف پذیری؛
۱۲. اصل پویایی و خلاقیت؛
۱۳. اصل ترویج و گفتمان سازی انقلاب اسلامی؛
۱۴. اصل تکلیف گرایی و وظیفه مداری.

گام چهارم: نسبت هادیان سیاسی و فضای مجازی چگونه است؟

هدف اصلی این مقاله این است که نسبت بین «هادیان سیاسی» و «فضای مجازی» تبیین شود.

در بررسی مناسبات هادیان سیاسی و فضای مجازی، باید سطح سؤال را ارتقا داد و اینگونه طرح شود که رابطه انقلاب اسلامی و فضای مجازی چیست؟ در پاسخ به این سؤال، چهار رویکرد کلی قابل مشاهده است که براساس هریک قضاوت های مختلف در خصوص جزئیات و شیوه مواجهه و مدیریت فضای مجازی خواهد بود:

رویکرد اول: «ما تا حدودی می توانیم»، یعنی می توانیم فضای مجازی را در مسیر اهداف انقلاب اسلامی به کار گرفته و تا حدی مدیریت کنیم که برای انقلاب اسلامی تهدیدساز نباشد و در ضمن از برخی از فرصت های آن برای انتشار پیام های انقلاب اسلامی بهره ببریم. بر اساس این رویکرد بدون اینکه زیرساخت های سخت افزاری یا نرم افزارهای پایه شبکه را تغییر بدهد، در

لایه‌های خدمات مبتنی بر شبکه تغییراتی اصلاحی انجام بدهد و با بومی‌سازی برخی خدمات اینترنتی از قبیل موتور جستجو و برخی از شبکه‌های اجتماعی از تولید و انتشار محتواهای خودی و حاوی پیام‌های انقلاب اسلامی در سطح اینترنت حمایت کند.

رویکرد دوم: «ما نمی‌توانیم»؛ بر پایه این رویکرد، فضای مجازی موجود و به ویژه اینترنت موجود یک فضای مجازی بی‌طرف است که با تشریک مساعی جهانی ساخته شده است؛ پس ما نمی‌توانیم نقش فعالی در مدیریت این شبکه داشته باشیم.

ذیل این رویکرد دو نگاه قوت می‌یابد: یکی در افراطی‌ترین شکل خود معتقد است حالا که اینترنت موجود یک سوگیری یک‌طرفه دارد و تنها مدل قابل تصور از توسعه فضای مجازی است، پس همچون آبهای آزاد بین‌المللی است که ما هم از آن استفاده می‌کنیم و بدون دخل و تصرف سعی می‌کنیم به سهم خود محتوایی را در این اقیانوس بریزیم تا ضمن ادای دین خود به آن، امیدوار باشیم که با هزینه کردن جهت افزایش محتوای خودی، در این اقیانوس ما هم دیده شویم و چون «ما نمی‌توانیم» پس به این امید که از موج فناوری آن عقب نباشیم همواره اولین نفری باشیم که با کمترین دخل و تصرف و حتی بدون بررسی تبعات آن، آن را تا اقصی نقاط کشور شیوع دهیم و امیدوار باشیم که به موجب این همراهی داوطلبانه با موج فناوری به اصطلاح بین‌المللی مورد تشویق بین‌المللی باشیم و امتیازاتی و احیاناً اولویت‌هایی برای پیاده‌سازی «ورژن‌های» بعدی برای ما قائل شوند. یعنی به امید لطف و مرحمت خارجی(!؟) افراد کوشا و مطیعی برای جامعه بین‌الملل موجود باشیم.

اما در نگاه دیگر که به شکل تفریطی بروز خواهد کرد این است که چون «ما نمی‌توانیم» دخل و تصرف در تکنولوژی داشته باشیم و نگران تبعات نفوذ

فناوری خارجی هستیم پس راه را بر اصل فناوری ببندیم تا از صدمات آن در امان باشیم.

رویکرد سوم: «ما نباید بتوانیم» این رویکرد به صورت هوشمندانه از سوی دشمنان انقلاب اسلامی به هم‌فکرانشان در داخل القا می‌شود که برای رفع هرگونه تنش یا جلوگیری از سوء تفاهم در خصوص رقابت با غرب ما نباید بتوانیم در فناوری وارداتی اینترنت دخل و تصرف و هرگونه مدیریتی اعمال کنیم؛ چرا که طرف خارجی و غربی روی این موضوع حساس شده و منافع ما در دنیا به خطر می‌افتد و نمی‌توانند به ما اطمینان کنند؛ پس ما از علم و دانش و فناوری محروم می‌شویم و بر این اساس «ما نباید بتوانیم» در فضای مجازی مدیریت انقلاب اسلامی را طراحی و پیاده‌سازی کنیم چراکه موجب تنش می‌شود!.

رویکرد چهارم: «ما قطعاً می‌توانیم». در چارچوب این رویکرد با توجه به این که اساساً فناوری به عنوان مؤلفه مهم قدرت باید در استخدام انقلاب اسلامی باشد به بازطراحی تخصصی ارکان فضای مجازی مبتنی بر نیازهای واقعی پرداخته می‌شود و از موضع فعال با تداوم وابستگی فناورانه فضای مجازی موجود که تأمین‌کننده منافع طراحان استعمارگر اولیه آن است مقابله می‌شود. این رویکرد شیوه هوشمندانه مبتنی بر فناوری بومی موجود در میان متخصصان جوان کشور را برای مواجهه با فناوری وابسته تجویز می‌کند. بر این پایه، در عصر حاضر فضای مجازی در لایه‌های مختلف از زیرساخت سخت‌افزاری تا محتوا باید همسو با منافع امت اسلامی بازتعریف شود و با توجه به توان، دانش و تخصص موجود در امت اسلام و ظرفیت جوانان به پاخواسته که مهم‌ترین مزیت در فضای مجازی محسوب می‌شوند، باید به جای صرفاً رضایت حداقلی به انتشار پیام انقلاب اسلامی در فضای مجازی موجود، به دنبال «انقلاب اسلامی در فضای مجازی» باشیم.

برای تحقق «انقلاب اسلامی» در «فضای مجازی» بایستی در همه سطوح مختلف فضای مجازی اعم از زیرساخت، شبکه، سخت افزار، نرم افزار، سرویس و البته محتوا، یکبار دیگر پیام «ما می‌توانیم» انقلاب اسلامی را به شکلی جدید در قالب شعارهای اصلی انقلاب هجی کنیم: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی». این شیوه جدید از تفسیر شعارهای عمیق و راهبردی انقلاب اسلامی متناسب با شکل‌گیری نوعی جدید از فضای زندگی یعنی فضای مجازی، رویکردی مهم در نحوه مدیریت فناوری را به دنیا معرفی خواهد کرد. الگویی که در مقابل چشمان بهت‌زده قطب استکباری مسلط، به سرعت معادلات در ظاهر قطعی جهانی را به نفع مردمان آزاده در دنیای حاضر تغییر خواهد داد. به نظر می‌رسد تنها با رویکرد اخیر می‌توان به عمق راهبردی تصمیم رهبر انقلاب اسلامی در تشکیل شورای عالی فضای مجازی پی برد و درک کرد که چرا - براساس نقلی معروف از ایشان در جلسه پیش از اعلام این تصمیم مهم - ارزش فضای مجازی را معادل ارزش انقلاب اسلامی مطرح فرمودند (صرامی، ۱۳۹۲).

گام پنجم: نقش و رسالت هادیان سیاسی در فضای مجازی چیست؟

الف) نقش و رسالت هادیان سیاسی

رسالت هادیان سیاسی به عنوان یک رسانه میان‌مردمی، نهادینه کردن «فرهنگ انقلاب اسلامی» در جامعه و ارتقای هوشمندی جامعه در مواجهه با «فرهنگ مهاجم» است. هادیان سیاسی باید در برابر تلاش رسانه‌های بیگانه، که سعی در یکسان‌سازی هویت فرهنگی و تضعیف هویت ملی (ایرانی اسلامی) دارند، از هویت مستقل و جمعی خود پاسداری کنند. به میزانی که نخبگان ارزشی و رسانه‌های خودی مسئولیت خود را در جهت حفظ هویت و ارائه مدل‌های هویتی به جوانان و نوجوانان درک کنند،

می‌توانند از پیامدهای منفی رسانه‌های مهاجم پیش‌گیری کنند. اگر به آرمان و اندیشه امام خمینی^(ره) که معتقد بود: «تلویزیون باید یک دانشگاه باشد»، باور داشته باشیم، می‌توان دریافت که رسانه‌ها باید هنجارها، ارزش‌ها و میراث فرهنگی جامعه را در قالب فیلم، داستان، مقاله، گزارش مستند و... به نسل جوان و نوجوان معرفی کنند و از این رهگذر، درک آنها را از اینکه چه کسی هستند، سابقه تاریخی آنها چیست، موقعیت کنونی ما در جهان و منطقه چگونه است، افزایش دهند و این امکان را فراهم سازند تا آحاد جامعه به هویت اصیل فرهنگی، تاریخی، سیاسی، و اجتماعی خویش پی ببرند.

ب) اقدامات اجرایی:

مهم‌ترین راهکارهای اجرایی حضور هوشمندانه و هدفمند هادیان سیاسی در فضای مجازی عبارتند از:

ارتقای سواد رسانه‌ای

بی‌شک اولین گام در مسیر تغییر چالش فضای مجازی به فرصت، شناخت دقیق، صحیح، بی‌طرفانه و البته واقع‌بینانه فضای مجازی است. سواد رسانه‌ای است که می‌تواند رابطه انفعالی ما را با فضای مجازی به رابطه‌ای فعال تبدیل کند. سواد رسانه‌ای، و افزایش دانش و مهارت‌های سایبری به خصوص در محیط‌های اینترنت با تمرکز بر یک فرآیند شناختی روی کاربر، دانش کاربر و نقد و ارزیابی رسانه را به او می‌دهد. با کاربرد این راهبرد در مورد هادیان سیاسی، آنها به دانش استفاده بهینه از قابلیت‌های فضای مجازی مجهز می‌شوند و می‌توانند شعاع اندیشه‌های تولیدی برخاسته از انقلاب اسلامی را جهانی نمایند.

ظرفیت‌سازی حضور

از مهم‌ترین ظرفیت‌های لازم برای حضور هادپان سیاسی در فضای مجازی، ایجاد حساسیت و انگیزه در نخبگان بسیج برای حضور هدفمند، ارتقای توانمندی‌های معرفتی، اخلاقی و بصیرتی کاربران بسیجی، ایجاد حلقه و هسته‌های علمی جنگ نرم با حضور اساتید و دانشجویان، تقویت و توسعه سایت‌ها و وبلاگ‌نویسان ارزشی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی داخلی مبتنی بر نیازها و اقتضائات انقلاب اسلامی، ایجاد زیرشبکه در شبکه‌های اجتماعی مجازی با عناوین مختلف، ترغیب نخبگان به شبکه‌سازی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و علمی با همکاری رده‌های اقشاری بسیج و... است.

اجرای عملیات سایبری در جبهه و قرارگاه مجازی انقلاب اسلامی

از اقدامات مهم در اجرای عملیات در فضای مجازی: بهره‌گیری از رصد شبکه‌های اجتماعی توسط نیروهای اطلاعاتی و تحلیل و ارائه راهکارهای عملیاتی، نگاه قراگاهی و جبهه‌ای در عرصه عملیات سایبری، اجرای هوشمند و هدفمند عملیات در فضای مجازی از جمله راهاندازی جنبش‌های وبلاگی برای مقابله با جنگ رسانه‌ای دشمن، همچنین حمله به دشمن در بعد فرهنگی و رسانه‌ای با بسیج فرماندهان و افسران جنگ نرم و... است.

تولید محتوا و پیام

مهم‌ترین سرمایه حضور در فضای مجازی داشتن ایده، فکر و اندیشه و پیام اقناع‌کننده برای مخاطبان گوناگون در فضای مجازی است. در این حوزه بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی، بسیج و دفاع مقدس، تولید محتوای دینی برای مقابله با تهدیدهای نرم دشمن در فضای سایبری با بهره‌گیری از اساتید و طلاب خوش‌فکر، فضا‌سازی و تبلیغ در فضای مجازی برای ارزش‌های اسلامی و انقلابی، ایجاد ارتباطی مؤثر بین بسیجیان صاحب

فکر و اندیشه و قلم و هنر در فضای سایبری، ایجاد انگیزه مستمر با استفاده بهینه از توانمندی‌های بسیجیان در فضای مجازی و هدایت و ساماندهی آنان در راستای اهداف انقلاب اسلامی، تربیت و به کارگیری دانشجویان بسیجی و غیر بسیجی با برگزاری کارگاه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی و سازماندهی آنها در گروه‌های مرتبط برای بهره‌برداری بیشتر از طریق فناوری نوین ارتباطات و اطلاعات، حضور پررنگ و نقش‌آفرین در عرصه جریان‌سازی و تولید پیام‌های نو در فضای مجازی و... است.

تحلیل وضعیت مستمر از دو جبهه خودی و غیر خودی

داشتن تحلیل وضعیت مستمر از توانمندی دو جبهه انقلاب اسلامی و جبهه نظام سلطه، با برآورد دقیق از قوت‌ها، ضعف‌ها و فرصت‌ها، تهدیدهای دو طرف، زمینه را برای فرماندهی و مدیریت درست صحنه عملیات فراهم می‌نماید؛ بنابراین شرط موفقیت عملیات در فضای مجازی ارزیابی و بازخوردگیری از فعالیت‌ها و اقدامات دو جبهه است.

نتیجه‌گیری

عصر جدید را عصر انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات دانسته‌اند که در بر گیرنده سه گستره بنیادین «فضای اطلاعات»، «فضای سایبر» و «فضای اندیشه» است. رویکرد «ما می‌توانیم» و «گفتمان بسیج مردمی» در مقاطع «انقلاب اسلامی»، «دفاع مقدس»، «فتنه» و «تحریم» رویکرد بی‌بدیلی در راهبری نظام جمهوری اسلامی بوده است. در شرایط حاضر نیز «فضای مجازی» عرصه‌ای است که باور به توان جبهه انقلاب اسلامی و بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها برای مواجهه منطقی با آن، به ظرفیت‌سازی و عمق‌بخشی انقلاب اسلامی منجر خواهد شد.

«فضای مجازی» واقعاً فضایی است در سطح فراگیر جهانی، با یک پویش

جدید و البته آینده‌دار که همه ساحت‌ها و شئون مختلف زندگی در آن بازتعریف می‌شود و ابعاد متعدد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و البته امنیتی در زندگی ما دارد. آینده متعلق به قدرتهایی است که در فضای مجازی بیشترین حضور و نقش را داشته باشند. امروزه قدرت و تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی در تحرک و تغییرات سیاسی، اجتماعی جوامع باعث شده که موضوع حضور در فضای مجازی به بزرگ‌ترین چالش دولت‌ها و حکومت‌ها در عصر جدید تبدیل شود.

در عین حال، فضای مجازی ضمن این که پتانسیل به چالش کشیدن نظام جمهوری اسلامی را دارد، فرصت ارزشمندی است که با «مدیریت هدفمند و هوشمند» می‌توان برای انتشار پیام‌های انقلاب اسلامی بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی از آن بهره‌برداری نمود. در این خصوص نیاز است که مسئولان بسیج با رسالت توسعه قدرت نرم انقلاب اسلامی و مقابله با تهدید نرم دشمن با سیاست‌گذاری دقیق، مکانیسم‌های لازم را برای استفاده از ظرفیت‌های موجود از جمله «شبکه هادیان سیاسی» و کاهش تهدیدهای فضای مجازی فراهم آورند.

کتابنامه:

- ۱) انعامی علمداری سهراب و امینی آرمین (۱۳۸۹) شبکه‌های اجتماعی مجازی و استراتژی فضای اندیشه ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره یازدهم، تابستان.
- ۲) حسن بیگی ابراهیم (۱۳۸۴) حقوق و امنیت در فضای سایبر، تهران؛ انتشارات ابرار معاصر تهران.
- ۳) دفتر مطالعات و آموزش (۱۳۸۹) شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ ویژگی‌ها، کارکردها و تأثیرگذاری‌ها، دفتر مطالعات و آموزش وزارت کشور
- ۴) شاه کرمی (۱۳۹۲) روزنامه جوان.

- ۵) صرامی مهدی (۱۳۹۲) رویکرد کلی درباره رابطه انقلاب اسلامی و فضای مجازی، سایت مجمع فعالان فضای مجازی انقلاب اسلامی (فرا).
- ۶) کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، ویراسته علی پایا، تهران، طرح نو، چاپ اول.
- ۷) معاونت پژوهشی ابرار معاصر (۱۳۸۷)، جنگ نرم (۵): براندازی نرم در کشورهای مدل، تهران، انتشارات ابرار معاصر تهران.
- ۸) نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق^(ع)، چاپ دوم.

واکاوی دلایل و پیامدهای حوادث اخیر الانبار عراق

احمد کریم خانی

طی ماه‌های گذشته مبارزه دولت و ارتش عراق با گروه‌های مسلح تروریستی در این کشور به ویژه در استان الانبار وارد مرحله جدید و سرنوشت‌سازی شده است. خشونت در استان الانبار، ۳۰ دسامبر ۲۰۱۳ میلادی پس از آن آغاز شد که ارتش عراق یک اردوگاه اعتراضی مخالفان را در الرمادی برچید. مقام‌های عراقی پیش‌تر گفته بودند از این اردوگاه به عنوان «مقری برای رهبری القاعده» استفاده می‌شود. دامنه این درگیری‌ها سپس به شهر فلوجه نیز کشیده شد. استان الانبار در غرب عراق واقع شده و از جمله استان‌های بزرگ عراق از حیث مساحت تلقی می‌شود، به گونه‌ای می‌توان گفت، این استان یک‌سوم مساحت عراق را به خود اختصاص داده است و جمعیتی بالغ بر یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر - براساس آمار سال گذشته - را در خود جای می‌دهد. این استان از لحاظ جغرافیایی از شمال به دو استان "صلاح‌الدین" و "نینوا" و همچنین از ناحیه شمال غربی با کشور سوریه، از غرب با اردن، از شرق با بغداد، از جنوب با عربستان و از جنوب شرقی با دو استان "کربلا" و "نجف" همجوار است. این استان متشکل از ۸ شهرستان به نام‌های "القائم"، "عانة"، "راوة"، "حدیثه"، "هیت"، "الرمادی"، "الفلوجه" و "الرطبه" است. بسیاری از تحلیلگران سیاسی معتقدند که سرنوشت بحران در غرب عراق تأثیر مستقیمی بر دیگر بحران‌های منطقه به ویژه تحولات سوریه خواهد گذاشت. در این نوشتار به ابعاد، پیامدها و نقش بازیگران داخلی و خارجی در این بحران به ویژه گروه تروریستی "داعش" پرداخته می‌شود.

ماهیت داعش

از زمانی که آمریکا در سال ۲۰۰۳ عراق را اشغال کرد گروهی با عنوان "دولت اسلامی" در عراق شکل گرفت. این گروه به عنوان یک گروه با تفکر القاعده‌ای در این کشور ظهور یافت. ابوعمر بغدادی رهبر این مجموعه با بن لادن بیعت کرد و کار خود را با نام مبارزه بر ضد اشغال‌گران در این کشور آغاز نمود، اما در واقع عملکرد این گروه به گونه‌ای بود که هر چند عملیاتی بر ضد اشغال‌گران در عراق انجام می‌دادند، اما بیشتر این عملیات‌ها، موجب نوعی واگرایی بین آنها با مردم عراق می‌شد. پس از خروج نظامی آمریکا از عراق، این گروهک‌های مسلح تروریستی که عمدتاً دارای دیدگاه‌ها و اندیشه‌های سلفی (تکفیری) و وهابی و به طور طبیعی مورد حمایت عربستان بودند، با توسل به این دستاویز که دولت عراق دولتی شیعی است که حقوق اهل سنت را زیر پا می‌گذارد و با ادعای تشکیل "امارت اسلامی" در عراق فعالیت‌های تروریستی - مسلحانه خود را با بمبگذاری و اجرای عملیات‌های انتحاری در مناطق مختلف عراق به ویژه در مناطق شیعی‌نشین آغاز کردند و طی چند سال اخیر هزاران عراقی را به خاک و خون کشیدند و برای تغییر نقشه جمعیتی و بافت و ساختار جغرافیایی استان‌ها و شهرهای عراق، میلیون عراقی را از خانه و کاشانه خود آواره کردند. آنها مسبب نوعی انفجارهای کور بر ضد مردم و بر ضد شیعیان عراق شدند؛ بنابراین باید گفت عملکرد دولت به اصطلاح اسلامی عراق عملکرد قابل قبولی نبوده است؛ یعنی ویژگی اصلی این گروه بیشتر ایجاد واگرایی بود تا ضد اشغالگری.

در دو سال گذشته و بعد از حوادث سوریه، دولت اسلامی عراق، موضوع تشکیل دولت عراق و شام را مطرح کرد و در قالب و فرایند جدیدی با عنوان داعش (دولت اسلامی در عراق و شام) سامان یافت و همچنان زیر نظر القاعده به رفتارهای قبلی خود ادامه داد. به تازگی این گروه از رویکردهایی

مشابه در سوریه بر ضد شیعیان، علوی‌ها و کردها استفاده می‌کند؛ یعنی قتل عام‌هایی که گروه دولت اسلامی عراق و شام در کردستان سوریه، بویژه در استان حسکه و منطقه رأس العین انجام داد بیانگر آن است که این گروه تنها گروهی متعصب دینی نیست، بلکه هم دارای تعصب دینی و هم تعصب قومی است که با کشتار حدود ۴۰۰ نفر از کردها، این رویکرد خود را به تثبیت رساند. در واقع داعش را می‌توان، گروهی تروریستی تندرو افراطی، هوادار القاعده و مخالف هر گونه نمادها و اصول مردم‌سالاری تعریف کرد.

داعش و آغاز بحران سوریه

آغاز بحران سوریه در سال ۸۹ و ورود به مرحله مسلحانه آن، مرحله‌ای بسیار مهم در حیات و فعالیت گروهک‌های تروریستی فعال در استان الانبار به شمار می‌آید؛ چرا که گروه‌های تکفیری فعال در این استان با عنوان جهاد در سرزمین شام راهی سوریه شدند، به خصوص که استان الانبار با کشور سوریه نیز هم مرز بود.

به این ترتیب شاهد شکل‌گیری اولین گروهک تروریستی وابسته به سازمان القاعده در سوریه در اواخر سال ۹۰ یعنی هنوز یک سال از بحران سوریه نگذشته، با عنوان گروه "جبهه النصره" به سرکردگی "ابو محمد الجولانی" بودیم که به صورت مستقیم زیر نظر القاعده عراق در سوریه فعالیت می‌کرد. اما بروز اختلاف در جبهه النصره شکل‌گیری گروهک جدیدی وابسته به گروه تروریستی القاعده در سوریه تحت عنوان "امارت اسلامی عراق و شام" معروف به "داعش" را در پی داشت که در واقع ادغام "امارت اسلامی عراق" و "امارت اسلامی شام" یا همان القاعده عراق و سوریه بود و بالطبع عناصر این گروه‌ها صرف نظر از مرزهای ترکیه که طی دو سال و نیم بحران سوریه برای نابودی این کشور سنگ تمام گذاشت، مرزهای استان الانبار مهم‌ترین نقطه ارسال عناصر مسلح و تجهیزات نظامی برای این دو

گروه بود و به همین دلیل است که مشاهده می‌کنیم، این گروه‌ها بیشتر در مناطق شرقی و جنوبی سوریه مستقر و متمرکز هستند.

دلایل حوادث الانبار

در جریان بحران اخیر در استان الانبار، "اسامه النجیفی" رئیس پارلمان عراق ادعا کرد، تصمیم استعفای ۴۴ نماینده وابسته به لیست «متحدون» به ریاست وی، اقدامی در واکنش به تعرض نیروهای دولتی به متحصنین و بازداشت یکی از نمایندگان (احمد العلوانی) بوده است. نخست‌وزیر عراق از مقامات و مسئولان اهل تسنن این کشور خواسته است در اعتراض به برچیده شدن اردوگاه‌های معترضان که به درگیری‌های شدید در غرب عراق منجر شد، از سمت خود کناره‌گیری نکنند. نوری مالکی با زیانبار خواندن استعفای نمایندگان گفت، ارتش عراق پس از پایان عملیات، اداره شهرهای استان الانبار را به پلیس محلی واگذار خواهد کرد. این در شرایطی است که ائتلاف ملی، گروه صدر و مجلس اعلای اسلامی عراق، حمایت خود را از عملیات ارتش علیه تروریست‌ها در استان غربی الانبار اعلام کرده‌اند. اتوبانی که به شهر الرمادی در استان الانبار ختم می‌شود نزدیک به یک سال است که به مرکز تظاهرات علیه نوری مالکی تبدیل شده است.

العلوانی، از چهره‌های بارز ضد شیعی عراق محسوب می‌شود که از اقدامات تنش‌زای طایفه‌ای ترسی ندارد. دستگیری علوانی در چارچوب مبارزه تازه دولت مالکی علیه القاعده و گروه‌های وابسته به آن در الانبار که این استان را به مکانی امن و متصل به سوریه برای انجام عملیات تروریستی تبدیل کرده‌اند، صورت گرفته است.

استان الانبار در واقع از زمستان سال گذشته که "رافع العیسای" وزیر دارایی وقت به دلیل بازداشت محافظانش از سمت خود استعفا داد، یک بحران دامن‌دار به عراق تحمیل کرد و همچنان وضعیت عادی به خود نگرفته

است. در بحران زمستان گذشته که به بستن بزرگراه اصلی عراق به مرزهای اردن و سوریه منجر شد- برخی کشورهای خارجی تلاش کردند- از موقعیت ایجادشده بهره‌برداری کنند. برخی رسانه‌های عراق همان هنگام فاش کردند که قطر و عربستان از تحصن‌ها و ناآرامی‌ها در الانبار حمایت کرده‌اند و زمینه‌های ارتباط گسترده میان تروریست‌های سوری با تحصن‌ها را ایجاد کرده‌اند.

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که دست‌هایی اکنون تلاش می‌کنند، با دامن زدن به این جریان و سیاسی جلوه دادن آن، میانجی‌گری‌ها را به شکست بکشانند و دولت عراق را در شرایطی که نیروهای امنیتی نبرد سنگین و سرنوشت‌سازی را علیه عناصر تکفیری آغاز کرده‌اند، در موقعیت ضعیفی قرار دهند.

از ۲۱ دسامبر گذشته تاکنون ده‌ها افسر ارتش عراق که ۱۶ نفر از آنها از ژنرال‌های رده بالا بوده‌اند توسط نیروهای وابسته داعش یا همان دولت اسلامی عراق و شام که تندرترین جبهه بزرگ تروریستی جهادی در عراق و سوریه محسوب می‌شود، کشته شده‌اند، که بارزترین آنها ژنرال محمد الکروی، فرمانده هنگ هفتم ارتش و دو معاون او بودند. این نشان می‌دهد که پس از سوریه جبهه گسترده تازه‌ای توسط القاعده در عراق آغاز شده است.

قرار بود ژنرال محمد الکروی و معاونانش در عملیاتی علیه پایگاه القاعده در غرب استان الانبار در دی‌ماه که جنگنده‌های عراقی نیز آنها را همراهی می‌کردند، پاکسازی گسترده‌ای در این منطقه انجام دهند و ضربه‌ای مهلک به داعش وارد کنند، اما این گروهک تروریستی با بمب‌گذاری این پایگاه به محض ورود نیروهای عراقی آن را منفجر کردند که خشن‌بارترین عملیات نظامی علیه ارتش عراق طی ۱۰ سال اخیر رقم خورد. داعش بیش از یک سال است که نفوذ خود را در الانبار گسترش داده و بیش از سه سال حملات

گسترده‌ای را علیه ارتش عراق سازماندهی کرده است.

یکی دیگر از دلایل عمده افزایش درگیری‌های فرقه‌گرایانه در عراق، نگاه برخی از بازیگران منطقه‌ای، از جمله عربستان، قطر و ترکیه، به این کشور در چارچوب ماتریس توازن قدرت در خاورمیانه است. در حالی که کشورهای مذکور، به ویژه عربستان و ترکیه، خود مشکلات حقوق بشری بسیار زیادی، در حوزه اقلیت‌ها دارند، با تحریک و حمایت‌های مالی و تجهیزاتی اقلیت سنی عراق، در صدد اعمال فشار بر دولت نوری المالکی هستند که از روابط حسنه‌ای با ایران برخوردار است.

ترکیه وجود یک عراق قدرتمند و منسجم را مانعی در برابر خود می‌بیند و عربستان اساساً از تبدیل شدن عراق به عنوان الگویی برای دموکراسی در میان جهان عرب واهمه دارد. ترکیه، عربستان و قطر به واسطه روابط مودت‌آمیز ایران و عراق، تضعیف دولت عراق را در راستای تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران می‌دانند و از آنجا که خودشان را رقبای ایران و در مدار قدرت‌های غربی می‌دانند، استحکام محور منطقه‌گرا و بومی ایران-عراق-سوریه-حزب‌الله را برنمی‌تابند. پس بر طبل خشونت‌های فرقه‌ای می‌کوبند تا دولت عراق را تضعیف نمایند.

در این میان، اختلافات دولت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان نیز باعث به وجود آمدن شکاف قابل توجهی در داخل عراق شده است که راه را برای اعمال فشار بیشتر از سوی دولت‌هایی همچون ترکیه بر دولت مرکزی عراق باز گذاشته است؛ بنابراین شکاف و عدم انسجام داخلی بین بلوک‌های قدرت در عراق، در کنار دامن زدن برخی کشورهای منطقه، از جمله دلایل عمده ناآرامی‌های هفته‌های گذشته عراق است.

دلیل دیگر، فضای ملتهب خاورمیانه است. انقلاب‌های عربی، منطقه را درگیر نوعی از قطب‌بندی فرقه‌گرایانه نموده است؛ امری که به واسطه امتداد

محيط قومی-مذهبی سوریه در کشورهای همسایه، عراق را بیشتر از دیگر کشورها آسیب‌پذیر کرده است.

بافت قومی و مذهبی عراق شباهت‌های زیادی با سوریه دارد. ۶۰۵ کیلومتر مرز مشترک بین سوریه و عراق وجود دارد که حدود ۵۰۰ کیلومتر از آن، مناطق بیابانی است. محافظت از این مرز طولانی با در نظر گرفتن عمر کوتاه حکومت مرکزی عراق در دوره پس از صدام، بسیار دشوار است. مسأله هنگامی حادث می‌شود که بدانیم عمده ساکنان مناطق مرزی مذکور، با مرزنشینان سوری هم‌کیش‌اند. عراق کشوری است که از ۷۵-۸۰ درصد عرب، ۲۰-۱۵ درصد کرد و حدود ۵ درصد ترکمن، آشوری و غیره تشکیل شده است. از نظر بافت مذهبی، این کشور دارای ۶۵-۶۰ درصد شیعه، ۳۷-۳۲ درصد سنی و کمتر از ۳ درصد مسیحی است. در سمت مقابل، سوریه دارای حدود ۹۰ درصد عرب و ۱۰ درصد کرد و ارمنی و غیره است. ساختار مذهبی سوریه درست نقطه مقابل عراق است؛ یعنی تقریباً ۷۴ درصد مذهب اهل سنت، حدود ۱۶ درصد شیعه علوی و دروزی و ۱۰ درصد مسیحی را در درون خود جا داده است؛ البته آمارهای مختلفی در این مورد وجود دارد.

دلیل دیگر زمینه‌ساز تداوم بحران در الانبار این است که عراق هنوز در فرآیند گذار به دموکراسی و حاکمیت مردم به سر می‌برد. اعتراضات مردم الانبار بیشتر در چارچوب بیان مطالبات آنها از دولت مرکزی عراق برای مشارکت دادن فعالانه‌تر مردم آن استان در فرآیندهای سیاسی و اقتصادی عراق است، در حالی که گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در پی بهره‌برداری از آن بود که موفق نشد.

در این میان، یکی از دلایل اصلی نارضایتی مردم الانبار که فضا را برای تروریست‌ها علیه دولت این کشور فراهم کرده است، مسائل ادراکی-روانی است؛ چرا که در دوره صدام جایگاه برجسته‌ای در امور کشوری داشتند و در

دوره جدید، که به تناسب سهم جمعیت در عراق تقسیم قدرت شده است، با مقایسه گذشته با حال، نوعی محرومیت نسبی را حس می‌کنند که در نگرش آنها نسبت به روندهای سیاسی عراق تأثیر عمیقی گذاشته است. از سوی دیگر، به واسطه تحریکات باقیمانده‌های بعثی (که الانبار از پایگاه‌های اصلی آنهاست) آینده این استان طوری به تصویر کشیده می‌شود که وضع مردم آن وخیم‌تر خواهد شد.

ذهنیت مردم سنی‌مذهب در عراق به گونه‌ای شکل داده شده است که شیعیان و کردها در پی حاشیه‌ای نمودن سنی‌ها هستند و با ارجاع قدرت سنی‌ها به زمان صدام حسین و مقایسه آن شرایط با وضعیت حال، نوعی نارضایتی را به وجود می‌آورند که در واقع نوعی محرومیت نسبی نشأت گرفته از عوامل ادراکی-روانی را ایجاد می‌نماید. در صورتی که زمان حال مناسب‌ترین فرصت برای تلاش واحد ملت عراق در ایجاد عراقی دموکراتیک و آزاد است.

موضع دوگانه آمریکا

تحولات سال‌های اخیر نشان داده است، تا زمانی که القاعده تحت کنترل باشد، می‌تواند به منافع آمریکا در منطقه و جهان اسلام خدمت کند. چند ماهی است که ایالات متحده، اروپا و ترکیه در ارتباط با جریان‌های تندروی تکفیری و القاعده به تردید افتاده‌اند؛ آنها با مشاهده ظهور قارچ‌گونه این گروه‌ها در خاورمیانه، شمال آفریقا و دیگر مناطق، خطر بزرگی را احساس می‌کنند. همین حس باعث شد که غرب به ایران نزدیک شود و از عربستان به عنوان «پدرخوانده» همه جریان‌های تروریستی تندرو کمی فاصله بگیرد.

عربستان متحد راهبردی آمریکا در منطقه است و واشنگتن نه می‌خواهد و نه می‌تواند عربستان را رها کند؛ چرا که از پیامدهای آن بر منافع منطقه خود واهمه دارد. در نتیجه ایالات متحده فقط می‌خواهد از طریق ریاض بر

فعالیت‌های تروریستی جریان‌های تندروی سنی کنترل داشته باشد و از این جریان در مسیر منافع خود استفاده کند. همچنین یک القاعده کنترل‌شده و تابع دستور، مطلوب واشنگتن است، اما عربستان طی سال‌های اخیر می‌خواست این مرز را بشکند که با مقاومت آمریکا مواجه شده است.

در الانبار سیاست دوگانه واشنگتن را به وضوح می‌توان دید؛ از یک طرف به واسطه عربستان از شبه نظامیان القاعده حمایت لجستیکی می‌کند و از طرف دیگر، به دولت عراق اعلام کرد که تجهیزات پیشرفته در اختیار ارتش این کشور قرار می‌دهد تا تروریست‌های داعش را سرکوب نماید.

ماجرای الانبار برای ایالات متحده فرصت مغتنمی است تا یک‌بار دیگر در نهادهای نظامی عراق نفوذ خود را مستحکم کند. پیش از این، سیاست اعلام‌شده مالکی این بود که از کشورهای مختلف به‌طور موازی تسلیحات بخرد و هدف از این سیاست نیز جلوگیری از تسلط آمریکا بر نهادهای نظامی عراق بوده است.

با تداوم تنش در الانبار، نوری مالکی با «جو بایدن» معاون رئیس‌جمهور آمریکا، تماس گرفت و از وی خواست تسلیحات را هرچه سریع‌تر روانه عراق کند. نتیجه اینکه منافع آمریکا ایجاب می‌کند تا بحران در استان الانبار ادامه یابد. اگر این بحران شکل مزمن به خود بگیرد، دولت عراق از هر لحاظ در تنگنا واقع می‌شود و این خواسته مشترک ریاض و واشنگتن است. پس آمریکا و عربستان در الانبار منافع مشترک دارند، تا جایی که القاعده به غول غیرقابل کنترل تبدیل نشود. عربستان خواستار القاعده‌ای است که تفکرات وهابی و تکفیری بر آن غالب باشد. اما آمریکا یک القاعده کنترل‌شده را مدنظر دارد.

دلیل تمرکز رژیم سعودی بر الانبار

عقب‌نشینی آمریکا از اقدام نظامی علیه سوریه، بقای نظام سوریه و عدم

بروز هرگونه تزلزل و ضعفی در آن، ادامه و استمرار پیروزی‌های ارتش سوریه در مناطق و شهرهای مختلف سوریه، شکست‌های پی‌درپی گروه‌های مسلح تروریستی، تغییر موضع طرف‌های منطقه‌ای دخیل و تأثیرگذار در بحران سوریه از جمله ترکیه و اردن، سعودی‌ها را به شدت نگران کرده است که خود را در گرداب سوریه تنها می‌بینند؛ به ویژه اینکه در ماه‌های اخیر ترکیه و اردن مرزهای خود را به روی عناصر مسلح تروریستی و ارسال کمک‌های نظامی سعودی به سوریه مسدود کرده اند و دولت عراق نیز به عنوان کشوری که دارای مرزهای مشترک با سوریه است، به طور رسمی و برای چندمین بار اعلام کرد که اجازه نمی‌دهد، مرزهای این کشور دروازه ورود عناصر مسلح به سوریه و نقل و انتقال تسلیحات و تجهیزات نظامی به سوریه شود.

تحقق چنین امری به معنای تنها ماندن واقعی رژیم سعودی در بحران سوریه بدون امکان ارسال سلاح برای گروه‌های تروریستی فعال در سوریه و همچنین عناصر تروریستی به عنوان نیروی انسانی کمکی برای این گروه‌هاست. در این میان اختلافات عربستان و ترکیه که از تحولات مصر نشأت می‌گیرد، بسیار عمیق‌تر از آن بود که ریاض با حل آنها بتواند آنکارا را همانند سابق راضی به گشودن مرزهایش به روی تروریست‌های مسلح و نقل و انتقال سلاح و تجهیزات نظامی کند.

از سوی دیگر فشارهای سعودی‌ها بر اردن و وعده‌ها و فریب‌های مالی نتوانست امان را راضی به همراهی با ریاض در قبال بحران سوریه کند. به همین دلیل تنها روزنه باقی‌مانده برای عربستان؛ عراق و استان الانبار بود که تلاش دارد، از طریق آن ارتباط خود با سوریه را حفظ کند و در این میان تلاش‌های بسیاری انجام داده است، حتی در میان سیاستمداران عراقی نیز نفوذ کند. مسأله حمایت عربستان از تروریست‌های داعش و تکفیری تا یکی‌دو سال قبل چندان آشکار نبود و بیشتر مبتنی بر حدس و گمان بود، اما

الان شرایط به کلی عوض شده است و محافل سیاسی و رسانه‌ای به‌طور علنی انگشت اتهام را به سمت سعودی‌ها می‌گیرند. علتش این است که اسناد ارتباط ریاض با گروه‌هایی مثل داعش و "جبهه النصره" به حد متواتر رسیده است و حتی رسانه‌های داخلی عربستان هم از گفتن آن ترسی ندارند. در سطح منطقه‌ای، جهانی و داخلی عراق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ مواردی که به همین گذشته نزدیک تعلق دارند و نقش عربستان را برملا می‌کنند.

در پی وقوع عملیات انتحاری در ورودی سفارت ایران در بیروت، نیروهای امنیتی لبنان «ماجد الماجد» رهبر گروه تروریستی «گردان‌های عبدالله عزام» را بازداشت کردند. رسانه‌ها اعلام کردند که الماجد یک تبعه سعودی بوده و او حمله به سفارت ایران را ترتیب داده است. طولی نکشید که الماجد به طرز مشکوکی در زندان کشته و پس از آن نیز جسد وی به عربستان منتقل شد.

چند هفته پس از واقعه بیروت، در شهر "ولگوگراد" روسیه دو انفجار تروریستی صورت گرفت و بعداً مشخص شد که کار جریان‌های تکفیری و القاعده بوده است. متعاقب آن، «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه، عربستان را به دلیل حمایت از این گروه‌های تروریستی مورد انتقاد شدید قرار داد.

در بحران دو سه هفته‌ای الانبار نیز تاکنون تماس‌های مکرر «احمد العلوانی» نماینده مجلس عراق که هم‌اکنون در بازداشت است، با عوامل اطلاعاتی عربستانی برملا شد. علاوه بر آن، یک سرکرده داعش که به دست نیروهای ارتش عراق در الانبار دستگیر شد، اعتراف کرد، "شاکر وهب" که از سران داعش بوده و توسط نیروهای دولتی به هلاکت رسیده است، قبل از کشته شدن، با عوامل اطلاعاتی عربستان دیدار و از آنها برای داعش مبلغ

۱۵۰ میلیون دلار وجه و ۶۰ خودروی شاسی بلند دریافت کرده بود. علاوه بر آن، «ابوبکر البغدادی» رهبر داعش در عراق، به شکست خود مقابل ارتش، اعتراف و از دولت عربستان درخواست کمک کرد. این خبر را ابتدا منابع خبری ترکیه رسانه‌ای کرده‌اند.

حمایت رژیم آل سعود از گروه‌های تروریستی تا آنجا بالا گرفت که «بان‌کی‌مون» دبیرکل سازمان ملل، چندی پیش در بغداد اعلام کرد، موضوع حمایت مالی احتمالی عربستان از تروریست‌ها را در شورای امنیت سازمان ملل مطرح می‌کند.

پیامد داخلی ناآرامی‌های الانبار

همه تلاش نوری مالکی در سال‌های اخیر این بود که دولتش یک عمر طبیعی داشته باشد و جابه‌جایی دولت از طریق انتخابات قانونی صورت گیرد. نخست‌وزیر عراق و حامیان دولت وی برای اینکه چنین اتفاقی رخ دهد، مقابل فشارهای سیاسی و حملات تروریستی از خود بردباری‌های زیادی نشان دادند. آنها به خوبی می‌دانستند که دشمنان داخلی و خارجی همین روند سیاسی را نشانه رفته‌اند و قصدشان این است که این روند را برهم بزنند.

تا پیش از آغاز جنگ الانبار ائتلاف نانوشته‌ای میان مخالفان دولت وجود داشت. برای این ائتلاف سه‌ضلعی که میان تروریست‌ها، سیاستمداران ناراضی و حامیان خارجی به ویژه عربستان شکل گرفته بود، یک راهبرد اصلی وجود داشت؛ توقف روند سیاسی و دموکراتیک. برای رسیدن به این هدف، هر ضلع ائتلاف، وظایفی را برعهده داشت؛ عربستان حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و رسانه‌ای را فراهم می‌کرد؛ سیاستمداران به جای انجام دادن وظایف قانونی خود، نقش اپوزیسیون را بازی می‌کردند و تروریست‌ها نیز با حملات خونین در خیابان‌ها، توان امنیتی دولت را زیر سؤال می‌بردند.

دولت بغداد که با چنین شرایطی پس از اشغال مواجه شده بود، با

بردباری فشارها را تحمل می‌کرد و در واقع، نسبت به این وضعیت از خود خویشتن‌داری نشان می‌داد تا بلکه گذر زمان راه‌حلی را پیش پایش بگذارد. همه امیدهای طرفداران نظام و روند سیاسی موجود این بود که دولت فعلی عمر قانونی خود را طی کند و سرنوشت آن به صندوق‌های انتخابات و رأی مردم سپرده شود.

در چنین شرایطی بود که غائله الانبار از راه رسید و سایه سنگینش را بر شرایط عراق تحمیل کرد. تا زمانی که تروریست‌ها در بیابان‌ها حضور داشتند، کار قلع و قمع آنها به سرعت انجام گرفت، ولی وقتی نوبت به شهرها رسید، ارتش درنگ کرد. این درنگ هرچند اقدامی اخلاقی و قابل توجیه است و مردمی بودن دولت را به رخ همه می‌کشد، ولی اگر چاره‌ای برای آن اندیشیده نشود، می‌تواند همه دستاوردهای سیاسی عراق را بر باد دهد.

طبق قانون اساسی و قوانین انتخاباتی عراق، انتخابات پارلمانی این کشور آوریل (۱۰ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت سال آینده) برگزار می‌شود. با توجه به زمان اندکی که باقی مانده است، تروریسم در الانبار باید هرچه سریع‌تر سرکوب شود؛ چراکه برگزاری یک انتخابات نیم‌بند و در شرایط خطر، به مشروعیت دولت بعدی لطمه می‌زند و شرایط را برای کشمکش‌های سیاسی و حملات تروریستی خونین تا آینده‌ای نامعلوم زنده نگه می‌دارد.

بی‌گمان تا زمانی که دولت عراق سرگرم نبرد با تروریسم است، منابع خود را در این جهت بسیج می‌کند.

پرونده الانبار اگر هرچه زودتر با شکست تروریسم بسته شود، پیروزی بزرگی برای دولت مالکی است، ولی همانطور که مکرر اشاره شد، تداوم آن مشکلات دولت را چند برابر می‌کند. این بحران تنها نفعی که برای مالکی داشته این است که پرده از چهره برخی سیاستمداران مخالف برداشته است. اکنون افکار عمومی عراق افرادی مثل «احمد العلوانی» نماینده مجلس این

کشور را دیگر نماینده خود نمی‌دانند. مردم وی را در راه انداختن غائله کنونی الانبار مقصر می‌دانند. العلوانی دو هفته قبل توسط نیروهای امنیتی در شهر فلوچه بازداشت شده است.

مشکل دوم دولت عراق طی سال‌های اخیر، رسیدگی به امور معیشتی مردم و ایجاد زیرساخت‌های رفاهی برای آنها بوده است. در سال‌های گذشته مردم و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی دولت بغداد را معمولاً در دو حوزه مورد انتقاد قرار می‌دادند و انتظار تحرک بیشتری را داشتند؛ اول استقرار امنیت و دوم، تأمین معاش و امور رفاهی شهروندان. اگر بحران کنونی استمرار پیدا کند، نارضایتی توده‌ها از دولت بیشتر می‌شود.

جمع‌بندی

در مجموع ورود مستقیم ارتش عراق به نبرد با تروریست‌های تکفیری در بزرگ‌ترین استان عراق، از چهار جهت می‌تواند مورد توجه ویژه قرار گیرد:

۱- این نبرد می‌تواند آغاز یک اتحاد راهبردی - امنیتی بین عراق و سوریه بوده و به تقویت محور مقاومت بینجامد؛

۲- می‌تواند تروریست‌های سوریه را در محاصره‌ای جدید قرار داده و جبهه دیگری را علیه آنها بگشاید؛

۳- می‌تواند بر توان مذاکراتی دولت قانونی سوریه در گفتگوهای احتمالی با مخالفان بیفزاید؛

۴- احتمالاً به انتقام‌جویی ریاض از بغداد منجر شده و تلاش‌هایی از جانب عربستان سعودی برای بی‌ثبات‌سازی عراق صورت پذیرد.

به هر روی، نتایج این نبرد در آینده‌ای نه چندان دور خود را نشان خواهد داد و نوع عملکرد ارتش عراق در آن مورد قضاوت‌های دقیق‌تر قرار خواهد گرفت. تردیدی نیست که برای افزایش امنیت خاورمیانه و نجات آن از گروه‌های مسلح افراطی تکفیری، فرصت دیگری نمایان شده است.

اکنون ارتش عراق و سوریه وارد جنگ سختی با گروه‌هایی تکفیری همچون داعش شده‌اند. چنین نبردی ناخواسته و تلخ است، اما از طرفی دفاع از جان مسلمانان یک واجب شرعی است و از میان بردن خوارج زمانه که در واقع ابزارهای دشمنان اسلام هستند، تبدیل به امری اجتناب‌ناپذیر شده است.

شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و تهدیدها

عباسعلی بیگدلی

چکیده

شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌هایی هستند که توسط مجموعه‌ای از افراد و گروه‌های به هم پیوسته، در محیط اجتماعی فعالیت می‌کنند. شناخت تنوع و قابلیت‌های هر یک از شبکه‌های اجتماعی به عنوان بخشی از رسانه‌های اجتماعی ضروری است. شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به دو دسته شبکه‌های مجازی و غیرمجازی تقسیم کرد. شبکه‌های اجتماعی دارای ویژگی‌هایی چون: بی‌مکانی، فرازمان بودن، صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی متکی بر دولت - ملت، فضاها، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی برخوردار است. فرصت‌ها و تهدیدهایی بر شبکه‌های اجتماعی متصور است که می‌توان امکان برقراری ارتباط بین کاربران و هم‌فکرانشان را به عنوان فرصت، شخصی‌سازی سیاست و عدم توانایی برای نهادسازی سیاسی نیز از جمله تهدیدات این شبکه‌ها است.

مقدمه

شبکه اجتماعی، ساختاری اجتماعی است که از گروه‌هایی فردی یا سازمانی تشکیل شده است که از طریق یک یا چند نوع از وابستگی‌ها به هم متصل‌اند. جامعه؛ ترکیبی است از شبکه‌های متعددی چون: میان‌سازمانی، درون سازمانی، شخصی، رایانه‌ای و علاوه بر اینها شبکه‌های فرامرزی که اطلاعات از طریق آنها جاری می‌شود.

برخی از محققان، شبکه‌ها و شبکه‌سازی را عامل تحولات و تغییرات اجتماعی می‌دانند. کاربران با حضور خود در این شبکه‌ها، صورتی جدید از تعاملات اجتماعی را به وجود می‌آورند. باید به خاطر داشت که کاربران با

بنیان اخلاقی که در جامعه واقعی دارند و محدودیت‌هایی که با آن مواجه هستند، با ورود به محیط‌هایی مجازی به تعامل با دیگران می‌پردازند و پا به جوامع مجازی می‌گذارند. به عبارت دیگر شبکه اجتماعی، سایت یا مجموعه‌ای است که به کاربرانی که دوست دارند علاقه‌مندی‌ها، افکار، فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم با آنان به اشتراک بگذارند، بدون هیچ محدودیتی، میسر می‌سازد.

واژگان کلیدی:

شبکه، شبکه اجتماعی، فیس‌بوک، توییتر، فضای سایبر، فضای مجازی

مفهوم‌شناسی شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی، به مجموعه‌ای از افراد که به صورت گروهی با یکدیگر ارتباط داشته و مواردی مانند اطلاعات، نیازمندی‌ها، فعالیت‌ها و افکار خود را به اشتراک بگذارند، شبکه‌های اجتماعی گویند. شبکه‌های اجتماعی، به خصوص آنهایی که کاربردهای معمولی و غیرتجاری دارند، مکان‌هایی در دنیای مجازی هستند امکان برقراری ارتباط بین خود و هم‌فکرانشان را در زمینه‌های مختلف و مورد علاقه فراهم می‌کنند.

شبکه‌های اجتماعی، در واقع شبکه‌هایی هستند که توسط مجموعه‌ای از افراد و گروه‌های به هم پیوسته، در محیط اجتماعی فعالیت می‌کنند. به کاربران امکان می‌دهند، علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند؛ به عبارت دیگر، شبکه‌های اجتماعی پایگاه‌هایی هستند که با استفاده از یک موتور جستجو و افزودن امکاناتی مانند: چت، پیام‌رسانی الکترونیک، انتقال تصویر و صدا و...، امکان ارتباط بیشتر کاربران را در قالب شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی فراهم می‌آورند. وبلاگ‌ها، (۱) فیس بوک (۲)، توییتر (۳)، یوتیوب (۴)، و پادکست (۵)، از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند.

تاریخچه شبکه‌های اجتماعی

فضای مجازی امکان شکل‌گیری اجتماعات جدید را برای کاربران فراهم می‌کند. در سال ۱۹۶۰ نخستین بار بحث شبکه‌های اجتماعی در دانشگاه ایلی نیوز در ایالت متحده آمریکا مطرح شد، پس از آن در ۱۹۹۷ نخستین سایت شبکه اجتماعی به آدرس اینترنتی SixDegress.com راه‌اندازی شد. اما بعد از سال ۲۰۰۲ انفجار تجارت در وب سایت‌های شبکه اجتماعی مانند Friendestre، Orkut، Lindedin و... باعث تحول عظیم در این عرصه و شکوفایی شبکه‌های اجتماعی شد.

در سال ۲۰۰۴ سایت‌های شبکه اجتماعی «فرینداستر» با ۷ میلیون کاربر و «مای اسپیس» با ۴ میلیون کاربر مقام‌های اول را داشتند. در این سال سایت فیس بوک نیز راه‌اندازی شد.

سال ۲۰۰۵، سال ظهور قوانین، برای شبکه‌های اجتماعی بود زیرا بسیاری از اطلاعات شخصی افراد در اختیار این شبکه‌ها بود به همین علت، قوانینی مشخص برای حفظ این اطلاعات و نوع ارتباطات ایجاد کردند. سرانجام سال ۲۰۰۶، سال گسترش روزافزون کاربران و بازدیدکنندگان وب‌سایت‌های شبکه اجتماعی و همچنین سایر سایت‌های دیگر به شبکه اجتماعی بود.

سابقه شبکه‌های اجتماعی در ایران

کاربران اینترنتی ایرانی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی همپای کاربران سراسر جهان حرکت کرده‌اند. همان‌طور که زمانی ایرانی‌ها در زمینه وبلاگ‌نویسی از جمله کشورهای پیشرو در دنیا محسوب می‌شدند، در استفاده از برخی شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی نیز ایرانی‌ها زمانی در رده‌های بالا قرار داشتند. نخستین موج جدی فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی در ایران به استقبال از وب سایت اورکات^۱ بر می‌گردد.

اورکات شبکه اجتماعی تحت مالکیت شرکت گوگل است که در سال ۲۰۰۴ به وسیله یکی از کارمندان این شرکت راهاندازی شد. اورکات به سرعت مورد توجه کاربران ایرانی قرار گرفت و ایرانی‌ها در کنار برزیلی‌ها، آمریکایی‌ها و هندی‌ها به چهار ملیت برتر در این شبکه اجتماعی تبدیل شدند. تنها فیلتر شدن اورکات بود که توانست این وب سایت را از کانون توجه ایرانیان خارج کند. پس از فیلتر شدن اورکات نوبت به شبکه‌های اجتماعی ایرانی بود تا وارد دنیای مجازی شوند. از میان تجربه‌های ایرانی راهاندازی وبسایت‌های شبکه اجتماعی، تنها نمونه موفق و قابل توجه کلوب^۱ است که همچنان مورد اقبال کاربران داخل کشور قرار دارد و در سال‌های اخیر همواره از پایگاه‌های اینترنتی پربازدید ایران بوده است. علاوه بر چندین شبکه اجتماعی عمومی، چند شبکه اجتماعی تخصصی و حرفه‌ای ایرانی نیز راهاندازی شده‌اند که هنوز چندان مورد استقبال کاربران داخل کشور قرار نگرفته‌اند. «دوره»^۲، شبکه اجتماعی دانشگاهیان ایران و «یو۲۴»^۳، شبکه اجتماعی متخصصان ایران از جمله دیگر تجربه‌های ایرانی هستند.

شبکه اجتماعی فیس بوک نیز که سال‌ها در ایران فیلتر بود، در اواسط سال ۱۳۸۷ از فیلتر خارج شد و با استقبال گسترده کاربران در مدت کوتاهی به یکی از پربیننده‌ترین وبسایت‌ها در ایران تبدیل شد. رویدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری و طرح نام فیس‌بوک و چند شبکه اجتماعی دیگر به عنوان متهمان و تأثیرگذاران اتفاقات سیاسی، فیلتر شدن دوباره این وب سایت را به دنبال داشت.

انواع شبکه‌های اجتماعی

امروز کمتر کاربری است که در یک شبکه‌های اجتماعی آنلاین عضو

۱-Cloob

۲-Doreh

۳- u۲۴

نباشد، در حالی که هر روز بر تعداد و انواع شبکه‌های اجتماعی افزوده می‌شود؛ کاربران نیز تجربه جدید اجتماعی شدن را در آنها سیر می‌کنند.

بنابراین شناخت تنوع و قابلیت‌های هر یک از شبکه‌های اجتماعی به عنوان بخشی از رسانه‌های اجتماعی ضروری است. لذا لازم است تفاوت این شبکه‌ها را درک کنیم تا براساس آن در آنها فعالیت کنیم. وبسایت aboute شبکه‌های اجتماعی را به ۷ دسته مختلف تقسیم کرده است. در هر تقسیم‌بندی توضیح مختصری از این شبکه و چند نمونه از هر دسته را بیان می‌کنیم و سعی می‌کنیم نمونه‌های فارسی آن را معرفی کنیم:

۱- عمومی:

شبکه‌های اجتماعی عمومی، روی موضوع خاصی متمرکز نیست. تاکید این شبکه‌ها در ارتباط ماندن کاربرانشان با دوستانشان و ارتباط با افراد جدید است. این شبکه‌ها کاربران را به عضویت در گروه‌های مختلف و ارتباط با افرادی که علایق و سلاقی مشابه را دارند تشویق می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به شبکه‌های اجتماعی عمومی فیس‌بوک، های ۵، اورکات و ایرانی به کلوب و فیس‌نما اشاره کرد. شبکه‌های اجتماعی عمومی امروز در کشورها بازارهای بزرگی در اختیار دارند به عنوان مثال شبکه اجتماعی Qzone در کشور چین رتبه اول بازدید را دارد و فیس‌بوک و سایرین هنوز نتوانسته‌اند کاربران چینی را از این سایت بازدارند.

۱-۱- فیلم و موسیقی:

شبکه‌های اجتماعی فیلم و موسیقی، تمرکز بر ارتباط کاربران با همدیگر و لذت بردن از منافع مشابهی در زمینه فیلم و یا موسیقی دارد. این شبکه‌ها منابع بزرگی برای پیدا کردن اطلاعات کاملی در مورد فیلم مورد علاقه کاربران، پیدا کردن آهنگ‌های جدید با چک کردن لیستی از آهنگ‌های اشتراک گذاشته شده توسط کاربران و یا پخش فیلم، بازی و غیره است. شبکه‌هایی از این قبیل می‌توان به LastFM، Flixster، iLike اشاره کرد. هر روز

بر تعداد هواداران این شبکه‌ها افزوده می‌شود. ارتباط فیلم و موسیقی هر روز با شبکه‌های اجتماعی بهتر و نزدیکتر می‌شود و فعالان این عرصه در حال موج‌سواری از شبکه‌های اجتماعی هستند چون به عنوان ظرفیت به آن نگاه می‌کنند.

۲-۱- موبایل:

یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های اجتماعی کاربران تلفن همراه هستند. امروز بیش از نیمی از کاربران فیس‌بوک از طریق تلفن همراه وارد آن می‌شوند. اما شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه توانایی‌های بسیار خوبی برای تنظیم جلسات کاری که بی‌برنامه و به مقتضای وقت انجام نمی‌شود را دارند. این شبکه‌ها به کاربران امکان تنظیم جلسات کاری خود بدون حضور در محیط کار و فعالیت فراهم می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به، dodgeball، Mozes، Loopt اشاره کرد. رشد شبکه‌های اجتماعی تحت موبایل که بر بستر «اپلیکشن» فعالیت می‌کنند روز به روز بیشتر می‌شود چون «پلتفرم» موبایل (اندروئید یا آی او اس) را برای توسعه خود در نظر گرفته‌اند.

۳-۱- شبکه پت (Pet)

ممکن است این‌گونه وانمود شود که شبکه‌های اجتماعی فقط به انسان محدود شده‌اند؟ در صورتی که بسیاری از شبکه‌های اجتماعی از فنر گرفته تا پرمو، سگ و گربه و غیره وجود دارند و فعال هستند. یکی از این شبکه‌ها، شبکه پت (Pet) است که کاربران آن، صاحبان حیوانات خانگی هستند. در این شبکه‌ها می‌توان اطلاعات مفیدی در مورد حیوان‌های خانگی بدست آورد حتی اگر کاربری تصمیم به خرید حیوان خانگی گرفت با شرکت در این شبکه اطلاعات مفید و کاملی می‌تواند پیدا کند، مشاوره کند و انتخاب درستی را انجام دهد. برخی از این شبکه‌ها عبارتند از: Dogster، Catster در ایران نیز فروم‌های تخصصی در این زمینه فعال است اما شبکه اجتماعی خاصی مورد توجه نبود.

۲- تخصصی

امروز علاقه‌مندی‌ها، مهم‌ترین انگیزه بشر برای زندگی محسوب می‌شوند، این شبکه‌ها منابع بسیار خوبی از سرگرمی‌های مختلف، اطلاعات مکان‌ها، اطلاعات کاملی از مشاوره‌های گوناگون، کسانی که به دوچرخه‌سواری علاقه دارند، گروه‌هایی که به ورزش اختصاص داده شده، علاقه‌مندان به ماشین، توصیه‌های پزشکی و در یک کلام کاری که کسی به آن عشق و علاقه دارد) است. نمونه این شبکه‌ها، FanIQ ActionProfiles است. مطمئناً در آینده شبکه‌های اجتماعی موضوعی بیشتری در این زمینه شکل می‌گیرند و علاقه‌مندان بیشتری به عرصه شبکه‌های اجتماعی وارد می‌شوند و مفاهیم و محتوای تخصصی و جذاب بیشتری تولید می‌شود.

۲-۱- کسب‌وکار

این شبکه‌ها در حوزه‌های کسب‌وکار و مشاغل فعالیت می‌کنند. به جرات می‌توان گفت برای پیدا کردن شغل، یکی از بهترین راه‌ها شبکه‌ها اجتماعی هستند. شبکه‌های اجتماعی کسب‌وکار به کاربر این امکان را می‌دهند که به سرعت و به راحتی لیستی از مخاطبان کسب‌وکار مورد نظر خود را پیدا کرده و ارتباطات کاری با آنها برقرار کند. مهم‌ترین شبکه اجتماعی در این دسته LinkedIn همچنین XING و Konnects در این مجموعه است. از شبکه‌های اجتماعی کسب‌وکار فارسی می‌توان به سایت ۲۴U اشاره کرد. البته سایت‌های کاربایی داخلی نیز در این زمینه فعال شده‌اند و اقدام به جمع‌آوری اطلاعات کاربایان در این زمینه می‌شود.

۲-۲- کتاب

این شبکه‌ها اطلاعات مفیدی در مورد کتاب‌ها، موضوعات آنها، تحلیل و غیره ارائه می‌کنند. همچنین کاربران می‌توانند کتابی مناسب می‌دانند آن را به سایر کاربران توصیه کنند و به اشتراک بگذارند. به عنوان مثال شلفری شبکه اجتماعی کتاب است که به آمازون تعلق دارد، GoodReads و

LibraryThing از دیگر شبکه‌های اجتماعی کتاب محور است. نمونه فارسی آن نیز شبکه کتاب خوانان حرفه‌ای است.

بنابراین با ملاحظه موارد فوق می‌توان این‌گونه بیان داشت که در دنیای حقیقی هیچ‌گاه افراد علاقه مند، موضوعات مورد علاقه خود را با این گستردگی پیدا نمی‌کنند. این دلیل و شاید دلایل مشابه این، سرویس‌های شبکه‌های اجتماعی را به یکی از مهم‌ترین ارکان اینترنت در چند سال اخیر تبدیل کرده است و باعث شده شکل‌گیری انواع مختلفی و گسترده‌ای از این شبکه‌ها به وجود آیند.

تقسیم‌بندی شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به دو دسته شبکه‌های مجازی و شبکه‌های غیرمجازی تقسیم کرد.

۱- شبکه‌های غیرمجازی در واقع شبکه‌هایی هستند که توسط مجموعه‌ای از افراد و گروه‌های به هم پیوسته، در محیط اجتماعی عمل می‌کنند.

۲- شبکه اجتماعی مجازی یا شبکه اجتماعی اینترنتی، وب سایت یا مجموعه‌ای از وب سایت‌هایی است که به کاربران امکان می‌دهد، علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند؛ به عبارت دیگر، شبکه‌های اجتماعی سایت‌هایی هستند که با استفاده از یک موتور جستجوگر و افزودن امکاناتی مانند چت، پیام رسانی الکترونیک، انتقال تصویر و صدا و...، امکان ارتباط بیشتر کاربران را در قالب شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی فراهم می‌آورند، وبلاگ‌ها، فیس بوک، توییتر، یوتیوب، پادکست، از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند.

نقش شبکه‌های اجتماعی در جهت‌دهی به افکار مردم از دو جنبه قابل بررسی است:

اهمیت شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های ارتباط جمعی در فضای مجازی

در جوامع در حال توسعه نظیر ایران، با تغییرات فاحش در بافت اجتماعی خود مواجه است. با افزایش پرشتاب قشر تحصیل کرده دانشگاهی، روزبه‌روز به میزان طبقه نوظهور متوسط افزوده می‌شود. پیامد ایجاد چنین طبقه اجتماعی در جوامع انسانی، پرورش نخبگان جدید در سطح جامعه و تغییر در ترکیب و ساختار نخبگان قبلی می‌باشد. این فرآیند تدریجی در بلند مدت، منجر به تغییر ذائقه ارتباطی عموم جامعه می‌شود. در حقیقت همین عامل اساسی توجه طراحان جنگ نرم برای تمرکز بر فضای مجازی را تشکیل می‌دهد. به عبارتی با شکل‌گیری طبقه جدید و تحصیل کرده در کشور این گروه برای دسترسی به اطلاعات و اخبار و... خود را محدود به رسانه‌های سنتی نظیر رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها نمی‌کنند. بلکه با استفاده از امکانات نوین نظیر اینترنت و بهره‌گیری از قابلیت‌های آن نیازهای اطلاعاتی خود را برطرف می‌سازند. از این رهگذر ایجاد شبکه‌های مجازی در اینترنت فرصت بسیار مناسبی برای سازماندهی و تأثیرگذاری بر این قشر می‌باشد.

تحقیقات انجام شده و بررسی‌ها نشان می‌دهد در ایران در بین ۱۳ سایت برتر، ۴ وب‌سایت مرتبط با شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. بر همین اساس نمی‌توان از نقش سایت‌هایی چون «توییتر»^۱، «فیس‌بوک»^۲، «یوتیوب»^۳ در شکل‌دهی به اعتراضات جمعی و شبکه‌سازی در اجتماع به سادگی گذشت. فیس‌بوک نقش مهمی در جمع‌آوری کمک و حمایت برای فتنه‌گران در سال ۱۳۸۸ داشت. صفحه فیس‌بوک سران فتنه روزانه هزاران بیننده داشت. دوربین‌های دیجیتال و موبایل‌ها تصاویری از آشوب‌ها و اعتراضات ثبت و به یوتیوب فرستاده می‌شد. همچنین از توییتر برای لینک دادن به وبلاگ‌ها و صفحات وبی که حاوی عکس‌ها و ویدیوهای اغتشاش‌گران بود استفاده

^۱- Twitter

^۲- Face book

^۳- You Tube

می‌کردند. توییتر در هماهنگی حوادث پس از انتخابات نقش بسزایی داشت، چرا که در سایت‌ها تنها دو یا چند نفری که با هم ارتباط دارند، می‌توانند به مطالب یکدیگر دسترسی پیدا کنند ولی توییتر این موانع را کاهش داد و توانست تمامی کسانی را که در این سایت نام‌نویسی می‌کنند، با یکدیگر مرتبط شوند.

الف) ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی

امروزه فراگیری اینترنت و فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، موجب ظهور فضای مجازی در کنار جهان واقعی شده است این امر معادلات و الگوهای ارتباطات سنتی، تولید، انتقال و مصرف اطلاعات را بر هم زده و سبب تغییر در آن شده است. چنین فضایی که به عنوان واقعیت مجازی یکپارچه، در نظر گرفته می‌شود، از ویژگی‌هایی چون: بی‌مکانی، فرا زمان بودن، صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی متکی بر دولت - ملت‌ها، از معرفت‌شناسی تغییر شکل یافته پسامدرن برخوردار بودن، قابل دسترس بودن همزمان، روی فضا بودن و برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و نیز آزادی از هویت بدنی و جنسی جدید برخوردار است. (Myers ۲۰۰۰) شبکه‌های اجتماعی مجازی، امروزه نقش بسیار مهمی در خلق این فضای مجازی دارند. که در این نوشتار به برخی از این ظرفیت‌ها به طور اجمال اشاره می‌کنیم.

۱- پاسخ‌گویی سریع به نیازها: استقبال از شبکه‌های اجتماعی از آن‌روست که کاربران اینترنتی می‌توانند برای اغلب نیازهای آنلاین خود در این وب سایت‌ها پاسخ مناسب بیابند. شبکه‌های اجتماعی متناسب با نوع موضوع فعالیت‌شان، امکانات دیگری از قبیل خبرخوان‌های اینترنتی، بازی‌های آنلاین، قابلیت آپلود کردن ویدئوها و فایل‌های کامپیوتری و برقراری ارتباط با سایر رسانه‌های شخصی را نیز در گزینه‌هایشان دارند. بدین ترتیب، می‌بینیم که اغلب امکاناتی را که کاربران اینترنتی پیش از این از

طریق مراجعه به چندین وب سایت کسب می کردند، یک جا در شبکه های اجتماعی دریافت می کنند. پس بی دلیل نیست که کاربران بخش قابل توجهی از زمانی را که در اینترنت به سر می برند در شبکه های اجتماعی حضور دارند.

۲- امکان برقراری ارتباط شبکه ای: در شبکه های اجتماعی، کاربران می توانند پروفایل های شخصی برای خودشان بسازند که شامل مشخصات، تصاویر، علاقه مندی ها و ... است. اما شبکه ای شدن این وب سایت ها از جایی آغاز می شود که هر کاربر لیستی از دوستان تهیه می کند و این پروفایل های شخصی به یکدیگر متصل می شوند. هر کاربر می تواند دوستان و آشنایانی که در همان شبکه اجتماعی حضور دارند را به لیست دوستان خود بیافزاید. همچنین کاربران می توانند با جستجو در پروفایل های کاربران و مشاهده مشخصات آنها با افراد جدیدی آشنا شوند و لیست دوستان خود را گسترده تر کنند. اینها ابتدایی ترین امکانات شبکه های اجتماعی است و این وب سایت ها در سال های اخیر تلاش کرده اند، تا گزینه های بیشتری در اختیار کاربران خود قرار دهند. امکانی شبیه به وبلاگ ها و میکرو بلاگ ها برای نوشتن مطالب کوتاه و یادداشت های روزانه و فضایی شبیه به سایت های عکس برای قرار دادن تصاویر شخصی، ایجاد فضایی شبیه به چت برای گفتگوهای فوری میان کاربران، قابلیت ساختن اتاق های گفتگو و صفحات هواداری شبیه به فروم های اینترنتی از جمله ساده ترین این امکانات است.

۳- عامل موفقیت های سازمانی: شبکه های اجتماعی برای بررسی چگونگی تأثیرات متقابل میان تشکیلات، توصیف بسیاری از اتصالات غیررسمی که مجریان را به یکدیگر متصل می کند، نیز مورد استفاده قرار گرفته است و در این زمینه ها نیز به خوبی برقراری ارتباطات فردی میان کارمندان در سازمان های مختلف عمل می کند. شبکه های اجتماعی نقش کلیدی در موفقیت های تجاری و پیشرفت های کاری ایفا می کنند. شبکه ها راه هایی را برای شرکت ها و سازمان ها و نهادها فراهم می کنند که اطلاعات

جمع‌آوری کنند، از رقابت بهره‌یزند و حتی برای تنظیم قیمت‌ها و سیاست‌ها با هم تبانی کنند.

۴- شناخت و معرفی ایده‌ها: یکی از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی قابلیت معرفی ایده‌های جدید برای نخبگان و اندیشمندان در دیگر کشورهای جهان همچنین مکانی برای شناخت ایده‌های نو و جدید سایر نقاط جهان هستند.

۵- امکان برقراری بین خود و هم‌فکران: شبکه‌های اجتماعی، به‌خصوص آنهایی که کاربردهای معمولی و غیرتجاری دارند، مکان‌هایی در دنیای مجازی هستند و امکان برقراری ارتباط بین خود و هم‌فکرانشان را در زمینه‌های مختلف مورد علاقه فراهم می‌کنند. البته در بعضی از این موارد مثل مای‌ناسا سمت و سوی اصلی این علایق (فضا) مشخص است.

۶- گستردگی و بدون محدودیت: حقیقت این است که در دنیای واقعی هیچ‌گاه افراد علاقه‌مند، موضوعات مورد علاقه خود را به این گستردگی نمی‌یابند. این دلیل و شاید دلایل مشابه این، سرویس‌های شبکه‌های اجتماعی را به یکی از مهم‌ترین ارکان اینترنت در دو، سه سال اخیر تبدیل کرده‌است.

ب) تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی

با رشد رسانه‌های نوین، مبارزات، تخاصمات و دشمنی‌ها میان دولت‌ها و ملت‌ها نیز وارد فاز جدیدی شده است که برخلاف دوره مدرن و عصر نخست، آینده آن به طور کامل قابل پیش‌بینی نیست، زیرا در عصر رسانه‌ها که در آن بحث رسانه‌های الکترونیک جدید، حاکمیت دارند و اطلاعات حرف آخر را می‌زنند، پدیده‌ها کمتر قابل پیش‌بینی‌اند (گل محمدی، ۱۳۸۳). اما رسانه‌های نوین علاوه بر محاسن و ظرفیت‌های فراوان در پیشبرد اهداف و ماموریت‌های بشر، دارای تهدیدهای بسیار مهم روانی و سیاسی است که می‌توانند، زمینه و بستر مناسبی برای جنگ نرم ایجاد کنند.

در مورد تهدیدات شبکه‌های اجتماعی، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- کاهش احساسات: با توجه به اینکه ارتباطات در این فضا اغلب، به صورت نوشتاری است، فاقد احساسی است که در فضای واقعی، از طریق قدم زدن، سخن گفتن و... به دست می‌آید. افراد با وجود امکانات ارتباطی در فضای مجازی، دیگر اهمیتی به کیفیت روابط نمی‌دهند و این مسأله، به کاهش بیشتر احساسات منجر می‌شود.

۲- متن‌گرایی: علی‌رغم امکانات چند رسانه‌ای موجود در فضای مجازی، بخش عمده‌ای از ارتباطات در فضای مجازی را ارتباطات متنی در قالب ایمیل و چت تشکیل می‌دهد. ارتباطات متنی می‌تواند شکل جدیدی از هویت مجازی را شکل دهد.

۳- انعطاف‌پذیری هویتی: افراد در فضای مجازی، به دلیل نبود راهنماهای چهره‌ی، می‌توانند بازنمایی‌های متفاوتی از خود ارائه دهند.

۴- دریافت‌های جایگزین: در ارتباطات مجازی، کاربران می‌توانند دیوارها را بشکنند، به حوزه خصوصی دیگران وارد شوند و حرف‌هایی را که حاضر نیستند، در ارتباط چهره به چهره به بگویند، بشنوند.

۵- بسیج افکار عمومی: رسانه‌های نوین، بر افکار عمومی و بسیج آنان تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد. به‌گونه‌ای که به واسطه این رسانه‌ها، فضایی عمومی شکل می‌گیرد و افراد بسیاری، بدون آن که یکدیگر را ببینند، تبادل نظر کنند، مانند یکدیگر فکر و در نتیجه مانند یکدیگر نیز عمل می‌کنند. بر این اساس، از طریق تولید پیام، شعار و اندیشه، به شیوه‌ای هنری و از طریق تصویر، گرافیک، صدا و موسیقی، تصورات دستکاری، بسیج می‌شوند و در نهایت فعالیت سیاسی، این امکان را می‌یابد که با زندگی روزمره آمیخته شود.

بنابراین مانند گذشته، نیازی نیست که برای تبدیل افکار عمومی به نیروی اجتماعی و تغییر اوضاع سیاسی، به اهرمی مانند حزب سیاسی متوسل شد. اگر این تغییر در افکار عمومی پیدا شود، مردم در مواقع مهم تاریخی، خود راه را باز می‌کنند و احتیاجی به اعمال نیرو، فشار و زور از طریق

اهرم‌های جدا از مردم وجود ندارد. با از بین رفتن بسترهای هدایت و کنترل افکار عمومی، امکان شکل‌گیری نارضایتی‌ها، اغتشاشات اجتماعی و... متصور خواهد بود.

۶- تهدید امنیت ملی: یکی از آسیب جدی شبکه‌های اجتماعی برای دولت‌ها این است که جنبش‌های اجتماعی جدید دارای هویت‌های دگرخواهانه دارند، اهمیت بیشتری به هویت داده و در برابر محدودیت‌ها مقاومت می‌کنند. این جنبش‌ها تلاش دارند، تا با اشکال جدید تکنولوژی‌های ارتباطی و تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سازگار شوند. استمرار این روند به مخاطره افتادن امنیت ملی دولت‌ها را فراهم می‌سازند.

۷- تسهیل بازیگران سیاسی در عرصه‌های قدرت: به اعتقاد مانوئل کاستلز، رقبا و بازیگران سیاسی، از طریق رسانه‌های نوین، در بازی قدرت حضور دارند و از آنجا که اطلاعات و ارتباطات، اغلب از طریق شبکه جهانی اینترنت و ماهواره‌ها و خبرگزاری‌ها صورت می‌گیرد، بازی سیاسی، به نحو فزاینده‌ای در فضای رسانه‌ها صورت می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۰). شبکه‌های اجتماعی شکل اجتماعی نوینی از ارتباطات را در عین حال توده‌ای است به وجود می‌آورد؛ اما به صورت انفرادی تولید و دریافت می‌شود و تاثیر می‌گذارد. و در سراسر جهان، به ابزاری در خدمت جنبش‌های اجتماعی تبدیل می‌شود.

۸- بررسی میزان توانمندی: شبکه‌های اجتماعی مجازی همانند آزمایشگاهی است که جنبش‌های اجتماعی، میزان توانمندی خود را بررسی می‌کنند. در چنین حالتی شبکه‌های اجتماعی، تنها به عنوان وسیله سیاسی عمل نمی‌کنند، بلکه خود به فضای سیاسی تبدیل می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی این امکان را به جنبش‌های اجتماعی می‌دهد که روش‌های سنتی بیان اعتراضات خود، همانند راهپیمایی‌ها، اعتراضات، شعارها و استفاده از نمادها را آسان‌تر به کار برده و آنها را با روش‌های نمادین جدید ترکیب کنند.

بر همین اساس، این جنبش‌ها توانمندی بیشتری برای جذب طبقه جوان جامعه و شکل دادن به افکار عمومی دارند. با کاربرد تکنولوژی‌های اطلاعاتی جنبش‌های اجتماعی به استفاده از پوشش رسانه‌ای جمعی نیازی ندارند.

۹- رسانه‌ای شدن فضای سیاست: از دیگر آسیب‌های سیاسی رسانه‌های نوین، می‌توان به رسانه‌ای شدن فضای سیاست اشاره کرد. از دید کاستلز در جامعه کنونی، سیاست به معنای سیاست رسانه‌ها است. رسانه‌ها، پس زمینه همیشگی بازی سیاست و حوزه‌ای عمومی هستند که در آن قدرت به نمایش درمی‌آید و درباره‌اش داوری می‌شود. اگرچه سیاستمداران برای کسب قدرت سیاسی در رسانه‌ها، از تکنیک ترور شخصیت، رسواگری و جنجال استفاده می‌کنند و این مسأله معرف خوبی برای جامعه دموکراتیک غیر دینی است. ولی باید به این نکته توجه داشت که ویژگی اصلی سیاست رسوایی و جنجال این است که همه کنش‌گران سیاسی شرکت کننده در آن، خود به دام این روند می‌افتند و اغلب، نقش‌ها معکوس می‌شوند؛ چرا که شکارچی امروز شکار فردا است.

۱۰- پدید آوردن جهل عمومی: یکی دیگر از آسیب‌های جدی شبکه‌های اجتماعی، به علت توانمندی آن‌ها برای پنهان کردن و پوشاندن اطلاعات، در نهایت موجب پدید آوردن جهل عمومی می‌شوند.

۱۱- عدم توانایی برای نهادسازی سیاسی: یکی دیگر از تهدیدات شبکه‌های اجتماعی در جریان اعتراضات و پس از آن، عدم توانایی برای نهادسازی سیاسی است؛ برای مثال توییتر یا فیس‌بوک، تنها می‌توانند به شکل دهی اغتشاشات و سقوط حکومت‌ها کمک کنند؛ اما توانایی برنامه‌ریزی برای اداره حکومت یا ایجاد نهادهای دموکراتیک را نداشته و نمی‌تواند، از آرمان‌ها و اهداف مورد نظر دفاع کنند.

۱۲- فریب افکار عمومی: از دیگر تهدیدهای جدی شبکه‌های اجتماعی مجازی این است که به میزان قابل توجهی، کنترل سیاسی و مردم‌فریبی را

بالا می‌برد، زیرا پیشرفت تکنولوژی، چنان از ارتقای بصیرت افراد پیشی می‌گیرد که افراد هنگام رویارویی با تکثیر سریع اطلاعات به طور محسوسی بی‌دفاع می‌مانند.

۱۳- خارج شدن سیاست از فرایند عقلانی: یکی دیگر از آسیب جدی رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی خارج شدن سیاست از فرایند عقلانی است؛ زیرا شبکه‌های اجتماعی، در حال دگرگون کردن سیاست هستند؛ به عبارت دیگر، زندگی سیاسی به مقدار زیادی در محدوده رسانه قرار گرفته است؛ یعنی سیاست منطق رسانه‌ها را پذیرفته و در این فرایند خود دگرگون شده است.

۱۳- شخصی‌سازی سیاست: ظهور شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین به عنوان مرکز قدرت خودگردان است که به تقویت شخصی‌سازی سیاست کمک می‌کنند. در این فرایند، سیاست به عنوان نمایش، مخاطب نیز به عنوان تماشاچی در نظر گرفته می‌شود. همه اینها بدان معناست سیاست، به عنوان یک سری حرکات نمادین که ما به آنها واکنش نشان می‌دهیم، عمل می‌کند. تحت تأثیر این تغییرات، سیاستمداران، بیش از پیش رسانه‌ای شده و به انسان‌های معمولی تبدیل می‌شوند. آنها افراد معروفی می‌شوند که مشابهت‌های زیادی با افراد سرگرم کننده دارند و مانند یک کالای تجاری تبلیغ می‌شوند.

۱۴- وارونه شدن نظریه‌های مدرن در عرصه‌های سیاست و اجتماع: وارونه شدن برخی نظریه‌های مدرن در عرصه‌های سیاست و اجتماع، یکی دیگر از آسیب‌های جدی شبکه‌های اجتماعی است. یکی از این تئوری‌ها، تئوری دموکراسی به معنای حق تعیین سرنوشت ملت‌ها از سوی خود آنهاست. فناوری اطلاعاتی و ارتباطی و امپریالیسم رسانه‌ها، به طرق مختلف، این تئوری مهم سیاست و حکومت را به چالش کشیده است که به دو شکل این چالش اشاره می‌شود:

چالش اول اینکه دموکراسی دیگر معنای حکومت مردم بر مردم نمی‌دهد. احزاب، گروه‌ها و نخبگان سیاسی، با تسلط بر ابزارهای ارتباطی و به یاری امپراطوری رسانه‌ها، ایده‌ها و برنامه‌های خود را بر مردم تحمیل می‌کنند و گزینش‌ها، نه براساس توانایی و شایستگی، بلکه براساس میزان سرمایه و تسلط منتخب بر رسانه‌ها صورت می‌گیرد؛ هرچند که قدرت تبلیغات و آثار منفی آن، در همه جوامع، حتی جوامع ابتدایی وجود دارد؛ اما با گسترش فناوری ارتباطی و اطلاعاتی و پیدایش انواع رسانه‌های مجازی، این قدرت پیچیده‌تر گردیده است.

چالش دوم برای دموکراسی، پیدایش مفهومی به نام دیکتاتوری اقلیت در سایه امپراطوری رسانه‌ها است که در اساس با ماهیت دموکراسی در تضاد است. مفهوم دیکتاتوری اقلیت، تنها در سایه فناوری ارتباطات، به ویژه رسانه‌های مجازی شدنی است، چرا که اقلیت مسلط بر این رسانه‌ها مانند اشرافیت قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی، در پی تحمیل افکار، امیال و عقاید خود بر دیگران است.

افزایش تعارضات ساختاری و دوگانگی هویت، یکسان‌سازی فرهنگی، تقویت گرایش‌های گریز از مرکز (فروملی و فراملی) و اخلال در روند وحدت ملی، ایجاد اختلاف و شکاف میان ملت‌ها به دلیل ملی‌گرایی افراطی، ایدئولوژی‌های متضاد و در نهایت بروز شکاف فرهنگی، یکپارچگی افقی گروه‌ها و طبقات و تشدید دوقطبی، تضاد با ارزش‌ها، باورها، تضعیف پیوندهای سنتی از طریق تقویت و تبلیغ ارزش‌های غربی و کمک به استحاله فرهنگی، بهره‌برداری تبلیغاتی و انتشار اخبار غیر واقع تحریف شده، ایجاد نخبگان سیاسی و فرهنگی وابسته، به جریان‌ات خود ساخته از طریق شبکه ارتباطی، از دیگر تهدیدهای سیاسی شبکه‌های اجتماعی مجازی محسوب می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چنانکه گذشت، شبکه‌های اجتماعی مجازی، اجتماعات مجازی موجود در فضای سایبر هستند. شکل‌گیری این شبکه‌ها از طریق سایت‌های خبری، وبلاگ‌های خبری و تحلیلی، گروه‌های اینترنتی، فضاهای گفتگوی مجازی (چت روم‌ها) و حلقه‌های آشنایان همچون اورکات و یاهو ۳۶۰ درجه و... هریک فضایی مجازی را ایجاد می‌کنند که در آن تبادل اخبار و اطلاعات صورت می‌گیرد. وبلاگ، فیس بوک، توییتر، از جمله سایت‌هایی هستند که قابلیت شبکه‌سازی وسیعی در اینترنت ایجاد کرده‌اند. در برخی مواقع، این شبکه‌ها به عنوان سربازان جدید جنگ نرم دول غربی، اقدامات خود را به فضای واقعی جامعه نیز تسری داده و هماهنگی و سازماندهی بسیاری از تجمع‌های سیاسی و اعتراضی را بر ضد دولت‌های هدف برعهده می‌گیرند.

بخش عمده‌ای از فتنه ۸۸، در فضای سایبر ساماندهی شد. زیر سؤال بردن انتخابات و تکرار دروغ بزرگ تقلب در انتخابات، پوشش غیرواقعی خبری اغتشاشات و دعوت به تجمعات غیر قانونی، توهین و فحاشی، دخالت آشکار بعضی سیاستمداران و دولتمردان غربی در امور داخلی ایران و دامن زدن به ناآرامی‌های موجود، بیانیه نویسی، نامه‌نگاری، راه‌اندازی کمپین علیه انقلاب اسلامی به بهانه‌های مختلف، هدایت، آموزش و تشویق اغتشاشگران برای ایجاد ناامنی و آشوب، هدایت، آموزش و تشویق اندک هواداران داخلی به هنجارشکنی و ایجاد ناامنی در جامعه، هتک حرمت به مسئولان و توده‌های مختلف مردم و آموزش و تشویق اغتشاش‌گران برای انجام عملیات تروریستی، به منظور ایجاد ناامنی در کشور، از جمله نمونه‌های کاربرد شبکه‌های اجتماعی مجازی علیه کشورمان است. فضای سایبر یکی از مهم‌ترین ابزارهای استکبار جهانی به خصوص آمریکا در قرن بیست و یکم برای اجرای پروژه‌های جنگ فرهنگی، رسانه‌ای، سایبر و همچنین تغییر حکومت در کشورها، به خصوص کشورمان محسوب می‌گردد.

مقابله با ایجاد و نشر شایعه‌های برانداز، نادیده انگاشتن شایعات ضعیف و پاسخ غیرمستقیم به آن، مقابله با شایعه وجود شکاف میان جامعه و حاکمیت، پرهیز از تهدیدانگاری بیش از حد در فعالیت نهادهای غیردولتی و گسترش آزادی‌های مدنی در چارچوب قانون اساسی، همراه با هوشیاری لازم برای اجتناب از تهدیدات احتمالی این نهادها در حوزه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی، قانونمند کردن مقابله با جرایم سایبر و تلفن همراه، افزایش تعامل و هم‌اندیشی میان کارشناسان وزارتخانه‌های اطلاعات، فناوری ارتباطات، قوه قضائیه، قوه مقننه و پلیس امنیت اجتماعی و اخلاقی ناجا و حمایت تقنینی و مالی، از تعمیق قدرت نرم نظام در محیط‌های مجازی، از جمله راهکارهای مقابله با این تهدیدات است.

در برخی مواقع، این شبکه‌ها به عنوان سربازان جدید جنگ نرم دول غربی، فعالیت‌های خود را به فضای واقعی جامعه نیز سرایت داده و هماهنگی و سازماندهی بسیاری از تجمع‌های سیاسی و اعتراضی را بر ضد دولت هدف برعهده می‌گیرند. بنابراین نقش شبکه‌های اجتماعی را در هدایت افکار عمومی نباید نادیده گرفت. شبکه کانون‌ها و پایگاه‌های مبارزاتی قبل از انقلاب که با مدیریت معنوی حضرت امام خمینی^(ره) فعالیت می‌کرد، از جمله شبکه‌های عظیم فرهنگی مذهبی و سیاسی بود که نقش اساسی در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا نمود. از طرفی نگاهی به برخی کشورهای مدل نظیر گرجستان، قرقیزستان، لتونی، اکراین و... بیانگر قدرت این شبکه‌ها می‌باشد. از آنجا که یکی از ویژگی‌های اصلی انقلاب‌های مخملی قابلیت ترمیم و بازسازی خود پس از ناکامی در یک مقطع حساس می‌باشد، از مسئولان انتظار می‌رود که قبل از ایجاد موج جدید از نافرمانی‌های مدنی توسط این گروه‌ها اقداماتی در جهت سامان‌دهی و نظارت بر این شبکه‌های اجتماعی انجام دهند.

منابع و پی‌نوشت

- ۱- وبلاگ را صفحه‌ای اینترنتی با حداقل یا هیچ نوع ویرایش خارجی تعریف می‌کنند که به ارائه تفسیری آنلاین پرداخته، به طور ادواری به روز شده، با ترتیب زمانی معکوس نشان داده می‌شود و لینک‌هایی را به دیگر منابع آنلاین می‌دهد. شبکه وبلاگستان هر جامعه، بازتاب منحصر به فردی از ویژگی‌های خاص فرهنگی، سیاسی و تاریخی آن جامعه خواهد بود.
- ۲- فیس‌بوک هم یک شبکه اجتماعی مجازی با دسترسی آزاد است که کاربران می‌توانند پس از عضویت در آن، علاوه بر اطلاعات شخصی و شغلی خود، تصاویر، فیلم‌ها و اخبار را هم به‌سادگی در اختیار دیگر کاربران بگذارند. مارک زوکربرگ متولد ۱۹۸۴ میلادی در شهر نیویورک آمریکا مؤسس و گرداننده رسمی شرکت فیس بوک است. بنا بر سایت ویکی‌پدیا، این یهودی‌زاده که به گفته خود ملحد می‌باشد، نسخه نرم‌افزاری فیس بوک را در سال ۲۰۰۴ میلادی، در زمان تحصیل در دانشگاه هاروارد به نام خود ثبت نمود.
- ۳- توییتر هم یک سرویس به اصطلاح میکروبلاگینگ است که با شعار «چه کار می‌کنید؟» (what are you doing) در مارس ۲۰۰۶ پا به عرصه وجود گذاشت. هدف اصلی توییتر، فراهم کردن این امکان بود که کاربران اینترنت بتوانند در هر لحظه و به‌سادگی اتفاقاتی را که در اطرافشان در حال وقوع است، در فضای مجازی منتشر کنند.
- ۴- یوتیوب، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های وب ۲ و معروف‌ترین پایگاه به اشتراک‌گذاری ویدیو است. یوتیوب به وسیله چاد هرلی، استیون چن و جواد کریم به وجود آمد که هر سه از کارمندان شرکت Pay Pal بودند. دامنه یوتیوب در ۱۵ فوریه ۲۰۰۵ ثبت شد و پایگاه آن به تدریج در ماه‌های بعد راه‌اندازی شد. شش ماه بعد در ماه مه ۲۰۰۵ به طور رسمی و عمومی افتتاح شد.
- ۵- پادکست‌ها، فایل‌های صوتی یا تصویری هستند که در اینترنت منتشر می‌شوند و کاربران می‌توانند مشترک آن‌ها شوند.
- ۶- Cyberapartheid پارتاید در فضای اینترنت.
- ۷- Cyberbalkanization دسته‌بندی اینترنت به گروه‌های بسیار متمرکز از اشخاص همفکری که نسبت به دیگران تنفر داشته یا کمترین تساهل را دارند.
- ۸- Cocooning.
- ۹- موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران- براندازی نرم در کشورهای مدل.
- ۱۰- جین شارپ- از دیکتاتوری تا دموکراسی (ترجمه فارسی).
- ۱۱- عادل نوروزیان- بیوگرافی یحیی کیان تاجبخش.
- ۱۲- خبرگزاری فارس.

ضرورت اقتصاد مقاومتی در همه زمان‌ها نگاهی تطبیقی بر دیدگاه اقتصادی دولت یازدهم با اقتصاد مقاومتی»



اشاره

آنچه سبب طرح اقتصاد مقاومتی برای اولین بار توسط رهبری معظم انقلاب شد، مواجهه با جبهه استکبار در عرصه اقتصادی است. این مواجهه گاه به صورت تحریم‌های اقتصادی، سیاست‌های استعماری وارداتی، مصرفی کردن ملت‌ها و دولت‌ها و وابستگی کشورها به نفت و رانت‌های ناشی از آن و عقب نگاه داشتن اقتصاد ملی و تولید داخلی و کار و سرمایه درونی یک کشور است.

در واقع تحریم‌های اقتصادی تنها یکی از مؤلفه‌های نفوذ و یکی از حرب‌های استعمار برای مواجهه اقتصادی با انقلاب اسلامی ایران است. در کنار این شاخصه، عناصر کلیدی‌تر و اساسی‌تری همچون وابسته نگاه داشتن اقتصاد به نفت و درآمدهای نفتی و مصرفی بار آوردن ملت‌ها به جای پرداختن به تولید و ابتکار و نوآوری نیز وجود دارد که پیامدهای آن، چه مستقیم و

چه غیرمستقیم، بر اقتصاد و جنبه‌های گوناگون زندگی مردم از فرهنگ تا سیاست، قابل مشاهده و پیگیری است.

معظم‌له در این باره می‌فرمایند: «یکی از بزرگ‌ترین بلیات اقتصاد ما و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است.»^۱ بنابراین این نکته که مشکلات اقتصادی کشور، که عمدتاً در سال‌های اخیر به حد شدید و بحرانی رسیده است، ناشی از افزایش فشارها و تحریم‌های اقتصادی باشد و با رفع تحریم‌ها درآمد کشور مثل سابق می‌شود و اقتصاد رونق می‌گیرد، قابل تأمل و تردید است؛ چرا که اقتصاد کشور از بدو انقلاب اسلامی تاکنون شاهد نابسامانی‌های اقتصادی متعددی بوده است؛ زمانی که حتی بحث تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی مطرح نبوده است. در نتیجه باید دانست که مشکل اساسی و ریشه‌ای کشور با لغو تحریم‌ها، شاید اندکی تسکین یابد، اما این یک اثر مقطعی و محدود است و به عنوان یک راه‌حل قطعی و دائمی برای رفع مشکلات اقتصادی کشور محسوب نمی‌شود.

با وجود این کشور ما در یکی دو سال اخیر، دچار مشکلات فراوانی از جمله تحریم و کاهش درآمدهای نفتی بوده است که لزوم توجه دولت در برنامه‌های خود به این امر وجود دارد. اما دولت تا چه حد سعی بر از بین بردن این مشکلات داشته و تا چه حد توانسته بر اتکای خود به خارج بکاهد؟ جایگاه اقتصاد مقاومتی در برنامه‌های دولت کجاست؟

از این رو برای سنجیدن میزان هماهنگی برنامه‌های اقتصادی دولت با اقتصاد مقاومتی، ابتدا باید خاستگاه، الزامات و محورهای مرتبط با اقتصاد مقاومتی را شناخت و پس از آن، با توجه به شعارها و عملکرد دکتر روحانی، به میزان همخوانی و تناسب برنامه‌های ایشان با اقتصاد مقاومتی پی برد.

کلیدواژه‌ها: تحریم، اقتصاد مقاومتی، دولت یازدهم

خاستگاه و تبیین اقتصاد مقاومتی

بحث اقتصاد مقاومتی از سال ۱۳۸۶ از سوی رهبر معظم انقلاب مورد تصریح و اشاره قرار گرفت و هدف از آن مقابله با طراحی‌های دشمن برای فشار اقتصادی بر کشور و جلوگیری از ضربه زدن به اشتغال و رشد ملی و طبعاً رفاه ملی برشمرده شد؛ تحریم‌هایی که به هدف جدایی مردم از نظام اسلامی طرح‌ریزی شده بود.

این منظومه کامل در زمینه مسائل اقتصاد، سال‌های بعد با هدف قرار دادن مسائل اقتصادی در شعارهای سال‌های متوالی، یعنی اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی و در امسال نیز با تلفیق وحدت ملی به عنوان حماسه سیاسی و ادامه و تقویت مسیر سال‌های گذشته با حماسه اقتصادی تکمیل شد که نشان‌دهنده عزم جدی رهبری بر مسأله اقتصاد مقاومتی و محورهای شکل‌دهنده آن به عنوان یک موضوع محوری در اداره کشور است.

در واقع تأکید بر اقتصاد مقاومتی بر پایه فشارهای خارجی استوار است. ضرورت اقتصاد مقاومتی با توجه به جملات زیر از رهبر انقلاب، به مذاکرات هسته‌ای و نتیجه آنها مربوط نمی‌شود؛ زیرا مذاکرات این روزها در رابطه با بهانه فعلی آنهاست و در صورت حل این مسأله، موضوعی جدید برای فشار بر ملت رونمایی خواهد شد.

«آن کسانی که خیال می‌کنند اگر ما مسأله انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا می‌کنند. مسأله انرژی هسته‌ای را مطرح می‌کنند، مسأله حقوق بشر را مطرح می‌کنند، مسائل گوناگون را مطرح می‌کنند که اینها بهانه است. مسأله، مسأله فشار است. می‌خواهند یک ملت را به زانو در بیاورند. می‌خواهند انقلاب را زمین بزنند.»^۱

در مجموع اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و به دنبال

^۱ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۶ شهریور ۱۳۸۹.

آن تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تأثیرهاست و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارها و تهدیدهایی به فرصت است که راه‌های اساسی برای رسیدن به مسیر اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی‌های خارجی و تأکید بر تولید داخلی کشور و خوداتکایی به حساب می‌آیند.

تعریف اقتصاد مقاومتی

در تعریف اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی، از نیازهای اساسی است. این روش اقتصادی از نظر تعریف، با اقتصاد ریاضتی تفاوت دارد. اقتصاد مقاومتی را می‌توان ترکیبی از پدافند و آفند اقتصادی دانست. یا به عبارت دیگر، تفاوت آن با ریاضت اقتصادی مانند تفاوت عقب‌نشینی و نرمش تاکتیکی یا قهرمانانه است و به عبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی، نوعی تجهیز برای نبرد اقتصادی و بالا بردن قدرت چانه‌زنی در ابعاد کلان و بین‌المللی است. در واقع اقتصاد مقاومتی در دل تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی شکل گرفته و برکات اقتصادی زیادی را می‌تواند نصیب نظام جمهوری اسلامی کند، برکاتی نظیر:

(الف) خودکفایی در محصولات راهبردی؛

(ب) شکوفایی تولید ملی و به‌کارگیری کار و سرمایه ایرانی؛

(ج) کارآفرینی و توسعه مشاغل دانش‌بنیان؛

(د) گسترش روحیه مصرف حداقلی از کالاهای خارجی؛

(ه) تکیه بر صادرات به جای واردات؛

(و) استفاده عقلانی‌تر و بهینه‌تر از منابع خدادادی و سرمایه‌های ملی، همچون نفت به جای خام‌فروشی و افزایش صادرات نفت خام به بیگانگان و دشمنان نظام؛

(ز) افزایش توان بخش خصوصی و مردمی اقتصاد در مقابل بخش دولتی

(با توجه به وابستگی کمتر بخش خصوصی ایران به درآمدهای نفتی در

مقایسه با بخش دولتی، باید نقش و جایگاه قوی‌تری برای بخش خصوصی قائل شد، چون آسیب‌پذیری کمتری نسبت به تحریم‌ها دارند.^۱ (ح) افزایش تعاملات و مبادلات اقتصادی با کشورهای همسوی و مسلمان همسایه، نظیر عراق، سوریه، ترکمنستان، پاکستان، افغانستان و...؛ (ط) استفاده از ظرفیت‌ها و منابع ایرانیان خارج کشور در جهت سرمایه‌گذاری داخلی و کمک به اقتصاد ملی.

آنچه اهمیت دارد این است که تحریم‌های اقتصادی صرفاً با هدف تحمیل صدمات اقتصادی شدید به هدف و همچنین تغییر، اعمال نمی‌شوند، بلکه تحریم‌های اقتصادی ابزاری است (سیاسی و) اقتصادی برای تحمیل هزینه در مقابل رفتارهای نامطلوب هدف در جهت اصلاح یا تغییر آن‌ها.^۲

بنابراین آنچه در اینجا مهم است عملکرد دولت تدبیر و امید به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نهاد اقتصادی جامعه اسلامی در قبال این جریان و تحقق اهداف آن است که باید مورد توجه فعالان اقتصادی، به ویژه متفکران، قرار بگیرد. اکنون که بیش از هفت ماه از فعالیت دولت تدبیر و امید می‌گذرد و اولین برنامه برای اداره کشور در قالب لایحه بودجه سنواتی سال آینده ارائه شده است، باید دید که تا چه میزان فعالیت‌های دولت مذکور منطبق با اقتصاد مقاومتی است و مسیر انتخابی تا چه حد به تحقق این امر منجر می‌شود.

ب) الزامات اقتصاد مقاومتی

۱- نقش کارآفرینی

الف) بهبود فضای کسب و کار و ایجاد مشوق‌ها و موقعیت‌های مناسب

^۱ - حق‌پناه، محمود، بررسی رویکردها و اثرات قطعنامه سوم تحریم ایران و راه‌های مقابله با آن، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، سلسله گزارش‌های بررسی تحریم، شماره ۷، مهر ۱۳۸۷، ص ۵۳.

^۲ - هوشمندتر کردن تحریم‌ها، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، سلسله گزارش‌های بررسی تحریم، ش ۲، ص ۵.

فعالیت برای سرمایه‌گذاران و کارآفرینان و توجه به مرغوبیت تولید داخلی برای جلوگیری از واردات بی‌رویه و بی‌منطق.

ب) مدیریت دقیق و عالمانه منابع: سوق دادن منابع به سمتی که برای کشور ارزش افزوده مالی و غیرمالی داشته باشد.

۲- مدیریت مصرف و استفاده از تولید داخلی

۳- کاهش وابستگی به نفت

۴- اقتصاد همراه با مقاومت در برابر کارشکنی دشمن

۵- مردمی کردن اقتصاد

اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ نقش محوری در مردمی کردن اقتصاد دارد و هم دولت باید مردم را به فعالیت اقتصادی تشویق کند و هم سیستم بانکی کشور باید در راستای تحقق پررنگ‌تر کردن نقش مردم گام بردارد.

۶- تقویت صنایع دانش‌بنیان

تقویت صنایع دانش‌بنیان به عنوان ایجادکننده مزایای فناورانه و پایه ایجاد تفاوت‌های نسلی در علوم محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر، با سرمایه‌گذاری‌ها و توجه ویژه‌ای که به آنها شده است، روند جهشی در سیر علوم و صنایع در این زمینه کاملاً محسوس است.

۷- استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات

بالا بردن بهره‌وری و کارایی و کیفیت محصولات با توجه به جلوگیری از اسراف و ایجاد رقابت‌پذیری، یکی از گام‌های مؤثر در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود.

۸- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور

۹- سهمیه‌بندی‌ها و هدفمند کردن یارانه‌ها

اجرای موفق سهمیه‌بندی بنزین و کاهش مصرف بنزین یکی از موارد موفق اجراشده در اقتصاد مقاومتی در زیربخش‌های مهم انرژی به حساب می‌آید. هدفمند کردن یارانه‌ها هم در بلندمدت و در گام نهایی، با بالا بردن کارایی و جلوگیری از اسراف، از موارد مؤثر در استفاده بهینه از تولیدات

داخلی و کم کردن واردات به حساب می‌آید.

۱۰- پرهیز از تصمیم‌های خلق‌الساعه

حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی و مهم در ایجاد ساختار مستحکم و نفوذناپذیر اقتصادی به حساب می‌آید.

میزان تناسب برنامه‌های اقتصادی دولت با اقتصاد مقاومتی

حال این سؤال مطرح است که برنامه‌های دولت یازدهم چقدر در راستای اقتصاد مقاومتی است؟ و تا به حال دولت چه اقداماتی را در این راستا انجام داده است؟ دولت در گزارش‌های ریاست جمهوری و رئیس بانک مرکزی، تا چه میزان بر اساس اقتصاد مقاومتی عمل نموده است؟

گزارش صدرروزه رئیس‌جمهور که کمتر بیان‌کننده عملکرد یا اهداف دولت برای اقتصاد ایران در آینده است! و نمی‌توان از آن برای سنجش عملکرد دولت تدبیر و امید با معیار اقتصاد مقاومتی استفاده کرد.

اگرچه رئیس‌جمهور تأکید نمود این گزارش صرفاً به تحلیل وقایع اقتصادی کشور پرداخته و قصد دارد از این رهگذر با مردم به تحلیل‌ها و پیش‌فرض‌های مشترک دست پیدا کنند، اما این گزارش چندان نمی‌تواند مبنای سنجش عملکرد دولت در قبال اقتصاد مقاومتی باشد. پس با توجه به تخصصی بودن این حوزه، استناد به گزارش عملکرد وزارت امور اقتصادی و دارایی مبنای سنجش مناسب‌تری را در اختیار قرار می‌دهد.

این گزارش که در ده بخش تهیه شده است، پس از بررسی اوضاع شاخص‌های کلان اقتصادی در سال‌های گذشته (که موضوع این بحث نیست)، به اقدامات صورت‌گرفته در این مدت از سوی دولت و جهت‌گیری‌های اقتصادی برای آینده اشاره نموده است. در زیر جدول تطبیق راهبردهای دولت با مباحث نهادی جهت نیل به اقتصاد مقاومتی آمده است.

بررسی عملکرد اقتصادی دولت در گزارش صدروزه وزارت امور اقتصادی و دارایی^۱:

اقدامات اعلامی وزارت امور اقتصادی و دارایی از سه رویکرد بررسی می‌شود:

۱. زمان؛
۲. جهت‌گیری نهادی؛
۳. ارتباط با اقتصاد مقاومتی.

نظام بانکی و بازار سرمایه‌ی کشور

- ۱- سقف جمعی تسهیلات و تعهدات کلان با هدف تسهیل اعتباری از پنج برابر سرمایه و اندوخته به هشت برابر سرمایه‌ی پایه افزایش پیدا کرد: کوتاه‌مدت/فاقد جهت‌گیری نهادی/نامرتب با اقتصاد مقاومتی
- ۲- ایجاد جو مثبت در بازار سرمایه‌ی کشور: کوتاه‌مدت/فاقد جهت‌گیری نهادی/نامرتب با اقتصاد مقاومتی
- ۳- ثبت رکوردهای کم‌سابقه در بازار سرمایه: کوتاه‌مدت/فاقد جهت‌گیری نهادی/نامرتب با اقتصاد مقاومتی

رشد اقتصادی

- ۱- کاهش ضمانت‌نامه بانکی فعالان اقتصادی از ۱۳۰ به ۳۰ درصد: کوتاه‌مدت/فاقد جهت‌گیری نهادی/نامرتب با اقتصاد مقاومتی
- ۲- تجدید نظر در آیین‌نامه و افزایش طول مدت بازپرداخت تسهیلات: کوتاه‌مدت/فاقد جهت‌گیری نهادی/نامرتب با اقتصاد مقاومتی
- ۳- تسهیل فرآیندهای گمرکی ترخیص مواد اولیه و کالاهای انباشته:

^۱ - منبع: گزارش عملکرد صدروزه وزارت امور اقتصادی و دارایی

- کوتاه مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی
- ۴- اصلاح قیمت خرید تضمینی محصولات اساسی کشاورزی:
- میان مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی
- ۵- بازنگری در فهرست محدودیت ها و ممنوعیت های صادراتی:
- میان مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مردمی و واگذاری اقتصاد به مردم

- ۱- نهایی نمودن طرح توزیع سهام عدالت:
- میان مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی
- ۲- تغییر سیاست واگذاری به منظور کوچک سازی اندازه ی واگذاری ها و عرضه هر شرکت با توجه به قدرت مالی بخش خصوصی:
- میان مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی
- ۳- بهسازی ساختار شرکت ها و سپس واگذاری:
- میان مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی
- ۴- متنوع ساختن روش های واگذاری با نگاهی به تجارب دیگر کشورها:
- کوتاه مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی

بودجه ی دولت

- ۱- اخذ اجازه ی جابه جایی اعتبارت برای تأمین هزینه های ضروری مربوط:
- کوتاه مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی
- ۲- اولویت دهی به تخصیص منابع ریالی به کالاهای اساسی و دارو:
- کوتاه مدت/ دارای جهت گیری نهادی/ در راستای اقتصاد مقاومتی
- ۳- شناسایی و لغو مصوبات غیر ضروری دارای بار مالی برای دولت:
- کوتاه مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی
- ۴- افزایش سرعت تخصیص اعتبارت:
- میان مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی
- ۵- اختصاص شش درصد از سهم صندوق توسعه ی ملی از بودجه ی سال

۱۳۹۲، جهت تقویت تولید داخلی و افزایش توان وام‌دهی بانک‌ها:
 میان‌مدت/دارای جهت‌گیری نهادی/در راستای اقتصاد مقاومتی
 ۶- پایبندی دولت جدید به ایفای تعهدات هزینه‌ای:
 کوتاه‌مدت/جهت‌گیری نهادی ضعیف/نامرتبط با اقتصاد مقاومتی

سرمایه‌گذاری

- ۱- بازنگری در ضوابط واردات ماشین‌آلات دست دوم:
 کوتاه‌مدت/فاقد جهت‌گیری نهادی/نامرتبط با اقتصاد مقاومتی
- ۲- پیش‌بینی سرویس ارزیابی برای تسریع در ترخیص کالاهای واسطه:
 میان‌مدت/جهت‌گیری نهادی ضعیف/در راستای اقتصاد مقاومتی
- ۳- بازنگری و طراحی الگوهای جلب منابع خارجی:
 بلندمدت/دارای جهت‌گیری نهادی/در راستای اقتصاد مقاومتی
- ۴- بررسی راهکارهای تهاثر بدهی‌های دولت و بانک‌ها:
 کوتاه‌مدت/فاقد جهت‌گیری نهادی/نامرتبط با اقتصاد مقاومتی
- ۵- بازنگری و اصلاح مقررات اعتبارات اسنادی ارزی:
 میان‌مدت/جهت‌گیری نهادی ضعیف/در راستای اقتصاد مقاومتی
- ۶- تصویب ۳۵ طرح سرمایه‌گذاری خارجی به ارزش ۱/۲ میلیارد دلار:
 بلندمدت/دارای جهت‌گیری نهادی/در راستای اقتصاد مقاومتی

مالیات

- ۱- بازنگری در لایحه‌ی اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم:
 میان‌مدت/دارای جهت‌گیری نهادی/در راستای اقتصاد مقاومتی
- ۲- اجرای کامل پروژه‌های کلیدی طرح جامع مالیاتی:
 میان‌مدت/دارای جهت‌گیری نهادی/در راستای اقتصاد مقاومتی

تورم

- ۱- کنترل نرخ رشد تورم از طریق کنترل رشد نقدینگی، تنظیم بازار

کالاهای اساسی و کنترل انتظارات تورمی:

کوتاه مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی

۲- مهار خیز تورمی کشور:

کوتاه مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی

۳- کاهش انتظارات تورمی پس از توافقات ژنو

کوتاه مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی

تجارت خارجی

۱- مدیریت تجارت خارجی از طریق بازنگری در فهرست محدودیت ها و

ممنوعیت های صادراتی و مدیریت تقاضا در بازار ارز:

کوتاه مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی

۲- کاهش ممنوعیت های صادراتی:

میان مدت/ دارای جهت گیری نهادی/ در راستای اقتصاد مقاومتی

۳- راه اندازی سامانه ی گزارش گیری معاملات بین المللی (ITRS):

بلند مدت/ دارای جهت گیری نهادی/ نامرتبط با اقتصاد مقاومتی

۴- تسهیل واردات کالاهای مورد نیاز کشور از طریق مقررات زدایی،

تسهیل گمرکی و کاهش پیش دریافت برای واردات کالاها:

میان مدت/ دارای جهت گیری نهادی/ برخلاف اقتصاد مقاومتی

اشتغال

۱- سیاست تداوم تولید و صیانت از سطح اشتغال موجود و عدم افزایش

نرخ بی کاری از طریق حمایت از کسب و کارهای موجود، به فعالیت رساندن

ظرفیت های بلااستفاده ی اقتصادی:

کوتاه مدت/ فاقد جهت گیری نهادی/ در راستای اقتصاد مقاومتی

۲- ایجاد هماهنگی در سیاست های مالی، پولی، ارزی و تجاری در راستای

حمایت از اشتغال مولد و پایدار، استفاده از ظرفیت های بخش غیر دولتی

جهت ایجاد مشاغل جدید:

بلندمدت/دارای جهت گیری نهادی/در راستای اقتصاد مقاومتی

محیط کسب و کار

۱- فعال سازی شورای گفت و گوی بخش خصوصی و دولت:

میان مدت/جهت گیری نهادی ضعیف/در راستای اقتصاد مقاومتی

۲- ایجاد ساختار سازمانی مشخص برای پایش و بهبود مستمر محیط

کسب و کار در وزارت امور اقتصادی و دارایی:

میان مدت/فاقد جهت گیری نهادی/نامرتب با اقتصاد مقاومتی

پیگیری تدوین، تنظیم و ابلاغ آیین نامه و دستورالعمل های مبتنی بر

۳- بهبود فضای کسب و کار از دستگاه ها:

میان مدت/فاقد جهت گیری نهادی/نامرتب با اقتصاد مقاومتی

۴- بهبود فضای کسب و کار در طرح تحول مالیاتی:

بلندمدت/دارای جهت گیری نهادی/در راستای اقتصاد مقاومتی

در واقع اکثر اقدامات انجام شده یا مد نظر دولت، در حکم مسکن هایی است که صرفاً قصد تسکین درد را داشته و کمتر به دنبال درمان اساسی است. از این رو، کمترین توجه را به اصلاح ساختارهای نهادی، حتی در بلندمدت، جهت نیل به اقتصاد مقاومتی، از خود نشان می دهد. هرچند در بررسی اجزای عملکرد وزارت امور اقتصادی و دارایی می توان رأی به هدفمندتر بودن برنامه ها در حوزه مالیات و اشتغال داد، اما صرف اکتفا به این دو حوزه و غفلت از حوزه های دیگر نمی تواند اقتصاد مقاومتی را به مفهوم واقعی آن در اقتصاد ملی پیاده نماید.

با پذیرش دسته بندی بالا، می توان گفت عملکرد و اهداف اقتصادی مد نظر تیم اقتصادی دولت تدبیر و امید به میزان ۷۰ درصد از اهداف اقتصاد مقاومتی به دور بوده و تنها قصد ایجاد آرامش در بازار و ایجاد کانال هایی برای دسترسی حداکثری به منابع نفتی و استفاده از آن در جهت ایجاد

آرامش نسبی در بازار را دارد.

البته این قبیل اقدامات و هدف‌گذاری‌ها صرفاً به عنوان مسکن عمل نموده و نمی‌تواند در بلندمدت راه نجات مناسبی را برای کشور ایجاد نماید. نکته دیگر که در جدول بالا حائز اهمیت است، کوتاه‌مدت بودن اغلب اهداف، اقدامات و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته است که خود حاکی از عدم تفاوت نگاه دولت یازدهم به اقتصاد از سایر دولت‌هاست.

چنین روندی می‌تواند با ایجاد نوسان در منابع درآمدی ناپایدار، نه فقط اقتصاد ملی، بلکه ثبات نظام را به چالش بکشد. حال آنکه اجرای اقتصاد مقاومتی، آن هم بر مبنای ترتیبات نهادی (اصلاح نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید مطابق با مبنای اقتصادی اسلام)، می‌تواند از رخدادهای نامناسب جلوگیری نماید.

البته خطر جدی که در رابطه با نسبت دولت تدبیر و امید و اقتصاد مقاومتی وجود دارد، برخورد آن در قبال رفع تحریم‌های اقتصادی کشور است. اگر دولت یازدهم لغو تحریم‌ها را به فرصتی برای تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد ملی و ایجاد ثبات نسبی از این طریق تعبیر کند، چندان نمی‌توان به اجرای اقتصاد مقاومتی از سوی دولت تدبیر و امیدوار بود و حتی می‌توان گفت که در جهت خلاف تحقق اقتصاد مقاومتی حرکت نموده است. اما اگر از فرصت به وجود آمده در جهت اصلاح ساختارهای نهادی مبتنی بر درآمدهای نفتی و تعریف مسیرهای نهادی برای تبدیل درآمدهای نفتی به ثروت ملی استفاده نماید، می‌توان گفت که گام مؤثری در زمینه اقتصاد مقاومتی برداشته است.

اصلاحات ساختاری مؤلفه مغفول در تصمیم‌های دولت یازدهم

از شروع به کار دولت یازدهم تاکنون، مهم‌ترین رویه پیش گرفته شده که تأثیر نه چندان محسوسی بر اقتصاد ملی داشته، انجام مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به توافق اولیه است که در بُعد اقتصادی فقط رفع تحریم‌ها و

بازگشت به ترتیبات نهادی گذشته را می‌تواند به دنبال داشته باشد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، می‌تواند ما را به وضعیت اقتصادی قبل از تحریم‌ها، یعنی اقتصادی نفتی، رشد اقتصادی پایین و تورم دورقمی (در حدود ۱۵ درصد) برگرداند. هرچند که اصلاحات نهادی و یا ایجاد نهادهای اقتصادی (چه در بُعد رسمی و چه در بُعد غیررسمی آن) در این مدت زمان کوتاه چندان میسر نیست، اما سوگیری دولت و دغدغه‌های بیان‌شده از سوی مسئولین دولتی، حاکی از آن است که دولت به دنبال همان راه گذشته‌ها، البته با پرهیز از ایجاد تلاطم و با حاکم کردن ثبات بر بازارهاست؛ ثباتی که شکنندگی آن به تحریمی دیگر بسته و به دور از مفهوم واقعی اقتصاد مقاومتی است.

باید دقت نمود که لازمه اقتصاد مقاومتی، پیاده‌سازی نهادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی (رسمی و غیررسمی) جدید و اصلاح نهادهای گذشته است و تا زمانی که این امر میسر نشود و یا مسیری برای نیل به این هدف تعریف نگردد، در عمل هیچ اقدام جدی و مؤثری در این زمینه صورت نخواهد پذیرفت و اقدامات جانبی دیگر صرفاً به عنوان مسکنی موقت عمل نموده و تنها مدت کوتاهی می‌تواند کارکردهای سوء نظام اقتصادی کشور را پوشش دهد، اما در بلندمدت اقتصاد ملی روندهای واگرایی خود را دنبال نموده و با توجه به اهمیت آن در امنیت ملی^۱ می‌تواند به مهم‌ترین رکن تحولات اجتماعی کشور مبدل شود.

در مجموع اقتصاد مقاومتی در دولت جدید، بیشتر به عنوان شعار محترم که کلیات صحبت‌های روحانی محورهایی از آن را تأیید می‌کرد نمایان شده است و در عمل، نقاط کلیدی و مهم آن، از جمله کاهش وابستگی به

^۱ - پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه جنگ سرد، امنیت اقتصادی در بین ارکان دیگر امنیت (سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و محیطی-فرهنگی) به عنوان مهم‌ترین عامل، در دستور کار کشورها قرار گرفت. از این رو، تحدید اقتصادی همواره جزء پُرکاربردترین حربه‌ها در جنگ علیه کشورهاست.

نفت، هدفمندی یارانه‌ها و کارآفرینی، بسیار مغفول مانده‌اند و در عوض نقش دل بستن به اتفاق‌های بیرونی و توافق‌های هسته‌ای از پررنگ‌ترین محورهای مورد توجه دولت به شمار می‌روند.

طی دو سه سال اخیر و با توجه به مطالعاتی که در زمینه اقتصاد مقاومتی صورت گرفته است، شکی نیست که پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی نیازمند ایجاد ترتیبات نهادی، اصلاح و پیاده‌سازی نهادهای جدید، آن هم بر پایه اقتصاد اسلامی است. سنجش عملکرد دولت تدبیر و امید در زمینه اقتصاد مقاومتی، ابتدا به ساکن، نیازمند سنجش اهداف و عملکرد آن در قبال اصلاح ترتیبات نهادی و ایجاد نهادهای جدید بود و بررسی به‌عمل آمده نشان داد که دولت یازدهم چندان به دنبال اصلاح و ایجاد نهادهای جدید با محتوای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی نبوده است و تنها به دنبال ایجاد آرامش نسبی در بازار و کنترل تورم لجام‌گسیخته و سپس حصول توافقات هسته‌ای برای دسترسی به منابع حاصل از درآمد نفتی بوده است.

تأثیرات تحریم

۱- رویش اقتصاد مقاومتی

۲- روحیه‌ی امید و استقلال و جوشش از درون

رهبری عزیز انقلاب تحریم‌ها را از دو جهت به نفع کشور می‌دانند؛ یکی بُعد داخلی و یکی بُعد بین‌المللی و خارجی. ایشان بیان می‌کنند: «تحریم‌ها از دو جهت به نفع ماست: اولاً وقتی ما تحریم بشویم، به استعداد و ظرفیت داخلی رو می‌آوریم، از داخل رشد می‌کنیم؛ همچنان که در این سی سال این مسأله اتفاق افتاده است. اگر در زمینه سلاح تحریم نمی‌شدیم، امروز این پیشرفت‌های عجیب را نداشتیم. اگر در قضیه اتمی، اینها نیروگاه بوشهر را خودشان ساخته بودند، ما در غنی‌سازی پیشرفت نمی‌کردیم. اگر درهای علم را به روی ما نبسته بودند، ما در سلول‌های بنیادی و هوافضا و فرستادن ماهواره به آسمان، به اینجاها نمی‌رسیدیم. پس هر چه ما را تحریم می‌کنند،

ما به ظرفیت داخلی خودمان متوجه می‌شویم و رو می‌آوریم و این ظرفیت و استعداد روز به روز مثل چشمه جوشانی شکوفا می‌شود. پس این تحریم به نفع ماست.^۱

۳- شکست ابهت استکبار

۴- اتکا به توانایی‌های خود و مقابله با بن‌بست‌های احتمالی

طبق بیانات رهبری، ما هیچگاه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، در مسیر پیشرفت به سوی اهداف، متوقف نشدیم و توانستیم همه گونه تحریمی را به خوبی پشت سر بگذاریم. معظم‌له می‌فرماید: «راه ملت ایران به سوی آرمان‌های بلند، یک راه گشوده است. این راه، چالش دارد، اما راه باز است، بن‌بست وجود ندارد. هدف جبهه مخالف نظام اسلامی و انقلاب اسلامی و دشمن ما این است که راه را بن‌بست نشان بدهد.»^۲

۵- کند شدن تحریم‌های آینده و واکسینه شدن در برابر آن

۶- قوت روزافزون در حوزه‌های گوناگون

رهبری به صراحت، پیشرفت در جنبه‌های مختلف را به تحریم‌ها نسبت می‌دهند: «امروز ما نسبت به سی سال قبل، صد برابر قوی‌تر و جلوتر هستیم. امروز ما در میدان علم، در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در مدیریت کشور، در بصیرت عمیق مردمی، به مراتب جلوتر هستیم از روزهای اول انقلاب، و این در چالش با دشمنی دشمنان، برای ملت ایران حاصل شده است.»^۳

علاج مشکلات کنونی کشور و ارائه چند پیشنهاد

به هر حال، به نظر می‌رسد برای دمیدن روح امید به اقتصاد کشور و معیشت مردم، دولت باید اقدامات زیر را در اولویت قرار دهد:

^۱ - خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴ بهمن ۹۰.

^۲ - بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۳ مرداد ۱۳۹۱

^۳ - بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۲۱ تیر ۱۳۹۱.

۱. در دستور کار قرار دادن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی مقام معظم رهبری) با محوریت تولید و خودکفایی تا با این اقدام، قدرت خود را روی میز مذاکره افزایش دهد.
۲. تصمیم‌ها و مواضع اقتصادی خود را شفاف و بی‌پرده بیان کند و در عمل به آنها پایبند باشد.
۳. تصمیم‌ها در کل فضای تیم اقتصادی دولت کاملاً هماهنگ و برنامه‌ریزی شده باشد.
۴. برنامه‌ها و راهبردهای اقتصادی خود را جدای از راه‌های دیپلماتیک و سیاسی برای تحصیل اقتصاد مقاومتی مد نظر رهبری عزیز انقلاب و مردم، برای خروج از شرایط نامناسب اقتصادی ارائه دهد.
۵. نینداختن مشکلات و مسائل اقتصادی کشور به گردن دولت‌های گذشته که الآن بر سر قدرت نیستند، و بر عهده گرفتن مسئولیت امور و عمل برای حل وعده‌هایی که داده بود.
۶. رعایت اصول اقتصاد اسلامی در بطن اصلاحات ساختاری را مد نظر قرار دهد.
۷. اقتصاد متکی به درآمدهای نفتی را به سمت اقتصادی غیرنفتی و مولد، هدایت کند.
۸. با استفاده از شفاف‌سازی اقتصادی و حمایت از تولید و دریافت مالیات از بنگاه‌های اقتصادی غیرمولد و مضر و استفاده علمی از ابزارهای اقتصادی مانند بانک و بازار سرمایه، نقدینگی‌های مازاد را از جامعه جمع کند.

کلام آخر

در ادبیات اسلامی، صبر بر مصیبت‌ها یکی از مراحل کمال شناخته شده است. مطابق حدیث شریف امام باقر (علیه السلام): «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ»^۱ حقیقت کمال در سه چیز

^۱ - (الکافی، ط - الإسلامیه، ج ۱، ۳۲).

است، فقیه شدن در دین، اندازه‌داری در زندگی و صبر بر مصیبت. همان طور که قرآن بیان می‌کند: «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» (فجر: ۱۶)^۱؛ زمانی که بر او مصیبتی وارد شد، کفران خدا کند و خدا را متهم کند. چه آنکه در تجربه تاریخ نیز موارد بسیاری از بلایا و مصیبت‌های مالی بر مسلمانان بار شده است (همانند شعب ابی طالب) و مردم یا استقامت کرده و یا راه شیطان را در پیش گرفته‌اند. امروزه نیز تحریم‌ها و تنگناهای اقتصادی از بلایا و مصیبت‌های اقتصادی است که با جامعه اسلامی ارتباط دارد. بر این اساس، مردم ایران زمانی که در مقابل تحریم‌ها به عنوان یک مصیبت اقتصادی ایستادگی نمایند و صبر پیشه کنند، این امر موجب می‌شود که نه تنها فرد فرد مردم به کمال خود نائل شوند، بلکه جامعه نیز در مسیر کمال خود قرار گیرد و به رشد و بالندگی خاص خود برسد. تحقیقات نیز نشان داده است که تشدید فشار اقتصادی به کشور هدف، باعث افزایش شانس دستیابی به موفقیت و سبب ایجاد اثر پرچم (اتحاد و طرفداری از حکومت) می‌شود.

بر همین اساس است که رهبری تأکید دارند که تحریم‌ها اثرگذار نخواهد بود و برای ما مفید خواهند بود؛ زیرا مؤمنان زمانی که بر مصیبتی صبر می‌کنند، به مرحله‌ی کمال خود نزدیک می‌شوند؛ بنابراین اگرچه در ظاهر با سختی و تنگنا روبه‌رو هستند، اما در واقع مراحل کمال خود را طی می‌کنند. پس باید دانست که تحریم‌های اقتصادی، ابزار اصلی سیاست خارجی تلقی می‌شوند. کاربرد تحریم، به ویژه تحریم‌های اقتصادی، اهمیت بسزایی برای کشورها و مجامع تحریم‌کننده دارد؛ به طوری که از آن به عنوان وسیله‌ای برای اعمال فشار در جهت انجام تغییرات و اصلاحات مورد نظر تحریم‌کننده در کشور هدف (تحریم‌شونده) بهره می‌گیرند.

^۱ - اما زمانی که آزمایش می‌شود و رزقش تنگ می‌شود، بیان می‌کند که خداوند به من توهین کرده است.



اندیشه سیاسی علامه سیدمحمد باقر صدر

علی مرادزاده

علامه شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر از علمای بزرگ شیعه عراق و از رهبران سیاسی این کشور بود که عمر شریف خود را در جهاد علمی و سیاسی گذراند. سیدمحمدباقر صدر در ۲۵ ذی‌الحجه ۱۳۵۳ ق (۲ مارس ۱۹۳۵) در شهر کاظمین عراق و در خانواده‌ای اهل علم و تقوا و جهاد دیده به جهان گشود. پدر ایشان سیدحیدر از دانشمندان بزرگ عراق بود که پس از رحلت فقیه مجاهد سیدمحسن حکیم به مرجعیت تقلید رسید و به عنوان رهبر مذهبی و سیاسی شناخته شد. نبوغ سرشار سیدمحمدباقر صدر موجب شد به سرعت دروس حوزه علمیه را بیاموزد و هنوز دومین دهه عمرش سپری نشده بود که به درجه اجتهاد رسید (اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، علی اکبر علیخانی، ج ۱۸، ص ۳)، سیدمحمدباقر صدر در طول حیات مبارک خویش شاگردان برجسته‌ای تربیت نمود و کادرسازی شایسته‌ای برای جهان اسلام به انجام رساندند، آثار و کتاب‌های ارزشمندی از خود به یادگار گذاشتند که هنوز هم در شمار منابع معتبر و مؤثر جهان اسلام قلمداد می‌شوند، علاوه بر آن شهادتش بزرگ‌ترین گواه مجاهدت و سیاست‌ورزی و مبارزه برای تحقق اسلام ناب محمدی (ص) می‌باشد. ایشان پس از ۹ ماه محاصره منزل و تحت نظر بودن و قطع رابطه‌اش با مردم و پس از شکنجه‌های

فراوان توسط رژیم بعثی صهیونیستی عراق در ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۰ (فروردین ۱۳۵۹) همراه با خواهر فاضلش در زندان به شهادت رسید.

ویژگی‌های اندیشه سیاسی صدر

اندیشه سیاسی صدر برای اندیشمندان و امت اسلامی از اهمیت والایی برخوردار است و دیدگاه‌های او در زمینه‌های مختلف از جمله منابع معتبر به شمار می‌روند.

اهمیت و تأثیر اندیشه سیاسی صدر از چند جهت است که عبارتند از: ۱- جهانی بودن اندیشه او. ۲- مسأله نوگرایی و نوآوری در بسیاری از ابعاد علمی ۳- رزمندگی اندیشه و عمل ۴- ابتنای اندیشه سیاسی او بر مکتب اسلام ۵- توجه به ضرورت اندیشه و شناخت برای رسیدن به نوگرایی اسلامی ۶- مهم‌تر از همه، ارتباط معنوی و تنگاتنگی با اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران.

تأثیر سیاسی شهید صدر بر تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انکارناپذیر است (هرایر دکمچیان، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، ص ۹۸).

شهید صدر مانند دیگر اندیشمندان برجسته و ممتاز شیعه دارای ویژگی‌هایی است که وی را در مقایسه با دیگران ممتاز می‌سازد. مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان عبارتند از: ۱- علمی اندیشی و عقلی‌نگری ۲- اصولی اندیشی ۳- زمان‌شناسی ۴- جامع‌نگری ۵- جامعیت معرفتی و علمی ۶- بدیع و نو بودن اندیشه‌ها ۷- برخورداری از روش انتقادی ۸- دارای ایده‌های نو و جدید ۹- نبوغ و استعداد خارق‌العاده ۱۰- زبان و بیان قابل درک و فهم ۱۱- یکتایی در ارائه طرح‌ها و اندیشه‌ها ۱۲- ترکیب و همگامی فصل و عمل سیاسی با اندیشه سیاسی ۱۳- تخصص و مهارت در اغلب علوم اسلامی و انسانی ۱۴- تأکید بر تربیت و ساختن افراد (علیخانی، ص ۴).

مبانی اندیشه سیاسی

اندیشه سیاسی شهید سیدمحمدباقر صدر مانند هر اندیشمند دیگر بر یک‌سری مبانی و اصول خدشه‌ناپذیر استوار است؛ خلوص تفکر ایشان و ابتنای اندیشه سیاسی او بر جهان‌بینی و ایدئولوژی ناب اسلامی و قرآنی و سیره نظری اهل‌بیت^(ع)

بیش از متفکران دیگر نمایان و تأثیرگذار بوده و همین امر رمز ماندگاری نام او و جذابیت آثار و مقبولیت او در میان اندیشمندان مسلمان است. از این رو به برخی از مهم‌ترین مبانی نظری و کلامی صدر در حوزه سیاسی اشاره می‌کنیم:

۱- مبانی معرفتی: در اندیشه سیاسی علامه صدر، انسان برای عمل در جهت رسیدن به سعادت حقیقی نیازمند معرفتی یقین و مستحکم است، از این رو به امور یقین و شناخت و معرفت برهانی اهمیت خاص می‌دهند (صدر، اثبات خدا با روش علمی و فلسفی، ترجمه محمود عابدی، ص ۲۰). ایشان معرفت را چهار گونه می‌دانند: ۱- معرفت تجربی که پایه و اساس و مرحله‌ای برای معرفت عقلی است ۲- معرفت برهانی و فلسفی ۳- معرفت وحیانی که مبتنی بر کتاب خداست و در نگاه او یقینی‌ترین نوع معرفت است که هم عقل را تأیید می‌کند و هم مبتنی بر دلیل یا برهان است. ۴- معرفت شهودی. ایشان یک فیلسوف صدرایی و دارای مبانی حکمت متعالیه است. از این رو تعارض میان معارف وحیانی‌ها: فلسفی و شهودی نمی‌بیند.

در مجموع ایشان در استفاده از منابع و ابزارهای معرفتی، ترکیب متنوعی از تمام منابع (وحی، عقل، کشف و تجربه) و ابزارها را به کار گرفته است. او به عنوان فقیهی اصولی و فیلسوفی مسلمان به انسان و سیاست می‌نگرد و تعارض بین عقل و شرع نمی‌بیند، بلکه آن دو را مؤید هم می‌داند.

سیدمحمدباقر صدر سیاست را دانش انسان شدن، و قرآن و علم معصوم را نیز دانش انسان شدن و هدایت می‌داند. پس میان سیاست و دین جدایی نمی‌بیند و سیاست را مندرج در متن و بطن دین می‌یابد؛ بنابراین او رهیافتی عقلی قرآنی یا تفسیری علمی را به کار می‌گیرد و تفسیر او از قرآن با فطرت آگاهانه بشر همخوانی دارد. از نظر ایشان، برای اندیشه دو راه وجود دارد: یکی راه عقلی است که در آن فرمانروای اصلی و مقیاس اصلی عقل است که در شعاع آن، افکار و معلومات ارزیابی و حدود صحت و موضوعات آن سنجیده می‌شود، و دیگری راه تجربه است (رسالت، ص ۳۶).

شهید صدر در عرصه اجتهاد و مرجعیت قائل به ایجاد تحول و انقلاب در جهت حرکت به سوی مسائل اجتماعی و همه‌جانبه‌نگری، ابداع و نوآوری و هماهنگی با مقتضیات عصر و ورود در عرصه سیاسی است.

او در پیام خود به ملت ایران می‌نویسد: پس مرجعیت توانمند دین و رهبریت معنوی، دژی است که امت را از بسیاری انحراف‌ها و گمراهی‌ها مصون نگه می‌دارد (محمدرضا شعبانی، سال‌های رنج و روزهای حصر، ص ۱۴۴).

۲- مبانی کلامی

دین و باورهای دینی در مبانی کلامی مطرح است که جهت‌گیری اعتقادی اندیشمند را نسبت به اندیشه سیاسی به نمایش می‌گذارد. شهید صدر، اسلام را مکتب راستین و تنها نظام حقیقی معنوی، سیاسی و فرهنگی مطرح می‌کند که تابع اصل حاکمیت مطلقه الهی است. وی مطابقت اسلام را با نظریات دیگران مردود می‌داند. وقتی وی از نظام‌های سیاسی اجتماعی معاصر بحث می‌کند و آنان را با نظام سیاسی و اجتماعی اسلام مقایسه می‌نماید، می‌خواهد بگوید وقتی این نظام‌ها به اسلام عرضه می‌شوند، تهی و پوچ‌اند، بنابراین به عرضه سایر مکاتب و نظام‌ها به اسلام می‌پردازد نه به مقایسه آنها (صبح زنگنه، دریچه‌ای به معرفت و خداجویی، روزنامه اطلاعات، ۷۲/۱/۱۹، یادنامه شهید صدر).

شهید صدر درباره دین دو تعبیر دارد:

۱- دین به مثابه بُعدی از فطرت الهی بشر: اسلام یکی از سنت‌های طبیعی و تکوینی تاریخ، و قانونی است که از باطن انسان و ذات و فطرت او سرچشمه می‌گیرد
 ۲- دین به مثابه مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و حیانی که از جانب خدای متعال برای هدایت انسان‌ها فرود آمده است و در قرآن (شوری/ ۱۳) دین به عنوان تشریع و قانون آمده است (شهید صدر، مدرسه قرآنی، ص ۱۱۶، انسان مسئول و تاریخ‌ساز از دیدگاه قرآن، ص ۵۵). در نگاه شهید صدر اسلام نیرومندترین مکتب برای به دوش کشیدن بار مسئولیت رهبری اعتقادی و جهت دادن امت اسلامی به سوی عالی‌ترین هدف‌ها و الگوها و برتری بخشیدن امت به همه ملت‌های زمین است (رسالت‌ها، ترجمه محمد تقی رهبر، ص ۱۸).

۳- هستی‌شناسی

در اندیشه سیاسی محمدباقر صدر سیاست در نگاه فلسفی مورد بحث قرار دارد و سیاست را در قالب فلسفه سیاسی عرضه می‌کند؛ هر چند مسائل سیاسی در فقه

اسلامی را نیز مد نظر دارد (کتاب لمحہ فقیہہ)، اما بنیان اصلی هستی‌شناسی او، در توحید و خدامحوری است. در این نگرش، جهان آفریده و مخلوقی است منظم و کامل که بر اساس عدالت ایجاد شده و از علم و حکمت و قدرت مطلقه خدا نشأت گرفته است و تحت تدبیر و اراده او قرار دارد. انسان گل سرسبد هستی و کامل‌ترین موجودی است که با دو عنصر عقل و آزادی متمایز شده است؛ بنابراین سه اصل عمده از توحید ناشی می‌شود:

۱- وصل حاکمیت خدا بر جهان و انسان؛

۲- اصل سنن الهی؛

۳- اصل آزادی و اختیار انسان (علی‌خانی، پیشین، ص ۲۰).

علامه صدر معتقد است جهان هدفی اساسی دارد و هدف عمومی آن کمال مطلق بازگشت به سوی خداست (الاسلام یقود الحیاه، ص ۹). اعمال انسان‌ها نیز برنامه و حسابی دارد و پوچ و بیهوده نخواهد بود (اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۰۸)، بنابراین مبانی هستی‌شناسی سیاسی او بر وحی و عقلانیت و هدایت انسان استوار است.

۴- روش‌شناسی:

شهید صدر با اشراف کامل بر مسائل اسلامی، دارای سبک و روش نوینی در مسائل دینی بود. او بر اساس زمان و نیازهای هر زمان با به کارگیری شیوه‌های نوین و روشمند به منابع دینی و معارف دینی روی می‌آورد و آنها را به شکل سیستمی و سامان‌مند ارائه می‌دهد. او بین اقتصاد اسلامی و مسائل عقیدتی، اخلاقی، عاطفی و نیز دولت و نظام سیاسی پیوندی نزدیک قائل بود و بر این باور است که هیچ یک از اینها را نباید جدای دیگر ابعاد دین بررسی کرد و دین را نباید جدای از سیاست در زندگی بشر به کار برد و بر عکس بلکه این بخش از دین را با توجه به مجموعه سیستم و نظام سیاسی و اجتماعی شریعت باید بررسی کرد (اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۷۱). ایشان روش فقهی را در فقه، روشی تاریخی را در تاریخ، روش تفسیری را در تفسیر و... داراست و همه اینها را با تکیه بر دو عامل بررسی می‌کند:

۱- براساس زمان و مکان؛

۲- بر اساس واقعیت نگری (محسن مهاجری، اندیشه سیاسی متفکران اسلامی،

ج ۳، ص ۲۸۰). او در روش بررسی مسائل و کشف حقیقت هم به روش عقلی عمل می‌کند و هم به روش‌های دیگر. به عنوان مثال در روش تجربی یا روش استقرایی یا روش قیاسی، نمی‌توان گفت که او فقط بر یک روش تکیه دارد.

۵- انسان‌شناسی

در اندیشه سیاسی و اجتماعی شهید صدر، انسان دارای دو جنبه جسم و روح است و می‌گوید: انسان به طور خاصی از روح و جسم ترکیب یافته که به موجب آن می‌تواند آن شهوات را مقهور خویش کند یا دایره عمل آن را محدود سازد (اقتصاد ما، ۳۰۸). انسان دارای دو جنبه مادی و الهی است. جنبه مادی بیانگر غرایز و تمایل‌های طبیعی و شهوانی و نیازها و خواسته‌های مادی است که ضروری وجود انسان است، مانند غریزه حب ذات و خوددوستی که منشأ و اساس غرایز و نیازهاست. جنبه الهی او مقام خلیفه الهی است؛ یعنی جانشین خدا در همه امور (شهید صدر، خلافت انسان و گواهی پیامبران، ص ۱۰).

علامه صدر معتقد است سازنده حرکت تاریخ، محتوای باطنی انسان یعنی فکر و اراده اوست و همین امر زیربنای هر چیز است و جامعه را رو بنا فرض می‌کند. ایشان دو شخصیت برای انسان قائل است:

۱- انسانی که دارای شخصیت متعهد است.

۲- انسانی که دارای شخصیت غیر متعهد است و در نوع دوم معتقد است که انسان‌ها یا هدف‌دار هستند یا بی‌هدفند و برای هر نوع از انسان‌ها ویژگی‌هایی را بر می‌شمارد. سپس می‌گوید انسان هدف‌دار انسانی است که با ایمان به یک ایده مشخص اجتماعی در رفتار و گرایش‌های خویش پا را از چارچوب کلی مکتب فرا نهاده و در مجموع حاصل اعمال خود را در جهت تحقق وضعیت شایسته‌تر مکتب مورد نظر توجیه می‌کند (مبانی فکری حزب دعوه اسلامی، ص ۱۱). ایشان درباره انسان بی‌هدف می‌گوید: انسان بی‌هدف انسانی است که بیش از همه با ذائقه هوی و هوس و به دلخواه خود غوطه‌ور در پوچی زندگی می‌کند. او را درد مکتبی و یا حمایت از پیامی نیست (همان، ص ۱۶).

ویژگی انسان بدون هدف:

۱- در محدوده معیار غریزی خود زندگی می‌کند.

- ۲- در کردار و گرایش‌های خود ایده‌ای مشخص ندارد و به دلیل پیروی از هوی و هوس دارای گرایش‌های متناقض است.
- ۳- ایدئولوژی اجتماعی مشخص ندارد و تمرکز بر تن‌پروری و شهوت پرستی و راحت‌طلبی متمرکز است.
- ۴- دنیاپرستی و غفلت از نشانه‌های هستی (همان، ص ۱۷).

ویژگی انسان هدفدار:

- ۱- برای خود زندگی می‌کند، ولی با الگوی اجتماعی و رفتار و اخلاق پیامبر اسلام و اهل‌بیت^(ع) خود را تبیین می‌دهد.
- ۲- در رفتار و کردار و گرایش‌های خود بر اساس خط مشی و راه و روش مشخص اجتماعی گام بر می‌دارد.
- ۳- همواره در صدد گسترش و ترویج ایدئولوژی خود است.
- ۴- برای تحقق ایدئولوژی تلاش و مجاهدت می‌کند (همان، ص ۱۹).

فعالیت‌ها و مبارزات شهید صدر

- علامه محمدباقر صدر از مبارزان و مجاهدان مسلمان عراق است اما حیطه مبارزات خود را جهانی دانسته و همواره در پی بهبود اوضاع مسلمانان و مبارزه با استعمار و استکبار خارجی و استبداد داخلی به ویژه رژیم بعثی عراق بودند. از این رو به برخی از فعالیت‌های سیاسی ایشان اشاره می‌کنیم:
- ۱- رهبری و مرجعیت: شهید صدر در جایگاه رهبری شیعیان عراق و مرجعیت تقلید، مجاهدت زیادی برای هدایت ملت عراق و استقلال کشور عراق انجام داد و در این راه به مبارزه با استبداد بعثی‌ها و استکبار جهانی برخاست.
- ۲- تأسیس حزب الدعوة الاسلامیه: در سال ۱۳۲۷ (ش ۱۹۵۷ م) برای انجام بخشی به مبارزات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به تأسیس حزب الدعوة پرداخت و کار تشکیلاتی را از نجف اشرف، شتاب و ابعاد بیشتری بخشید. کمیجان، نویسنده مشهور عرب می‌نویسد: پیشروترین گروه انقلابی، حزب الدعوة الاسلامیه بوده است که هسته محوری مقاومت به حساب می‌آمد الدعوة یک حزب بزرگ بود که به رهبری روحانیون تحصیل کرده جوان، از پیشروترین مجتهد فرهمند عراق، یعنی محمدباقر صدر الهام می‌گرفتند (جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ص

(۱۹۵).

۳-تشکیل جماعه العلماء المجاهدين: شهید صدر، عامل اصلی تشکیل جماعه العلماء در عراق بود. این جمعیت در سال ۱۹۵۸ پس از کودتای عبدالکریم قاسم و در رویارویی با جریان‌های مارکسیستی و الحادی و سایر تشکلهای و گرایش‌های انحرافی به وجود آمد. اما شهید صدر تلاش می‌کرد نگرش کلی‌تری را که تمام ابعاد سیاسی و اجتماعی جامعه آن روز عراق را در بر بگیرد داشته باشد. همچنین منشورهای جماعه العلماء نیز به قلم شهید صدر نوشته می‌شد (علی کورانی، روزنامه اطلاعات، ۶۱/۱/۱۹).

۴-وارد کردن حوزه‌های علمیه به مبارزات انقلابی: شهید سید محمدباقر صدر تلاش زیادی را به کار برد تا حوزه‌های علمیه شیعه در عراق به مبارزه و جهاد و انقلاب وارد شوند و تشکیل‌های یادشده در همین راستا بود (همان، ص ۶).

۵-تلاش برای ترویج و تحقق اسلامی در عراق: محمدباقر صدر ایده‌های بلندی داشت. او در صدد تشکیل حکومت اسلامی و نظام سیاسی برآمده از اسلام بود.

۶-حمایت کامل از قیام امام خمینی^(۵): ارادت و دلبستگی شهید صدر به امام خمینی^(۵) زبانزد خاص و عام است. وی از قیام و انقلاب امام خمینی^(۵) در سال ۴۲ حمایت کرد و در دوران تبعید امام در نجف در کنار او بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران هم به طور صریح و آشکار از آن حمایت کرد.

۷-تحریم عضویت در حزب بعث: شهید صدر با شیوه‌های مختلف به مبارزه با رژیم بعثی عراق و حزب بعث می‌پرداخت. تحریم عضویت در حزب بعث، تحریم نماز بعثی‌ها و افشاگری نسبت به انحرافات این حزب در دستور کار ایشان قرار داشت.

۸-مبارزه با رژیم دیکتاتوری عراق: مبارزه با رژیم را در حد گسترده‌ای سازماندهی می‌کرد و حتی به مبارزه مسلحانه هم دست زدند و در این مسیر از وجوه شرعی برای پیش بردن مبارزات سیاسی و تقویت نیروهای مبارزه استفاده می‌کردند.

۹-صدور فتوای اعدام برخی سران اصلی رژیم:

۱۰-ترویج روحیه شهادت‌طلبی و جهاد: او در مبارزه شیعیان عراق روحیه جهاد و شهادت‌طلبی را ترویج نمود تا جایی که خود آرزوی شهادت کرد و فرمود: من بر

شهادت تصمیم گرفته‌ام و شاید این آخرین سخنی است که از من می‌شنوید... شهادت بی‌اندازه گواراست (سیدکاظم حائری، روزنامه کیهان، ۶۲/۱/۲۰، ویژه‌نامه شهید صدر).

۱۱- مبارزه با استعمار: شهید صدر با قدرت‌های استثمارگر اروپای غربی و قدرت‌های جدید آمریکایی نیز به مقابله برخاست و در دوران جنگ سرد مردم را به هوشیاری و مبارزه فرا می‌خواند (دکتر محمدحسین جمشیدی، زندگی سیاسی شهید سیدمحمدباقر صدر، ص ۱۴۳).

۱۲- تلاش برای تحقق امت اسلامی: ایشان برای انسجام امت اسلامی و ایجاد ارتباط معنوی و وابستگی در میان اجزای پراکنده امت اسلامی، مجاهدت‌ها و تلاش‌های زیادی کردند و تلاش نمودند افراد امت را به رسالت اساسی خود آگاه و بیدار گردانند (همان، ص ۲۶۹). ایشان یازده ویژگی را برای امت اسلامی برشمردند: ۱- ویژگی معرفتی: ایشان امت اسلامی را در سه بُعد دانشمندان (مراجع)، اهل علم (دانشجویان و طلاب)، توده مردم دسته‌بندی و سازماندهی کردند. ۲- وحدت و یکپارچگی بر مبنای توحید ۳- حریت ۴- برابری و برادری ۵- مسئولیت و امانتداری و رسالت‌مندی ۶- استقلال، عزت نفس و خوداتکایی ۷- گواهی و شهادت بر جوامع دیگر به مفهوم قابلیت تأسی و پیشروی ۸- وسطیت و اعتدال ۹- نظم و سازمان در امور ۱۰- رشد و توسعه‌یافتگی ۱۱- خیر و برترین بودن (همان، ص ۲۷۴).

۱۳- مقابله با ناسیونالیسم و مکتبی‌گرایی: ناسیونالیسم در معنای صنفی آن در تقابل با اسلام‌گرایی بوده است.

۱۴- حمایت از آرمان فلسطین: ایشان حتی دیگر مراجع را به صدور بیانیه و حمایت از فلسطین فرا می‌خواند.

۱۵- حمایت از حزب‌الله و جنبش لبنان: ایشان لبنان را پاره‌ای حساس از امت اسلام می‌دانستند.

۱۶- حمایت از ملت مظلوم افغانستان: وی افغانستان را پاره‌ای از جهان اسلام می‌دانست و از اختلافات مذهبی آن رنج می‌بردند. ایشان به دانشمندان و جریان‌های مسلمان تأکید می‌کردند ملت افغانستان را در برابر تهاجمات بیگانه به ویژه روس‌ها حمایت کنند (همان، ص ۲۴۸).

ارتباط دین و سیاست

در اندیشه سیاسی سیدمحمدباقر صدر دین عین سیاست است و برعکس. او بر این باور است که اسلام، استعداد برابر شدن با شرایط زمان را دارا می‌باشد و این استعداد در متن دین نهفته است. دین قادر است با امتداد زمان پیش برود و تحول و تحرک خود را برای همیشه حفظ کند (تشیع یا اسلام راستین، ص ۷۰). در دیدگاه شهید صدر، دیانت اسلام از سه جهت هدف آسیب‌های بیرونی و درونی قرار دارد:

الف) تهاجم از بیرون: یعنی دو جبهه الحاد شرق و استعمار فرهنگی غرب. ایشان با نوشتن دو کتاب فلسفه ما و اقتصاد ما به مبارزه با هر دو برخاست.
ب) تحجر از درون: پدیده شوم تحجر، آفت درون دینی است که موجب رکود اندیشه اسلامی می‌شود.

ج) التقاط: رواج تفسیرها و تأویل‌های التقاطی از دین توسط چهره‌های نوگرا و اندیشه‌های وارداتی شرق و غرب نوعی از التقاط گسترده را پدید آورده بود و شهید صدر با آنها به مبارزه پرداخت (مهاجرنیا، جلد سوم، ص ۲۸۸).

سیاست و قدرت

سیاست در اندیشه سیاسی شهید صدر در مرکز نظریه خلافت انسان و گواهی پیامبران قرار دارد و عمده‌ترین بخش آن هدایت تکوینی و تشریعی است. وی محور اساسی نظریه تکوینی را خلافت انسان و درخشان‌ترین رنگ حرکت تشریعی را انبیا و امامان دانسته و سیاست را ترکیبی از این دو می‌داند. انقلاب‌های پیامبران با هدف اساسی ایجاد نظام صالح سیاسی صورت گرفته است. شهید صدر می‌گوید: سیاست به دو صورت تجلی می‌کند: الف) سیاست به مفهوم رایج که دایره‌ای محدود و مفهومی عاری از دقت داشته و رفتار و گفتاری مبتنی بر عدم راستی و صداقت است. ب) سیاست به مفهوم راستین و واقعی که متکی بر صداقت است. این سیاست، انسان و جامعه را به هدایت می‌رساند (خلافت انسان و گواهی پیامبران، ص ۴۹)؛ بنابراین، سیاست دینی همان تدبیر زندگی سیاسی و اجتماعی امت و جامعه بر مبنای عدل و استقامت و حرکت امت به سوی خیر و کمال است. تجلی سیاست در دولت است و دولت یک ضرورت اجتماعی است؛ بنابراین مبنای فکری و

تکوینی دارد. بدین معنا که تئوری خلافت انسان ضرورت دولت را در بطن خود دارد.

منظور از قدرت، قابلیت به اطاعت درآوردن و نظارت بر رفتار دیگران در تمامی روابط اجتماعی است و قدرت دینی یکی از عوامل به اطاعت درآوردن دیگران از راه صحیح است و منشأ این قدرت اعتقاد به خداست. شهید صدر می‌گوید: نمونه قدرتی که فساد نمی‌آورد حکومت پیامبر است؛ بنابراین نظارت کردن بر امور مردم از واجبات مرجع و حاکم اسلامی است (سرچشمه قدرت در حکومت اسلامی، شهید صدر، ص ۱۵).

نظام سیاسی

علامه سیدمحمدباقر صدر تشکیل حکومت و نظام سیاسی بر پایه اسلام را یک امر ضروری دانسته و در این راه تلاش و مبارزه کردند. او معتقد است که تنها نظام اسلامی می‌تواند انسان را به سعادت برساند، پس هدف حکومت اسلامی رساندن انسان به سعادت است. ایشان می‌گویند: حکومت در دولت اسلامی عبارت است از رعایت و حفظ شئون امت بر اساس شریعت اسلامی و به همین جهت بارها بر حاکم عنوان راعی و بر فرمانبرداران نام رعیت اطلاق شده است که از حدیث شریف کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیه آمده است (الاسلام یقود الحیاه، ص ۲). البته ایشان بین حکومت و دولت تفاوت قائل هستند و معتقد است دولت یک پدیده اجتماعی اصیل در زندگی بشر است (همان). ایشان به حکومت اسلامی می‌اندیشد و تشکیل آن را برای تمدن بشر ناگزیر می‌داند (سرچشمه‌های قدرت در حکومت اسلامی، ص ۳).

مشروعیت حکومت

منشأ مشروعیت حکومت، مهم‌ترین بحث در فلسفه سیاسی است. فلاسفه سیاسی از این بحث به مسأله مشروعیت که مبنای قانونیت و حقانیت است تعبیر می‌کنند. در مقابل مشروعیت به واژه غصب بر می‌خوریم که به جای دارا بودن حق حکومت و اقتدار، تنها از قدرت و حاکمیت مهتری برخوردار است. در نظرات شهید صدر، مشروعیت به سه صورت تحقق پیدا می‌کند:

۱- حاکمیت شرعی (الهی) نظیر حاکمیت پیامبران و ائمه اطهار^(ع) به واسطه نصب الهی

۲- حاکمیت مردمی که صرف نظر از عقاید و آرمان‌ها توسط مردم انتخاب می‌شوند.

۳- حاکمیت شرعی- مردمی (الهی انسانی). در این نوع حاکمیت، حاکمان مشروعیت اختیارات خود را از جانب شرع و هم از سوی مردم کسب می‌کنند. به بیان علامه صدر تعیین مرجع گواه بر امت به وسیله صفات و مشخصات عمومی است که از طریق خداوند پیش‌بینی شده است، ولی تطبیق آنها با کلام مراجع به عهده خود امت است که باید مسئولیت انتخاب را آگاهانه انجام دهد (خلافت انسان و گواهی پیامبران، ص ۴۸).

بنابراین از دیدگاه شهید صدر مشروعیت حکومت دارای مبنای مشروعیت دوگانه (الهی و مردمی) است (الاسلام یقود الحیاه، ص ۱۸).

ارکان و پایه‌های حکومت

شهید صدر انواع حکومت را در سه دسته بررسی می‌کند:

- ۱- حکومت مبتنی بر نظام‌های موجود جهان امروز، شامل نظام‌های دموکراسی سرمایه‌داری، نظام سوسیالیستی، نظام کمونیستی، نظام اسلامی؛
- ۲- حکومت مبتنی بر قانون یا حکومت غیر قانونی؛
- ۳- حکومت اسلامی.

ایشان حکومت را بر سه پایه استوار می‌داند:

- ۱- پایه‌های ایدئولوژیک: توحید پایه ایدئولوژیک حکومت اسلامی است.
- ۲- پایه‌های اخلاقی: حکومت اسلامی باید مصالح اجتماعی را حفظ کند و این یکی از وظایف و مسئولیت‌های اصلی حاکم اسلامی است. اسلام، حق و عدالت را پایه اخلاقی سیاست قرار می‌دهد.

۳- پایه‌های اجتماعی: شهید صدر نظریه مارکسیست‌ها درباره طبقاتی بودن حکومت را رد می‌کند و نظام سرمایه‌داری غربی را نیز مردود می‌شمارد و نقش خلیفه الهی انسان را دیدگاهی مشرقی می‌داند. او می‌گوید: اسلام در رفتار مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی و مالکیت دولتی نیز توجه دارد. وی ساختار حکومت را

سه پایه اصلی می‌داند: الف) مرجعیت ب) امت ج) نهادها و ساختار سیاسی (شهید صدر، کتاب جمهوری اسلامی، ص ۲۳).

اهداف حکومت

در آثار شهید صدر دو هدف عمده و کلان برای حکومت اسلامی تبیین شده است:

۱- **عدالت**: ایجاد عدالت و حق و پیروزی مستضعفین در جهان هدف است. تصور اسلام از عدالت اجتماعی دو جنبه دارد که برای هر یک از آنها برنامه دارد؛ الف) سرپرستی عمومی ب) توازن عدالت اجتماعی در این دو عرصه، عدالت اجتماعی تحقق می‌یابد (جمهوری اسلامی، ص ۲۰). ایشان می‌گویند: حق و عدالت حقیقتی است که وجدان دولت اسلامی را پر کرده است و تنها تیتیهایی نیست که در آن طبق مصالح استفاده و بهره‌برداری می‌شود، همانگونه که اکنون سازمان ملل متحد و همه سازمان‌های بین‌المللی چنین می‌کنند (سرچشمه‌های قدرت در حکومت اسلامی، ص ۲۱).

۲- آزادی

شهید صدر می‌گوید آزادی خصوصیتی دارد که یکی از آنها آزادی برای تضمین مالکیت اراده است. چنانچه انسان از کار افتادن برخی از دستگاههای بدن ناراحت می‌شود. همچنین از مالک نبودن و از کار افتادن اراده خویش نیز نگران می‌شود (آزادی در قرآن، ص ۴۸). ایشان می‌گویند: غربی‌ها تا آنجا به فرد آزادی می‌دهند که آزادی دیگران را نقض نکند و همین امر باعث شد که غرب دچار مشکلات فراوان شود (همان، ص ۵۰). شهید صدر معتقد است: اسلام برای آزاد ساختن انسان از محتوای داخلی او شروع می‌کند و آن را آزادی واقعی می‌داند تا انسان تلاش کند خود را تحت اراده و عقل در آورد (همان، ص ۵۳). از طرفی آزادی در قرآن یعنی رهایی انسان از سلطه شهوت و بت‌های ظاهری در زندگی انسان، زیرا بت‌های ظاهر سرچشمه دو چیز هستند:

۱- بندگی کردن شهوات که او را از مرتبه آزادی تنزل داده است.

۲- نادانی انسان (همان، ص ۵۷).

شرایط و ویژگی‌های کارگزاران

علامه صدر معتقد است رهبر و حاکمان اسلامی باید شرایط زیر را دارا باشند:

- ۱- عدالت: به معنای حد وسط و اعتدال و میانه‌روی در رفتار؛
- ۲- علم درک و فهم رسالت به معنای آگاهی از قرآن؛
- ۳- آگاهی و بینش در مورد واقعیت‌های موجود در جامعه؛
- ۴- کاردانی و لیاقت روحی و معنوی که به حکمت و عقل و صبر و شجاعت بستگی دارد؛
- ۵- حکمت؛
- ۶- دارایت و عقل؛
- ۷- صبر؛
- ۸- شجاعت (خلافت انسان و گواهی پیامبران، ص ۲۳).

مشارکت سیاسی

شهید صدر برای مشارکت سیاسی ارزش و اهمیت والایی قائل است. مشارکت سیاسی، شرکت دلخواهانه و غیر تحریک‌شده مردم در جریان تعیین سیاست‌های مملکتی و جریان انتخاب حکام و رهبران سیاسی است. به عبارت دیگر، مشارکت مجاهدت‌های سازمان‌یافته مردم برای انتخاب رهبران و تأثیرگذار بر سیاست‌های دولت و هدایت آن از طریق افکار عمومی است (غلامرضا امامی‌زاده، مشارکت سیاسی در اسلام، ص ۲۰). سیدمحمدباقر صدر سازوکارهای مشارکت را در چند مقوله مهم بررسی می‌کند:

- ۱- **شورا:** مردم در حکومت اسلامی حق تشکیل شورا دارند و صلاحیت دارند امور خود را به دست بگیرند.
- ۲- **بیعت:** بیعت دلیل دیگری بر خلافت عمومی و مشارکت امت در سیاست و حکومت است.
- ۳- **انتخابات:** انتخابات مهم‌ترین عنصر مشارکت سیاسی است (خلافت انسان و گواهی پیامبران، ص ۴۹).

نگاهی به مفاهیم حقوق بشر و حقوق شهروندی

حقوق بشر

حقوق بشر که به زبان فرانسه *droits l'homme* و به انگلیسی *Human Rights* و به عربی حقوق الانسان نامیده شده است طبق نظریه مکاتب آزادیخواه عبارت است از حقوقی که لازمه طبیعت انسان است. حقوقی که پیش از پیدایی دولت وجود داشته و مافوق آن است و بدین جهت دولت‌ها باید آنرا محترم بشمارند. به تعبیر روشن‌تر، در مکاتب آرمان‌گرا نظر بر این است که پاره‌ای حقوق از لحاظ کرامت و شرافت انسانی، بنیادی و برای اینکه انسان بتواند رسالت خود را انجام دهد ضروری هستند. اعتقاد به وجود پاره‌ای حقوق فطری و ضروری برای بشر که قانونگذار بشری نباید آن را نادیده بگیرد از دیرباز وجود داشته است. در اسلام و مسیحیت اعتقاد به این حقوق که ناشی از اراده الهی و لازمه کرامت انسانی است وجود دارد. مکتب حقوق فطری در قرن هفدهم تحرک تازه‌ای به این فکر داد و همین فکر در عصر انقلاب کبیر فرانسه در اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ منعکس گردید. این اعلامیه همانند انقلاب کبیر فرانسه متأثر از فلسفه فردگرایی بود که تأکید بر شخصیت و

۱

مفاهیم و اصطلاحات سیاسی

ارزش فرد دارد و فرد را محور اندیشه‌ها و قانونگذاری‌ها به شمار می‌آورد. برعکس فلسفه جامعه‌گرایی در طول قرن‌های ۱۹ و ۲۰ بر حقوق جامعه تاکید می‌نماید، اما نفی حقوق افراد به نام حقوق جامعه یا نژاد موجب تجاوزات بزرگ و خشونت‌های ناروا و اعمال وحشیانه نسبت به افراد در برخی از کشورهای خودکامه می‌شود و در نتیجه مسأله حقوق بشر در قرن بیستم از نو مورد توجه خاص واقع می‌شود و بالاخره به تهیه و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد منتهی می‌گردد.

اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر مبتکر حقوق بشر نبوده، بلکه ادیان الهی به ویژه اسلام نخستین اعلامیه‌های حقوق بشر را در بر داشته و فلاسفه و دانشمندان نیز به گونه‌ای از حقوق بشر دفاع کرده‌اند و قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر این حقوق در برخی از اعلامیه‌ها و مقررات داخلی کشورها مطرح شده است.

به دیگر سخن، حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر ترکیبی است از حقوق و آزادی‌های بشری که قبل از تأسیس سازمان ملل متحد وارد قوانین اساسی و دیگر قوانین کشورهای مختلف جهان شده بود. همچنین تاریخ تمدن بشر شاهد کوشش پیامبران، فلاسفه، متفکران و انسان دوستان مشرق و مغرب زمین در اعتلای شأن و کرامت انسان و دفاع از حقوق و آزادی‌های اساسی اوست. با وجود این، از قرن هیجدهم به بعد با اعلامیه‌های مختلف حقوق بشر که در آمریکا و اروپا به تصویب رسید و با ذکر و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی در قوانین اساسی کشورها، توجه جهانیان بیش از پیش به این حقوق معطوف شد و ب هویژه بعد از جنگ جهانی دوم نهضتی در این زمینه پدید آمد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌ها و قراردادهای بین‌المللی متبلور شد.

حقوق شهروندی

این مفهوم ترکیبی از دو کلیدواژه حقوق و شهروند است. شهروندی مفهومی انتزاعی است که از رابطه بین شهر وساکنان آن انتزاع می‌شود. یکی از مهم‌ترین مسائلی که امروزه در قانون توجه محافل سیاسی و اجتماعی مختلف در داخل و خارج از کشور قرار دارد، حقوق مدنی و چگونگی بهره‌مندی افراد از آن است. که به اشکال مختلف از سوی گروه‌ها و انجمن‌های ملی و بین‌المللی مطرح می‌شود و خوراک محافل سیاسی و رسانه‌ای را شکل می‌دهد. موضوع حقوق شهروندی در اغلب موارد به ابزاری در خدمت اهداف حزبی و جناحی و وسیله‌ای برای مچگیری و فشار بر رقبای تبدیل می‌شود، که خود این امر اگر نگوییم بزرگ‌ترین، یکی از عوامل مهم تضییع حقوق شهروندان است.

شهروند کیست؟

شهروند فردی است در رابطه با یک دولت، که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است، و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد. یا به تعبیر آقای گیدنز، عضو یک اجتماع سیاسی، که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است. شهروندی منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت رابطه شهروندی گویند که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. شهروند تنها فرمانبر دولت نیست، بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار است و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت می‌کند. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند و معمولاً تابع دو سنجه است: یکی زادگاه، و دیگری ملیت پدر و مادر. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروند آن کشور نیز به دست می‌آید، اما اینگونه شهروندی معمولاً همه حقوق شهروندی (از جمله

کسب مشاغل دولتی) را با خود نمی‌آورد. شهروند در قبال جامعه دارای یکسری مسئولیت‌های فردی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: خدمت در ارتش، رأی دادن، احترام به قانون و حقوق دیگران، و پرداخت مالیات.

حقوق شهروندی

آنتونی گیدنز، حقوق مدنی را حقوق قانونی همه شهروندانی می‌داند که در اجتماع ملی معینی زندگی می‌کنند. مارشال سه نوع حق در ارتباط با رشد شهروندی تشخیص داده است:

۱- حقوق مدنی، به حقوق فرد در قانون اطلاق می‌شود و شامل: الف) آزادی افراد برای زندگی در هر جایی که انتخاب می‌کنند ب) آزادی بیان و مذاهب ج) حق مالکیت د) حق دادرسی یکسان در برابر قانون است.

۲- حقوق سیاسی به ویژه حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن.

۳- حقوق اجتماعی، این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود. این حقوق شامل: الف) مزایای بهداشتی و درمانی ب) تأمین اجتماعی در صورت بیکاری ج) تعیین حداقل سطح دستمزد است. به عبارت دیگر حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود.

مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد و ظهور مکاتب انسان‌گرا همچون اومانیزم و لیبرالیسم در اروپا پدید آمده است. این نظام‌های اجتماعی و سیاسی که بر مبنای فردگرایی بنیانگذاری شده است «اراده و خواست انسان» را جایگزین هدایت و ارشاد خداوندی ساخت و بدین ترتیب، قانون بشری که بازتاب اراده و خواست انسان بود، به جای قانون الهی نشست و تئوکراسی یا حاکمیت خداوندی بر جامعه و انسان جای خود را به «دموکراسی» که عالی‌ترین نوع حکومت تلقی می‌شد داد و زمینه برای

انقلاب‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی در اروپا و آمریکا فراهم شد. انقلاب کبیر فرانسه با شعار: آزادی، برابری، برادری از جمله آنهاست.

شهروندی اشاره به زندگی روزمره، فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد اجتماع و همچنین فعالیت‌های اجتماعی ایشان دارد و به طور کلی مجموعه‌ای از رفتار و اعمال افراد است. شهروندی پویا یا شهروندی فعال در واقع از این نگرش برخاسته است؛ شهروندی مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند، اما برآیند آنها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین است مشارکت‌های اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد افتاد. در واقع این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی در نگاه کلی تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد. دریافت این مفاهیم شهروندی نیازمند فضایی مناسب برای گفتگو و مشارکت مردم با نقطه نظرات متفاوت و نظارت عمومی است.

این مفاهیم به تدریج توسط رسانه‌های غربی و دولت‌های سرسپرده و فارغ‌التحصیلان کشورهای اسلامی از دانشگاه‌های آمریکا و اروپا و نیز از سوی احزاب و گروه‌های التقاطی و لیبرال به دیگر جوامع سرایت کرد و با کمال تأسف با همان معانی و مبانی غربی به کار گرفته شود. اینگونه واسطه‌ها توان بومی‌سازی ایده‌های آموخته‌شده را نداشتند؛ چرا که از علوم اسلامی بی‌بهره بودند و علاوه بر آن در قبال فرهنگ غرب فاقد استقلال فکری بودند و دچار استحاله هویتی و التقاط فکری و عقلی شدند و چندان نسبت به ملیت و کشور و فرهنگ خود احساس مسئولیت و تعهد ندارند. اینان فرهنگ غرب را قبله آمال خویش می‌دانند و برای حقوق بشر و قوانین و حقوق شهروندی غربی تقدسی خاص قائل هستند.

حقوق شهروندی در اسلام

در شریعت حیات بخش اسلام و در آیات قرآن کریم، انسان موجودی است برگزیده از جانب خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می شود و به سوی قوت و کمال سیر می کند و بالا می رود، اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی گیرد. ظرفیت علمی و عملی اش نامحدود است، از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است، احیاناً انگیزه هایش هیچ گونه رنگ مادی و طبیعی ندارد، حق بهره گیری مشروع از نعمت های خدا به او داده شده است، ولی در برابر خدای خویش وظیفه دار است. در جهان بینی الهی، انسان همانند سایر موجودات عالم خلقت نیست، بلکه او از امتیازات خاصی برخوردار است که مشابه آن به هیچ موجود دیگری اعطا نشده است؛ بنابراین در دین آسمانی نه تنها هرگز انسان به دست فراموشی سپرده نمی شود، بلکه انسان گرایی واقعی به معنای کمال توجه به رشد و اعتلای انسان و پرهیز از قربانی کردن او در برابر هر امر دیگر، فقط در ادیان الهی وجود دارد.

تا قبل از این در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می دیدند، اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامع تری یافت. در سال ۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستورکار واحدها شد. رئیس مهم این قانون

درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود. در دولت اصلاحات فضا سازی زیادی در این رابطه صورت گرفت، اما مجموعه‌ای منطبق بر فرهنگ اسلامی و ایرانی ارائه نکردند. آنان متونی کاملاً ترجمه منابع غربی را مد نظر داشتند که مورد اقبال مردم و نخبگان قرار نگرفت. اکنون دولت آقای روحانی با همان ماهیت و رویکرد البته با تغییراتی منشور حقوق شهروندی را ارائه کرده است و در گزارش صد روزه اول ریاست جمهوری خویش وعده آن را به مردم داد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر جهان بینی و ایدئولوژی الهی و با شناخت ابعاد وجودی انسان، حقوقی را برای فرد برشمرده است که توجه به آنها می‌تواند، شناخت و بصیرت انسان را برای ایجاد ارتباط درست و منطقی با دولت و همچنین در ارتباط با افراد دیگر اجتماع، افزایش دهد و موجب سلامت و اعتدال جامعه گردد. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- تساوی حقوق مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند (اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی)

۲- حقوق زن: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.

۳- آزادی عقیده: مطابق اصل ۲۳ قانون اساسی تفتیش عقاید ممنوع است.

۴- آزادی مطبوعات: در اصل ۲۴ آمده است: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند.

۵- آزادی احزاب: اصل ۲۶ قانون اساسی و آزادی احزاب، جمعیت‌ها.

انجمن‌های سیاسی و صنفی و ...

۶- آزادی در انتخاب شغل.

۷- برخورداری از تأمین اجتماعی: اصل ۲۹ قانون اساسی.

۸- آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت: اصل ۳۰ قانون اساسی.

- ۹- داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است (اصل ۳۱).
- ۱۰- امنیت (اصل ۳۲).
- ۱۱- حق اقامت (اصل ۳۳).
- ۱۲- حق دادخواهی (اصل ۳۴).
- ۱۳- حق انتخاب وکیل (اصل ۴۵).
- ۱۴- مجازات به موجب قانون و از طریق دادگاه صالح (اصل ۳۶).
- ۱۵- اصل برائت از جرم (اصل ۳۷).
- ۱۶- ممنوعیت شکنجه (اصل ۳۸).
- ۱۷- حفظ حرمت و حیثیت اشخاص (اصل ۳۹).
- ۱۸- ممنوعیت اضرار به دیگران (اصل ۴۰).
- ۱۹- حق تابعیت برای هر فرد ایرانی (اصل ۴۱).

« پاسخ به سؤالات »

«سؤالات اقتصادی»

۱- پیشنهادهای جدید گازی ترکیه به ایران چه بوده و آیا توافقی صورت گرفته است؟

"تانر ییلدیز" وزیر انرژی ترکیه از انجام مذاکراتی برای افزایش واردات گاز از ایران به میزان ۲۰ میلیارد مترمکعب در سال خبر داده و گفته است در صورت افزایش دو برابری سازوکار قیمت خرید گاز طبیعی از ایران تغییر می‌کند. بعد از اعلام این خبر، مدیرکل روابط عمومی وزارت نفت با بیان اینکه پیشنهاد جدید گازی ترکیه در وزارت نفت در حال بررسی است خاطرنشان کرد: پس از انجام بررسی‌های کارشناسی‌شده تهران به طور رسمی پیشنهاد نهایی گازی خود را به دولت آنکارا اعلام می‌کند. برخی از اخبار هم حکایت از این دارد منطقی‌سازی قیمت گازی محور مذاکرات اردوغان نخست وزیر ترکیه در تهران بوده است. علاوه بر این ترکیه یکی از مسیرهای ایران برای صادرات گاز به اروپا است. یکی از مسیرهای ایران برای صادرات گاز به اروپا خط لوله ششم سراسری به



پرسش و پاسخ

طول تقریبی یکهزار و ۳۰۰ کیلومتر بوده که تاکنون ساخت قطعه اول و دوم این خط لوله گاز از عسلویه تا اهواز به طول ۶۱۱ کیلومتر به پایان رسیده است. در حال حاضر مراحل تکمیل خط لوله ۵۶ اینچ ششم سراسری در قطعه سوم و چهارم در حال انجام بوده که این خط لوله از ظرفیت انتقال روزانه ۱۰۰ میلیون مترمکعب گاز تا مرز بازرگان را برخوردار است.

۲- چشم‌انداز اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۴ از سوی مؤسسه‌های

مطالعاتی به چه میزان پیش‌بینی شده است و دلایل آن چیست؟

مؤسسه تحقیقاتی بیزینس مانیتور در جدیدترین گزارش خود پیش‌بینی کرد رشد اقتصادی ایران در سال جاری میلادی به ۲.۸ درصدی برسد و تورم به ۲۲ درصد کاهش پیدا کند. این مؤسسه پیش‌تر رشد اقتصادی ۲.۴ درصدی را برای ایران در سال ۲۰۱۴ پیش‌بینی کرده بود. بهبود شرایط خارجی و مدیریت بهتر داخلی را دو دلیل رشد و رونق اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۴ می‌دانند و معتقدند اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۴ وارد رشد می‌شود و این در حالی است که روابط ایران با غرب و مدیریت شاخص‌های کلان اقتصادی در این کشور رو به بهبود دارد. این مسأله می‌تواند به رشد صادرات ایران و افزایش اعتماد تجاری و اعتماد مصرف‌کننده در ایران منجر شود. بر اساس پیش‌بینی بیزینس مانیتور ارزش اسمی تولید ناخالص داخلی ایران که در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۴۳۵.۳ میلیارد دلار بوده در سال ۲۰۱۴ به ۴۶۶.۷ میلیارد دلار خواهد رسید. نرخ تورم ایران نیز از ۲۸ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۲۲ درصد در سال جاری میلادی کاهش خواهد یافت.

۳- شکایت بانک ملت از خزانه‌داری انگلیس در چه وضعیتی قرار

دارد؟

بانک ملت، بزرگ‌ترین بانک خصوصی ایران، در حال انجام مراحل شکایت از وزارت خزانه‌داری انگلیس برای مطالبه ۳.۹۸ میلیارد دلار غرامت برای از

دست دادن معاملات بین المللی در نتیجه تحریم های دولت انگلیس است. این دعوی به دنبال حکم دادگاه عالی انگلیس در ماه ژوئن ۲۰۱۳ که تحریم های علیه این بانک توسط دولت انگلیس در سال ۲۰۰۹ را غیرقانونی اعلام کرد، مطرح شد. دادگاه عالی انگلیس، تحریم های بانک ملت را به علت اینکه این بانک یک مؤسسه مالی دولتی نیست و همین طور به علت نبود شواهدی مبنی بر کمک این بانک در برنامه هسته ای ایران، غیرقانونی اعلام کرده بود. البته در آن زمان، وزارت خزانه داری انگلیس نسبت به حکم دادگاه عالی این کشور ابراز ناراحتی کرد. همچنین این وزارتخانه اعلام کرد که در هر حال این حکم توسط اداره مسدود کردن دارایی های اتحادیه اروپا لغو شده است و تحریم ها همچنان در مورد این بانک پابرجاست.

۴- نرخ سود تسهیلات بانکی چند درصد است؟

در گذشته روال اینگونه بود که بانک مرکزی با تدوین و ابلاغ بسته سیاستی و نظارتی، نرخ سود بانکی را معین و بانکداران را ملزم به اجرای آن می کرد، اما بانک مرکزی از بهمن سال ۹۰ تاکنون بسته سیاستی و نظارتی را تغییر نداده و طبق همین بسته بانکداران باید نرخ سود تسهیلات مبادله ای را تا سررسید ۲ سال معادل ۱۴ درصد و برای سررسید بیشتر از ۲ سال معادل ۱۵ درصد تعیین کنند. همچنین در بسته سیاستی که توسط بانک مرکزی ابلاغ شده آمده است که دامنه نرخ سود عقود مشارکتی قابل درج در قرارداد بین مؤسسه اعتباری و مشتری بین ۱۸ تا ۲۱ درصد تعیین می شود. ولی بانک ها در ظاهر به دور از چشم بانک مرکزی و در باطن با توافق بانک مرکزی تصمیم گرفته اند کف نرخ سود تسهیلات را ۲۶ درصد تعیین کنند. در عین حال باید گفت مطالبات معوق سیستم بانکی مربوط به وام های خرد نبوده و افرادی که تسهیلات کلان از سیستم بانکی دریافت کرده اند بیشتر به خلف وعده عادت دارند. این روال از سال های گذشته بوده و با وجود

هشدارهای متعدد همچنان در سیستم بانکی ادامه دارد. در این میان بانک‌هایی داریم که رقم سود وام آنها خیلی بالاتر از این رقم است.

۵- افزایش نرخ خوراک پتروشیمی‌ها به چه میزان است و چه تأثیری

بر بازار سرمایه گذاشته است؟

دولت در قالب لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ پیشنهاد افزایش نرخ خوراک تا همان سطح ۱۳ سنت را داده بود. بر پایه این پیشنهاد، بحث‌هایی در مجلس برای تعیین نرخ عادلانه خوراک گازی پتروشیمی‌ها در گرفت. در این میان نرخ‌های مختلفی از کف ۱۳ سنت تا سطح ۳۰ سنت در کمیسیون‌های مختلف مرتبط با بحث، مطرح شد. برخی فعالان این صنعت به سرعت وارد ماجرا شدند و با تمام تلاش سعی کردند این نرخ را در سطحی پایین‌تر از ۱۰ سنت حفظ کنند. اما در این میان پیشنهاد آقای احمد توکلی؛ نماینده تهران برای اصلاح این بند مطرح شد. بر اساس این پیشنهاد، نباید قیمت خوراک پتروشیمی از ۱۵ سنت در هر مترمکعب کمتر شود. توکلی معتقد بود سود کلان صنعت پتروشیمی باعث می‌شود سرمایه‌گذاران در صنایع پایین دستی سرمایه‌گذاری نکنند و تصویب این بند خودبه‌خود باعث اشتغال خواهد بود. با تصویب این پیشنهاد مقرر شد قیمت خوراک گاز واحدهای پتروشیمی به‌گونه‌ای تعیین شود که نرخ بازدهی داخلی ارزی سرمایه‌گذار این واحدها تا ۲۵ درصد باشد به شرط اینکه از ۱۵ سنت در هر متر مکعب کمتر نشود. این مصوبه حاشیه‌های زیادی داشت مهم‌ترین اثر آن روی بورس بود که شرکت‌های بورسی با افت شدید قیمت مواجه شدند و نماد اکثر پتروشیمی تا شفاف‌سازی بسته اعلام شد. در همین زمینه کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار و کانون نهادهای سرمایه‌گذاری، در خصوص مصوبه مجلس شورای اسلامی راجع به تعیین نرخ خوراک گاز واحدهای پتروشیمی در قانون بودجه سال ۱۳۹۳، نامه مشترکی به دبیر شورای نگهبان ارسال کردند و با

برشماری ایراداتی که با موازین شرع و اصول قانون اساسی مغایرت داشته، خواستار توجه شورای محترم نگهبان شدند و شورای نگهبان هم با تأیید ابهامات، مجدداً آن را به مجلس شورای اسلامی عودت دادند. مخالفان این مصوبه معتقدند: گران شدن نرخ خوراک گاز در کل صنعت پتروشیمی تأثیر خواهد گذاشت و بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی از سرمایه‌گذاری در این بخش منصرف می‌شوند و همین عامل موجب پیشی گرفتن رقبا از ایران در توسعه صنعت پتروشیمی خواهد شد و در کنار اینها آسیب دیدن بخش کشاورزی به خاطر افزایش قیمت کود شیمیایی جزء آسیب بعدی است. در نهایت باید گفت شورای نگهبان با مخالف دانستن این مصوبه با اصل ۴۴ آن را به مجلس عودت داد و در جلسه مجدد کمیسیون تلفیق نرخ ۸ سنت در نظر گرفته شد.

۶- شیوه حمایت از صادرات در فاز دوم هدفمندی به چه نحو است؟

برای حمایت از صادرات در فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها بسته‌ای تدوین شد، اما کمک‌ها به صورت مستقیم نخواهد بود و دولت معتقد است که اگر مانع بر سر راه صادرکننده نگذاریم، بیشترین کمک به تاجر و بازرگان است؛ بنابراین در فاز دوم، تلاش دولت بر این مبنا است تا مقررات تغییر پیدا نکند و با ثبات در تصمیم‌گیری، بیشترین زمینه را برای فعالیت تجار مهیا شود. البته ناگفته نماند تصمیم‌های مهمی در ارتباط با توسعه صادرات غیرنفتی اتخاذ شده است. در همین مدت، تعهد ارزی برای صادرکنندگان حذف شده است که این گام بسیار مهمی است و ضمن اینکه مالیات بر صادرات که نزدیک به دو سال است ذهن صادرکنندگان را به خود مشغول کرده است، از سوی هیأت وزیران لغو شد و به سازمان امور مالیاتی و سازمان‌های تابعه اعلام شده است. گام بعدی در حمایت دولت از صادرکنندگان مقررات‌زدایی است که برای توسعه صادرات باید تسهیل

واردات داشته باشیم. در واقع، تسهیل واردات یکی از طرق حمایتی است که دولت و وزارت صنعت، معدن و تجارت اقدام به لغو ایران کد و شبهم به عنوان دو مانع بازدارنده بر سر راه واردات و صادرات کرد. از همه این موارد مهم‌تر، ثباتی است که دولت در بخش اقتصاد حاکم کرده است و نرخ ارز با نوسان محدود حول یک عدد ثابت است و بنابراین صادرکننده می‌داند که اگر هم اکنون کالای خود را صادر و برای تأمین مواد اولیه اقدام کند، ثبات در بازار را به عنوان یک عامل مهم در جهت برنامه‌ریزی فعالان اقتصادی و تجار پیش رو دارد. به علاوه اگر در کنار عوامل مذکور، افزایش سرمایه بانک توسعه صادرات و سرمایه صندوق ضمانت صادرات ایران در دستور کار دولت قرار دارد که کمک بسیار خوبی برای این بخش خواهد بود.

۷- دلایل افت بازار سرمایه چیست؟

در گام اول با دو شایعه شروع شد. نقطه شروع این ماجرا، طرح شایعه بازداشت یکی از مدیران میانی بورس به اتهام ارتباط با بابک زنجانی است. این شایعه که بدون استناد به هیچ منبع شناسنامه‌دار معتبر و یا حتی غیرمعتبر، صرفاً از طریق فضای مجازی و برخی شبکه‌های اجتماعی، بین فعالان بورس مطرح می‌شود، مقدمات لازم را برای شروع عملیات تخریب فراهم کرده است. شایعه دوم از طریق شبکه‌های اجتماعی، ارسال پیامک و یا نقل قول شفاهی، در بازار سرمایه منتشر می‌شود. شایعه این است: صالح‌آبادی از سمت ریاست سازمان بورس استعفا داد. با حضور مسئولان مربوطه بورس در رسانه‌ها، عملاً این شایعات اثر خود را تا حدی از دست داد. گام دوم بازگشت آن به بودجه بر می‌گردد. برخی ابهامات بودجه‌ای در خصوص نرخ بهره مالکانه معادن و خوراک پتروشیمی، بازار را بیشتر منفی کرد. در این مرحله، شایعات متعددی همچون استعفای صالح‌آبادی از ریاست بورس و تعیین راعی به عنوان جایگزین وی، برای تضعیف بورس و خروج نقدینگی از

بورس به سمت بازار مسکن و پولشویی در بورس، به صورت بسیار گسترده‌تر از مرحله قبل، در فضای مجازی مطرح می‌شود. گام سوم سناریوی التهاب‌آفرینی در بورس، طراحان سناریو در این گام، با استفاده از شرایط ملتهب بورس و نارضایتی سهامداران از افت قیمت‌ها، به صراحت درخواست برکناری مدیران بورس را در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌کنند. همین گروه کمپین درخواست برکناری رئیس بورس را در فیس‌بوک و سایر شبکه‌های اجتماعی راه می‌اندازند و اطلاع‌رسانی گسترده در فضای مجازی، از فعالان بازار می‌خواهند تا به برکناری مدیران بورس رأی دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد التهاب‌آفرینی یک ماهه اخیر در بازار بورس، ابعاد پیچیده‌ای دارد که ایجاد جنگ روانی و التهاب‌آفرینی در فضای مجازی و برخی اقدامات شیطن‌آمیز و مغرضانه توسط تعدادی افراد با هدف بی‌ثبات کردن قیمت سهام و فراهم کردن شرایط لازم برای سقوط بورس، تنها گوشه‌ای از این سناریوی پیچیده است. به هر حال، مسئولان باید توجه داشته باشند که بورس مملکت، گوشت قربانی نیست که عده‌ای خاص برای دستیابی به منافع و اغراض خود، تکه پاره‌اش کنند. بورس یک سرمایه ملی است و باید در هر شرایطی، از آن صیانت و امنیت آن را حفظ کرد.

۸- نگاه موافقان و مخالفان بودجه ۹۳ حول چه محورهایی است؟

نمایندگان مجلس در جلسه علنی با ۱۳۰ رأی موافق، ۵۹ مخالف، ۱۰ رأی ممتنع از مجموع ۲۰۹ نماینده حاضر در جلسه به کلیات بودجه رأی مثبت دادند، اما هر گروه نگاه خاصی به بودجه داشتند که محورهای مهم و اساس هر دو گروه موافق و مخالف به صورت فهرست‌وار بیان می‌شود.

دلایل و استدلال موافقان:

- پیش‌بینی رشد اقتصادی ۳ درصدی

- پیش‌بینی تورم ۲۱ درصدی

- قانون‌مداری دولت در ارسال به موقع لایحه
- نبود عدد پنهان بودجه ۹۳ (نشانه شفافیت)
- کاهش ۲۲ درصدی ردیف‌های متفرقه
- بودجه ۲ هزار میلیارد تومانی برای بیمه بیکاری
- اطمینان از تحقق منابع بودجه
- افزایش سهم مالیات‌ها به عنوان منابع پایدار
- تقویت نظارت بر شرکت‌های دولتی به خصوص در مناطق آزاد
- خودداری از دست‌اندازی به منابع صندوق توسعه ملی

دلایل و استدلال مخالفان:

- عدم همخوانی افزایش ۱۸ درصدی حقوق کارمندان با تورم ۲۵ درصد
- به معنای فقیرتر شدن دهک‌های پایین جامعه
- تورمزایی افزایش ۵۰ درصدی درآمدهای مالیاتی در بودجه
- نادیده گرفتن بودجه ۱۸۵ شرکت در لایحه
- متکی بودن بودجه به درآمدهای نفتی
- کاهش بودجه دفاعی
- مشخص نبودن طرح‌های عمرانی
- سخت بودن عملیاتی کردن ۲۵ میلیارد دلاری فاینانس

«سؤالات سیاسی»

۱- چرا دولت به جای پاسخگویی به انتقادهایی که در مورد محتوای

مذاکرات هسته‌ای مطرح شد، منتقدین را بی‌سواد می‌خواند؟

اگر به ۳۵ سال گذشته بنگریم می‌بینیم کسانی که امروز از آنچه در مذاکرات اتفاق افتاده و خوشحال هستند، هم کسانی که در داخل کشور و هم افرادی که در آن سوی مرزها، در رسانه‌هایی همچون بی‌بی‌سی و صدای آمریکا و العربیه تحلیل می‌کنند، افرادی هستند که سابقه فعالیت آنها علیه امنیت و منافع ملی کشور به خوبی مشخص است. یا کسانی هستند که ناآگاهانه و با توجه به آنچه که در افکار عمومی پخش می‌شود قضاوت می‌کنند؛ چرا که شفافیت در مورد محتوای مذاکرات وجود ندارد، بلکه صرفاً با اشاره به کلیات، طوری جلوه داده شده است که مذاکرات هسته‌ای به گونه‌ای پیش می‌رود که با تدبیر و مدیریت مسئولان امر، بی‌تدبیری و سوءمدیریت مسئولان گذشته در حال جبران است!

در حالی که «وندی شرم» در جلسه نشست مجلس سنا، به راحتی در مورد تأسیسات هسته‌ای نه تنها نیازسنجی کرد و گفت: «ایران نیازی به تأسیسات اراک و فردو ندارد»، بلکه پا را فراتر گذاشت و تأکید کرد: «سخنانی که مسئولان جمهوری اسلامی ایران می‌زنند مصرف داخلی دارد» و در جای دیگر با اشاره به تدبیر دولت در توزیع سبد کالا گفت: «شما در اخبار دیدید که ایران اخیراً به طور قابل مشاهده‌ای غذا به مردم فقیر در جامعه داد که به نوعی نشان‌دهنده این است که کاهش هدفمند و محدود تحریم‌ها تأثیر مستقیم بر مردم این کشور داشته است. همان‌طور که روحانی قول داده بود که این پول صرف اهداف دیگر نشود.» این در حالی است که مقام‌های آمریکایی قبل از طرح مذاکره به خود اجازه نمی‌دادند ملت ایران را اینگونه خطاب کنند، چه شده است که در این مدت اندک چنین گستاخانه درباره مردمی اظهار نظر می‌کنند که عظمت و بزرگی آنان در طول ۳۵ سال گذشته

به جهان ثابت شده است.

بنابراین، انتظار نمی‌رود ناکارآمدی و ناتوانی دولت در حل مشکلات با چنین قضاوت‌های ناشایست در مورد کسانی که انتظار دارند در مقابل نقدهای موجود پاسخی معقول و منطقی بشنود، بگذرد. انتظاری که منتقدان از دولت دارند کاملاً به جاست زیرا کسانی که از فضای موجود انتقاد می‌کنند نه تنها بی‌سواد نیستند، بلکه منتقدین، دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها هستند که به سرنوشت کشور، به خاطر خون‌هایی که برای پیروزی انقلاب، در دفاع مقدس و در جهاد علمی ریخته شده، حساسند و حاضر نیستند ذره‌ای از منافع ملی و باورهای خودشان بگذرند؛ پس دولت باید با صعه صدر انتقادات را با آغوش باز بپذیرد.

۲- برخی از کارشناسان از جمله فرماندهان سپاه و ارتش بعد از گستاخی‌های مقام‌های آمریکایی، اعلام کردند؛ گزینه‌های جمهوری اسلامی ایران هم روی میز است. ارزیابی شما از این گزینه‌ها چیست؟ همان‌طوری که برخی از کارشناسان به خصوص فرماندهان نظامی در سپاه و ارتش اعلام کردند نظام اسلامی نیز متقابلاً گزینه‌هایی برای آمریکایی‌ها روی میز دارند، گزینه‌هایی که می‌تواند آمریکا را با بزرگ‌ترین چالش امنیتی مواجه کند. مهم‌ترین این گزینه‌ها عبارتند از:

۱- تهدید منافع آمریکا در منطقه

چنانچه ایران بخواهد از گزینه‌های روی میزش علیه آمریکا استفاده کند ابتدا به سراغ منافع آمریکا در منطقه خواهد رفت. منافی که ایالات متحده برای حفاظت از آن هزاران سرباز و چندین ناو و ناوشکن را به منطقه گسیل داشته و نیز می‌داند در این زمینه در برابر ایران به طور کامل آسیب‌پذیر است. از جمله مهم‌ترین ابزار ایران برای مقابله با گزینه‌های نظامی آمریکا عملی کردن یک تهدید قدیمی و کارآمد است. در دوران جنگ تحمیلی میان ایران و عراق، مسئولان ایرانی تأکید کردند چنانچه تنگه هرمز برای عبور نفت

ما امن نباشد برای هیچ دولت دیگری نیز امنیت نخواهد داشت. در پاسخ به این تهدید بود که آمریکایی‌ها دستپاچه شدند و در تصمیمات خود تجدید نظر کردند. لازم به یادآوری است که به طور متوسط روزانه حدود ۱۷ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کند و چنانچه ایران اراده کند این نفت از تنگه عبور نخواهد کرد.

۲- قدرت موشکی

علاوه بر مین‌های دریایی، موشک‌های کروز، ایران می‌تواند تنگه هرمز را تبدیل به تنگه وحشت کند. در این صورت بهای نفت سیر صعودی به خود می‌گیرد، چنانکه برخی از کارشناسان حوزه انرژی پیش‌بینی می‌کنند در صورت بروز چنین جنگی قیمت نفت به سرعت از بشکه‌ای ۲۰۰ دلار فراتر خواهد رفت؛ موضوعی که به هیچ وجه خواست آمریکایی‌ها و متحدان اروپایی آن نخواهد بود. از سوی دیگر جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده است در صورت وقوع جنگ، دامنه آن را محدود به مرزهای خود نخواهد گذاشت و متحدان دیگر آمریکا در منطقه را نیز قطعاً درگیر خواهد نمود.

۳- موجودیت رژیم غاصب صهیونیستی

چنانچه آمریکایی‌ها بتوانند از امنیت انرژی چشم‌پوشی کنند قطعاً امنیت رژیم صهیونیستی را نمی‌توانند نادیده بگیرند. گنبد آهنینی که جلوی موشک‌های فجر حزب الله لبنان و حماس سر فرود آورد، در مقابل آخرین نسل از موشک‌های دوربرد ایرانی توان مقاومت نخواهد داشت. از سویی دیگر عمق راهبردی ناچیز رژیم صهیونیستی تحمل درگیری موشکی با ایران را ندارد و در اندک زمانی برای صهیونیست‌ها از آسمان، آتش خواهد بارید. گذشته از آن جمهوری اسلامی به سرعت دامنه جنگ را فراتر از منطقه، در کل جهان و حتی داخل خاک آمریکا گسترش خواهد داد تا هزینه‌های کل‌روزی میز آمریکا روز به روز بیشتر و بالا برود.

در نتیجه بنابراین اگر آمریکایی‌ها می‌توانستند، در استفاده از گزینه‌های روی میزشان تردید به خود راه نمی‌دادند. اما مهم‌ترین عامل بازدارنده آنها

یعنی گزینه‌های روی میز ایران، چنان هولناک است که آمریکایی‌ها هرگز به طور جدی بر روی گزینه نظامی علیه ایران فکر نکرده‌اند.

۳- به نظر شما علی‌رغم توافق ژنو چرا وزارت خزانه‌داری ایالات

متحده تحریم‌های جدیدی را علیه ایران تصویب نمود؟

همان‌گونه که اطلاع دارید آمریکایی‌ها در راستای توافق ژنو تعهد نموده بودند که از تصویب تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران خودداری کنند. به همین دلیل به نظر می‌رسید که دیپلماسی و گفتگو، روزه‌ای برای تعدیل خصومت‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران پدید آورده است، اما تحریم‌های جدید بر فضای مناسبات ایران - غرب سایه انداخت.

تحریم‌های جدید وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه اشخاص، متهم به دور زدن تحریم‌های یک‌جانبه غیر قانونی، این بار با اتهاماتی ناظر بر امور نفتی و موشکی به لیست سیاه تحریم‌شوندگان افزوده شد، بار دیگر مسأله قانونی بودن یا نبودن این تحریم‌های جدید از منظر توافقنامه ژنو مطرح شد. با توجه به ابهامات راجع به این موضوع در متن توافقنامه، رویکرد اعضای آن به عنوان عاملی تعیین‌کننده در اعتبارسنجی این اقدام محسوب می‌شود.

کارگزاران بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران پیش از این به هر دلیل بر مطابقت این اقدام با سند مذکور نظر دادند. در حال حاضر هم بعید به نظر می‌رسد که نظر مذکور تغییر یافته باشد. اما در میان اعضای ۵+۱ که طرف دیگر این توافق هستند، روس‌ها هم در واکنش به تحریم‌های جدید، آن را مغایر سند ژنو شمردند و دیگر اعضای این گروه سکوت اختیار کرده و البته آمریکا با قاطعیت بر مشروعیت آن تأکید نموده است.

مسأله مهم در کنار ابعاد قانونی بودن یا نبودن این تحریم‌ها - که به نظر می‌رسد رویکرد نامشروع‌انگاری آن، موجب تحکیم موضع و سیاست کشور در روند ارتقای دستاوردهای توافق ژنو یا دستاوردسازی در ادامه گام‌های مذاکراتی خواهد شد، تلاش آمریکا برای مدیریت دوره گام اول از طریق

تحریم است. این کشور پیش از تصویب توافق ژنو در نشست ۲۴ نوامبر هم مجموعه‌ای از چند لیست تحریم را علیه شرکت‌ها و افرادی که متهم به دورزدن تحریم‌ها شده‌اند، تدوین نموده و هر از چندگاهی که موقعیت مناسب باشد، آن را در میدان دیپلماسی - فشار به اجرا می‌گذارد.

به واقع، هیچ یک از این ابلاغیه‌های وزارت خزانه‌داری، امری بدیع و خلق‌الساعه نیستند که بر اساس تصمیم یا تشخیص دیروز و امروز حاصل شده باشند، بلکه تصمیم‌گیری در این زمینه بسیار پیش از اینها قطعی شده است. اما هنر آمریکایی‌ها در این است که به منظور مدیریت فضای تعدیل شده تجاری و بازرگانی و حتی روانی ناشی از تعلیق برخی تحریم‌ها، در گام نخست، از این سلسله لیست‌های جدید تحریمی استفاده می‌کنند و هر بار، یک مورد از آن را ابلاغ می‌کنند.

بر این اساس، حساس شدن دیپلماسی ما در خصوص تحریم‌های جدید از آن جهت جدی‌تر است که در نظر داشته باشیم وزارت خزانه‌داری در صدد است بخشی از لیست‌های بعدی تحریم (افزایش اشخاص تحت لیست سیاه آمریکا) را ابلاغ کند. با این اقدام، آمریکا در کنار تعدیل برخی تحریم‌ها ناشی از گام اول توافق ژنو، به افزایش فشارها در جهات دیگر بر ایران خواهد پرداخت.

از این رو به نظر می‌رسد آمریکا در گام نخست، با ابزار تحریم، به مدیریت آثار و پیامدهای توافق ژنو پرداخته است و البته این مدیریت، نسبت به گام‌های بعدی و مذاکرات راجع به آن نیز بی‌تأثیر نخواهد بود. هوشمندی دیپلماسی ما ایجاب می‌کند که از موضع‌گیری و کارت روسیه به عنوان ابزاری در افزایش قدرت چانه‌زنی در برابر آمریکا استفاده کنیم و البته ما از اتهام برهم‌زننده توافق مذکور نیز دور مانده، روسیه را در این زمینه سپر قرار دهیم.

۴- ارزیابی شما از علت اصلی ریشه‌های بحران در اوکراین چیست؟

همان‌گونه که می‌دانید کشور اوکراین به لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی و

روان‌شناسی اجتماعی دارای دو گرایش روس‌گرا و غرب‌گرا است. این گرایش‌ها باعث می‌شود هر از چند گاهی تنش‌هایی در میان مردم و حکومت ایجاد شود؛ چون هر طرف بر اساس تمایلات خود علاقه‌مند است که دولت گرایش‌های آنها را در سیاست خارجی اعمال کند. این همان مشکلی است که کشور اوکراین با آن مواجه است؛ زیرا غرب‌گرایان علاقه‌مند به افزایش رابطه و تعامل با اتحادیه اروپا و آمریکا هستند.

بنابراین هویت‌های دوگانه شرقی - غربی در اوکراین این زمینه را فراهم کرده تا قدرت‌های خارجی به‌خصوص فدراسیون روسیه و آمریکا به راحتی در امور داخلی آن دخالت کنند. دوگانگی هویتی اوکراین به دو پارگی جغرافیایی آن گره خورده است. به این معنا که اوکراین به شکل تقریبی از دو قسمت جغرافیایی برخوردار است که در وسط آنها رودخانه دنیپر قرار دارد. روس‌گرایان اوکراینی که از نژاد "اسلاو" بوده و دارای مذهب ارتدوکس وابسته به کلیسای روسیه هستند در بخش شرقی قرار دارند و کاتولیک‌های متمایل به اروپا عموماً در بخش غربی این کشور زندگی می‌کنند. مجموع این دوگانگی‌ها، سیاست و حکومت اوکراین را به شدت تحت تأثیر قرار داده و حتی ترس از تجربه این کشور را به وجود آورده است که البته هنوز قدرت‌های خارجی تمایلی به آن نشان نداده‌اند.

در کنار این مسأله اقتصاد اوکراین نیز در این جدال‌ها تبدیل به عامل تشدیدکننده شده است. اوکراین به لحاظ نیازهای انرژی در زمینه‌های گاز و نفت به روسیه وابسته است؛ بنابراین مجبور است بخش قابل توجهی از سیاست‌های خود را معطوف به این مسأله کند. به همین دلیل است که حتی غرب‌گرایان اوکراینی وقتی قدرت را به دست می‌گیرند مجبور هستند با مسکو تعامل داشته باشند. به‌خصوص که روسیه طی سال‌های اخیر به شدت نسبت به خارج نزدیک خود حساسیت نشان داده و خواهان بازگشت به قدرت تأثیرگذار در نظام بین‌الملل است.

مسأله دیگر در زمینه اقتصادی اوکراین این است که عمده صنایع و

کارخانه‌های این کشور در بخش شرقی و "اسلاو" نشین قرار دارد. به گونه‌ای که ۷۰ درصد تولید ناخالص ملی کشور از این بخش شرقی تأمین می‌شود و حتی ساکنان بخش غربی مجبور هستند برای شغل و درآمد به بخش شرقی اوکراین تکیه کنند.

در چنین شرایطی می‌توان گفت که اوکراین همانگونه که این دو دهه نشان داده در تنش دائمی قرار گرفته و به گونه‌ای همواره در دوره پیشاانقلابی قرار دارد؛ زیرا این هویت دوگانه اجازه تعامل سیاسی در بین گروه‌های اجتماعی را نمی‌دهد و هرگاه غرب‌گرایان قدرت را به دست بگیرند روس‌گرایان به خیابان می‌ریزند و برعکس. در این میان اتحادیه اروپا همواره ترس دارد که مبادا با فشارهای زیاد، روسیه بار دیگر «دیپلماسی گازی» را به راه بیندازد و در فصل سرما اوکراین و اتحادیه اروپا را با مشکلات بنیادی مواجه کند. این در حالی است که آمریکا از این خطر مصون است و راحت‌تر دست به اقدام می‌زند و حتی می‌تواند در ایام المپیک زمستانی در سوچی روسیه، بخشی از اختلافات سیاسی سوریه را از خاورمیانه به اوکراین و مرزهای خارج نزدیک روسیه منتقل کند. رویکردی که روس‌ها پیشتر نسبت به آن هشدار لازم را داده‌اند.

۵- ارزیابی شما از حضور ناوگان نیروی دریایی ایران در اقیانوس

اطلس چیست؟

همان‌گونه که نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد، این ناوگروه وارد اقیانوس اطلس می‌شود، اقیانوسی که در آن حدود ۹۰ کشور از جمله آمریکا، مرز آبی و خط ساحلی دارند. حضور ناوگان نیروی دریایی ایران در این اقیانوس صرف حضور و داشتن توان نظامی برای انجام مأموریت ۳ ماهه و طی حدود ۲۵ هزار کیلومتر مسیر آبی، از اهمیت بالایی برخوردار است و کمتر کشوری به‌جز چندین قدرت بزرگ، در این حوزه دارای چنین توانی هستند.

اهمیت این حضور، آنجایی روشن می‌شود که روزنامه یواس‌ای تودی درباره حضور ناوهای ایران در اقیانوس اطلس نوشت: «ایران با این کار پاسخ حضور ناوگان دریایی ارتش آمریکا در خلیج فارس را می‌دهد.»

حضور ناوهای ایرانی در اقیانوس اطلس باعث تقویت ونزوئلا به‌عنوان رقیب جدی آمریکا در حوزه دریای کارائیب می‌شود.

تقویت قدرت منطقه‌ای ونزوئلا در حوزه دریای کارائیب، اهرم دیگری برای ایران، این بار نه در هزاران کیلومتری آمریکا و در خاورمیانه، بلکه نزدیک این کشور است که می‌تواند به شدت در تغییر در توازن قوای نظامی و سیاسی در این منطقه تأثیر بگذارد.

البته اگر کوبا را که با جمهوری اسلامی ایران ارتباط بسیار خوبی دارد، به این حلقه اضافه کنیم، تغییر قابل ملاحظه‌ای در اوضاع در حوزه دریای کارائیب ایجاد می‌شود.

آمریکای لاتین با حدود ۶۰۰ میلیون نفر جمعیت، منطقه‌ای استراتژیک در جهان محسوب می‌شود. در این منطقه، ایران ارتباط تجاری و اقتصادی بسیار گسترده‌ای با کوبا، ونزوئلا و برخی دیگر از کشورهای این حوزه دارد.

با این وجود، ایران دو ناو که یکی رزمی و دیگری پشتیبانی است، به اقیانوس اطلس اعزام کرده و این ناوها در سواحل ونزوئلا پهلو خواهند گرفت و اصولاً در معادلات نظامی، یک ناو رزمی و یک ناو لجستیکی برای تقریباً هیچ کشور تهدید محسوب نمی‌شود اما بار روانی و تبلیغی می‌تواند داشته باشد.

پهلوگیری ناوهای ایرانی در سواحل ونزوئلا، علاوه بر بالابردن وزن کشور میزبان، تقویت روابط دو کشور و افزایش قدرت منطقه‌ای ونزوئلا را هم در پی دارد، کشوری که فاصله زیادی با مرزهای آمریکا نداشته و رئیس‌جمهورش روز گذشته درباره حضور ایرانی‌ها در راهپیمایی سالروز پیروزی انقلاب اسلامی گفته است: "دولت ونزوئلا در ادامه راه چاوز بر این سخن آیت‌الله خمینی که مستضعفان باید بر ظالمان پیروز شوند، تأکید دارد."

ما فاطمه



۱۳۵۷

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

معاونت سیاسی